



سنة ١٢٢٢ - ١٣٦٠

١ - مارس ١٩٨٩

شماره ٤٩٣ - ١٥٠

سال (٣٣)

كتاب ببر (ببر شمس)





بیوک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و رئیس شورای انقلابی هر
کتاب پر لپسی شمیره

سلطانعلی کشتمند رئیس شور
دمرکزی کمیته دعمومی منشی او دافغانستان
دمو کراتیک جمهوریت دانقلابی شورا دئیس
در ارتباط به بررسی نتایج پلا
کی غونه و گره .
بیلن کرد .

* * *

داغفا نستان دخلک دمو کراتیک
کمیته دیسیاسی بیرو غری او منشی
وطنی ملی جبهی دملی کمیته
صالح محمد زیری دحوت په
نه مخکی دھلمند ولايت دھر کر لش
اودھنے دمروطاو له پئمنو او ز
خلکو سره دھنے شار دشیدانو
به یوه پوره دوستانه فضا کی .

* * *

جلسه عمومی نوبتی شورای وزیران جمهوری
دمو کراتیک افغا نستان چهار شنبه ۱۸ حوت
ساعت ده قبل از ظهر در مقر شورای وزیران
دایر گردید در جلسه عمومی شورای وزیران
که با پخش سرود ملی جمهوری دمو کراتیک
افغانستان افتتاح گردید ، پس از استنامع

گزارش های از جانب دکتور پکتیاوال معاون
اول کمیته پلانگذاری و عبدالوکیل وزیر مالیه
درباره بلان رشد اقتصادی و اجتماعی و
بوجه دولت برای سال ۱۳۶۱ ایراد گردید

بیوک کارمل دحوت په ۱۳ نیته دانقلابی شورا
په مقر کی دجوذجان ولايت دېتمتو خلکو له
مشرانو سپن بیرو اوستازو سره وکتل او
له غفوی سره بی دوستی او صمیمیت په پاکه فضا
کی دنور دېرتمین انقلاب او دھنے دنوی او
 بشپړتیابی پراو دهدفونو به ارتباط خبری
وکړی .

* * *

داغفا نستان دخلک دمو کراتیک گوند
کمیته سیاسی بیرو دچهار شنبه دحوت په
بیوک عومی منشی او داغفانستان د دمو -
باتیک جمهوریت دانقلابی شورا رئیس



باقطع نوار توسط عبدالجعید سر بلند معاون
شورای وزیران و وزیر اطلاعات و گلتور
گشایش یافت .

• • •

قرار داد جمعی بین اتحادیه صنفی وزارت
امور خارجه و وزارت امور خارجه تسویه
شاه محمد دوست وزیر امور خارجه و رئیس
اتحادیه صنفی آنوزارت روز ۱۲ حوت طی
محفلی در آنوزارت عقد وامضا گردید .

• • •

مردم شرافتمند و ز حمکش
شهر کندهار به استقبال از کنفرانس سر تا-
سری حزب دمو کراتیک خلق افغانستان و
بخاطر تایید از مردم حزب و دولت انقلابی
سیستم جدید کمپیوتر احصاییه مرکزی
شان روز ۱۹ حوت به صورت بی سابقه کار
کمیته دولتی پلانگذاری عصر روز ۱۲ حوت
داوطلبانه و دوستانه را سازمان دادند .

دمرکزی کمیته دیپلم په لوستلو سره دمارج
اپمه یاد بخو دین المللی پیوستون ورخ
دحوت په ۱۶ نیته په کابل ننداری کی و نمانغل
شو ۵

• • •

داغنا نستان د دمو کراتیک جمهوریت د
پلار وطنی ملی جبهی دملی کمیته اجراییه
هیات داغنا نستان د دمو کراتیک جمهوریت
دپلار وطنی ملی جبهی دملی کمیته د رئیس
دکتر صالح محمد زیری په مشري دحوت په
۱۳ نیته له غرمی وروسته دملی کمیته په
مقر کی غونه وکړه .

• • *

سیستم جدید کمپیوتر احصاییه مرکزی
کمیته دولتی پلانگذاری عصر روز ۱۲ حوت



مین

پلینوم

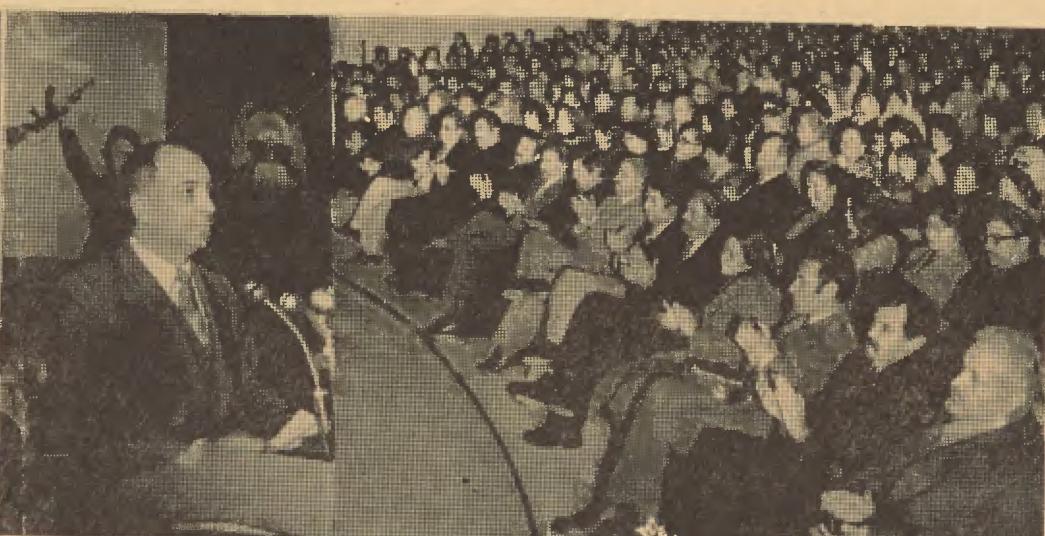
کمیته مرکزی حزب .

ن دخلک د مو ګراتیک ګوند
ل دیسیاسی بیرو غری او منشی
محمد زیری دحوت په ۱۶ نیته
د شسیدانو په چوک ګی دکندهار
شار دمربوطو د اوسيدونکو په
نده ګی ګیون و ګر دغوند اودولت
و په اړتیاط یې هر اړ خیزه ویتا

• • •

گوشه بی از محفلی که بمناسبت روز هشتم مارچ در کابل ننداری برگزار گردیده بود .

ن دخلک د مو ګراتیک ګوند دمرکزی
سی بیرو دغیری او منشی نور احمد نور
نستان دخلک دمو ګراتیک ګوند



ماضمن طرح و فرمول بندی برنامه عمل حزب و سیاست عملی ناشی از آن هدف ساده و درست را در برابر خویش قرار داده ایم تا هر دو سعادتمد و کشور خود را شکوفان سازیم.

پیکان کارمل

شنبه ۲۲ حوت ۱۳۶۰-۱۹۸۲ مارچ

رویداد عظیم و سرنوشت ساز

پیکان مبارزه خواهد کرد
ما بقیم کام مل دار
و پروگرام های حزب و د
جهت بر آورده شدن آر
دیرین مردم عذاب کشید
سعادت و خوشبختی آن
شکوفان و فاقد استثمار
پیروزی نهایی رسید خو
مد بوجانه دشمنان ارتقا
بخاطر نا کام سا ختن
متر قی حزب و دولت ا
و فض اقلاب و همه دشمن
همچون خس و خاشاک
تو قنده انقلاب ما محکوم
حتمی است.

رخ داده است بنا عمه این ها باید درج
اساسنامه حزب که زندگی درون حزبی را
نتظم مینماید گردد و روی همین اساس
هم بود که بعضی تغیرات و تعدلات در
اساسنامه حزب آورده شد.

در کنفرانس سر تاسری حزب دمو-
کراتیک خلق افغانستان سند مهم دیگری
نیز به تصویب رسید، سند مردمی یا برنامه
عمل حزب. در این سند سیاست حزب ما
در عرصه های مختلف حیات سیاسی، اجتماعی
و اقتصادی کشور بو شاخت بیان گردیده
و هدف های ساده و روشنی را بخاطر رفاه
و خوشبختی مردم و پیشرفت و تعالی وطن
محبوب ما در پیش روی خود قرار داده است

در برنا مه عمل حزب منجمله اعلای
سطح اقتصادی ملی، ارتقای سطح زندگی
زحمتکشان و سند فر هنگی های ملیت های
اقوام و قبایل افغانستان، دموکرا تیزه
سا ختن عمیق و پیکر حیات اجتماعی
و سیاسی مردم ما در نظر گرفته شده و همچنان
بخاطر تامین آرامش، قانونیت و نظم انقلابی
تاكید عمل آمده است. بهمین ترتیب درین برنامه
عمل گفته شده که حزب و دولت انقلابی ما
در جهت محو تمام بقایای فیو دالی و ماقبل
فیو دالی، تجدید ملکت بزرگ زمینداری
و توزیع زمین به دهستان کم زمین و بی
زمین و کارگران زدعتی مساعی جدی بخراج

خواهد داد که این امر در بهبود زندگی
دهستان زحمتکش ماکه قبل از انقلاب تصور
توسط فیو دالان و ملکان بزرگ پیروزی
است. این اتفاقات اتفاق نخست خود را می خواهد

بنتابه حزب انقلابی حاکم صراحت عدف،
قاطعیت عمل داشته و کار عظیم ساز ها نی
را تنظیم نماید. چنانچه رفیق پیکان کارمل
منشی عمومی کمیته مرکزی ح. د. خ. ا. طی
گزارش مبسوط شان در کنفرانس سر تاسری
حزب در زمینه چنین گفته شد: سند مردمی جدید از
آنروز نیز ضرور است که وظیفه عمده
ستراتژیک برنامه اول، هرام حزب دموکراتیک
خلق افغانستان، یعنی کسب قدرت سیاسی
انجام یافته است. اکنون در برابر حزب
و ظایف نوین قرار دارد بنابرین هدف عمومی
کنفرانس سر تاسری حزب ما را طرح و فرمول
بنده این ظایف و تعیین طرق مشخص
پیش روی جنبش ما تشکیل میدهد.

آری، حزب دموکراتیک خلق افغانستان
طبی حیات هفده ساله خود بایگاه تو ده بی
و سیعی پیدا نموده در امر بسیج گروههای
و سیعی زحمتکشان کشور پیروزی های
چشمگیری را نصیب گردیده است و در
پروسه رشد و تکاملی خود ارتباط پیوندی
با تو ده های وسیع زحمتکشان گسترش
و استحکام بسته ریافت صفوی آن توسعه
پیدا نموده وازنگاه کمی و کیفی انتشار
پیشتر و گستردگی تر نموده است مخصوصا
بعد از پیروزی انقلاب شکو همند تور توسعه
صفوف آن چشمگیر بوده و تجارت زیادی در
زمینه کسب گرده است.

بعد از پیشنهاد دو م کمیته مرکزی
ح. د. خ. ا. و تصویب اساسنامه قبلی حزب
دموکراتیک خلق افغانستان تجارت معینی
ما سازمان میدهند و با تمام نیرو و ذهرا

روز (۲۴) حوت ما شاهد تدویر و
برگزاری بزرگترین رویداد تاریخی و باشکوه
یعنی تدویر کنفرانس سر تاسری حزب
دموکراتیک خلق افغانستان بو دیم که به
اشتراك بیشتر از هشتاد و سی نماینده برگزیده
حزب از سر تاسری کشور برگزار گردید.

تدویر این کنفرانس و فیصله های
آن که بعد از مدت طولانی یعنی بعد از کنگره
اول، نخستین رویداد عظیم تاریخی در حیات
حزب ما، حزب دموکراتیک خلق افغانستان
و تمام زحمتکشان کشور، محسوب میگردد،
بدون شک به سرنوشت میلیون ها انسان
زحمتکش جا مه ما از تباطع ناگستانتی
داشته و در حیات آئیه آنها تائیر عیقق
و شکر خود را بجا خواهد گذاشت.

درین کنفرانس که در فضای کاملاً وحدت
و یکپارچگی و آزاد و دموکراتیک دایسرا
گردید دو موضوع مهم و سرنوشت ساز در
آن مورد غور و مذاقه اعضای اشتراکنده
قرار گرفت و در تیجه تغیر و تغییل در اساسنامه
حزب و طرح برنامه عمل به تصویب رسید.

از آنجا بی که تحولات و دگرگو نی
های انقلابی در کشور ما خشم و غضب
و حشیانه و مقاومت هسته ایک و دیوا نهاد
ارتعاج و امیر بالیزم را بر انگیخت و این
دشمنان قسم خود را مردم زحمتکش ما به
شیوه های گوناگون بداخله و سیعی و همه

جانبه در امور دا خلی ما دست می زند
قتل و ترور تغییر و وبرانگری را در کشور
ما سازمان میدهند و با تمام نیرو و ذهرا

درین

گردآوری و تحقیق فو
تاجیکستان سوری.

از مرگ تا زندگی ا

یک زن مبارز فلسطینی

چهره فارب این پر

چون ظیر فاریابی از

بعرهند باید منطقه

سرخ پشتی اول:

ستاره زیباروی از

ر حله نوین انقلاب:

نیمه اول

((الف سخنوار))

وسو سیالیزم و کلیه نیروهای ملی و دمو کرا تیک ضد امپریا لیستی و ضد استعماری جهان از این روز تا ریخت با جلال و شکوه و با تدویر کنفرا نسها و ایراد بیانهها استقبال بعمل میاید او لیست بار این روز در سال ۱۹۱۰ میلادی توسط زنان امریکا و آلمان تجلیل گردید در افغانستان کشور محبوب ما پیوسته با تشکیل

حزب دمو کرا تیک افغانستان پیشانیست کننده بسیج کنندۀ زنان کشور ما و تأمین همبستگی آنان با جنبش جهانی زنان مترقبی و مبارز زدر سرا سر جهان در نظر گرفته شد همان بود که در جولای ۱۳۴۴ به ابتکار زن مبارز و دلیر افغان «دکتور اناهیتا راتب زاد» سرمان دمو کراتیک افغانستان تشکیل و تا سیس گردید و این سازمان روز منده برای او لین با ردر تاریخ کشور بتاریخ ۸ خوت ۱۳۴۶ از روز بین المللی همبستگی زنان استقبال و تجلیل بعمل آور ردوهمه ساله این روز را بر گذاشت کرده است سازمان دمو کرا تیک زنان افغانستان بمنابع این روزهای سلسله نیرو مند سازمان های دمو کراتیک زنان سراسر جهان دو شا دوش همو طنا خویش در شناور (ک) دایر شد و بود از طرف زن مبارز و قهرمان آلمانی (کلا راز تکین) پیشتما دشده که بخاطر یاد بود قهرمانی زنان و در جهت تکامل جامعه ما از همان بدو بدو تا سیس کارناهای

زان کشود ما بطرف بھروزی و بجزیستی رهسپارند

دوش کشیدن بیرق مبارزین که علیه استعمار تجاوز انگلیس می گنجیدند کارناهای جاودانی بیاد گار گذاشتند. اینک در آستانه یکصد و بیست و پنجمین سال لگرد حادثه هشتم مارچ ۱۸۵۷ قرار داریم لازم است تذکر بد هیم که در تاریخ کشور مبارای او لین با رابتگار بر گذا ری هشتم مارچ را سازمان دمو کراتیک زنان افغانستان (این گردا رز منده و پیش آهنگ زنان کشور) بعده داشت در این نوشته قبل از آنکه به ذکر تشکیل سازمان دمو کرا تیک زنان افغانستان بپردازی و سرشناسی از پیروزی و سرشناسی این همه است که در این میانه قدرت از آنکه به این همه این روز و بخصوص صنعت و تکا ملی آن بیان کل از پیروزی انقلاب کشور ما نه تنها از وجود یستاد که را بر دوش میکشید کلم شرایط فرتوت ما قبل آن با رستم میلانی شهر نیو یارک برای اولین بازار شاهد یک نما یعنی «اعتراف آمیز زنان زحمتکش کارگر نساجی آن شهر بود زنان کارگر که نسبت ضعف اقتصادی لباس

با مداد هشتم مارچ سال ۱۸۵۷ میلانی شهر نیو یارک برای اولین بازار شاهد یک نما یعنی «اعتراف آمیز زنان زحمتکش کارگر نساجی آن شهر بود زنان کارگر که نسبت ضعف اقتصادی لباس

های خلقی علاوه شده‌اند .
بعد در سال های ۱۹۵۰ فولک
بیش از پیش دقت متخصصین
بخود جلب می‌اندازد .
متوجهان تاجک در نقاط مختلف
الآنای وظیفه نموده در اوقات
رسمی هنگام استراحت و روز
به گرد آوردن اثر های شفاه
افغانستان می‌پردازند . در سال
چنین ترجمانها که در ولایت قط
مشغول کار بود . پس از بر
شوری ضرب المثل ها و معا
واوزبکی را به طبع رسانیده است
یوف می‌باشد . او اثرهای خ
از بسان سا گنان شهر ه
بغلان، گنوز و دهکده های ع
دوری چشم شیر نوشته است
مجموعه نمونه های ضرب
های تاجیکان و اوزبکان ولایت

از دو بخش عبارت بوده قدر
(۳۵۱) ضرب المثل و مقاله در
را (۳۵۶) نمونه حکم و امثال
داده است .
این مجموعه از روی الفبای
شده و شرح و تو ضیح عبارا
در آن صورت گرفته است .
امثال و حکم مجموعه تهیه‌ی
یوف با حروف روسی و عربی
است .

بعضی فرق های امثال و
قطعن افغانستان از ضرب ا
تاجیکان و اوزبکان اتحاد جما
مجموعه آورده شده اند .
متخصصین و خواندنگان زیاد
افغانستان و ایران را با نمو
دهاتی مردم افغانستان نس
ساخت .

یک عدد فولکلورشناسان
از اول سال های ۱۹۶۰ به
تازه لفظی دری زبانان افغان
را بطبع رسانیده اند .
از دو بوز نامه های («
کامسال اتحاد جما

نمود . آن را صاحب‌دولت مردمی شان‌گردانید
امکان آنرا فراهم آورد تادر ساحة فرهنگ‌نیز
تحولات همچنانه ای به عمل آید .
امربیت فولکلور وزارت اطلاعات و کلتور
افغانستان بادر نظر داشت ضرورت عملی
مجله نو فولکلور و مردم شناسی تاسیس
شده و شرح و تو ضیح عبارا
در آن صورت گرفته است .
امثال و حکم مجموعه تهیه‌ی
یوف با حروف روسی و عربی
است .

بعضی فرق های امثال و
قطعن افغانستان از ضرب ا
تاجیکان و اوزبکان اتحاد جما
مجموعه آورده شده اند .
متخصصین و خواندنگان زیاد
افغانستان و ایران را با نمو
دهاتی مردم افغانستان نس
ساخت .

برای گرد آورند گمان آثار مردمی دستورالعمل
و سنن غنی می‌باشد . مردم در طول قرنها
خاصی گردید . سرور می‌باشد بار نخست طرز
عنده رسم و آئین اجداد خود را مانند سایر
ترورهای معنوی ملی دوام و تقویت بخشدیده
تکید گرد که آثار فولکلوری را هرچه بیشتر
دراین سر زمین از قدیم تاکنون خلقها،
اقوام و قبیله‌های گونا گون سکونت دارند
که رسم و رواج‌های گوناگان شان جاری
می‌باشد .

فولکلور که بعض مهی فرهنگ خلق را
تشکیل گرده در آن مقام خاصی دارد سرچشمه
بی‌انتهای فرهنگ و ادبیات است . فولکلور
به ذات خوبی آئینه انکاس حالات و گفایت
های مختلف روحی هردم نیز به شمار میرود .
در ایجادات شفاهی مردم غم و شادی مزاج و
سوچی های نمکین ، مبارزه جهت آزادی و
استقلال و امثال آن ایجاد یافته است . فولکلور
دری زبانان افغانستان چون فولکلور دیگر
خلق های ساکن آن مملکت دارای موضوع
محظیات خاصی بوده اکثرا مسائل عمدۀ حیات
حیل را فرا گرفته است همچنان ای الحاظ
السکال بدین گون بوده سرود و ترانه
دیگری ، دویستی ، بیت و فرد ، بند و امثال
چندین شماره این مجله از چاپ برآمده بدنترس
مردم گذانسته شده است . مجله مذکور نمونه
مراسم موسی جشن های سال نو ، عروسی

گردآوری و تحقیق فولکلور افغانستان در تاجیکستان شوروی

های مراسم خود مراسم رایا زبان فصیح تصویر
نموده موقع اجرا و طرز اجرای سرود ها را
در مراسم بیان نماید. یکی دیگر از وجوه
امتیاز مجموعه آن است که بسیاری از بندو
امثال را بامتن آورده است. برتری دیگر کار
های سنگین نور محمد اف از آن عبارت است
که او هنگام کرد آوری فولکلور خصوصیت
لحجه گوینده آنرا نگاه داشته است و در چاپ
علمی هم این طرف مسئله مراعات شده
است.

همین طور در تاجیکستان سوروی بر رسمی
فولکلور دری زبانان افغا نستان با چند راه
واصول صورت گرفته است. اکثر مجموعه
های فولکلور خصوصت چاپ عاوه وی را دارند.
بعض اثر های فولکلوری در حجم کوچکتر
به طبع رسیده است. در حال حاضر شعبه
افغان شناسی انتیتوت خاور شناسی اکادمی
علوم تاجیکستان تصمیم گرفته است که مسئله
گرد آوری، بررسی و چاپ ایجادیات لفظی
مردم دری زبان را بیش از پیش توسعه بخشنیده به
تدقیق نموده ای کوناگون فولکلور تا جیکان
سوروی و چمپوریت دو گراییک دو افغا نستان
جدا جدا بپردازد. جب عملی گردیدن این
مطلوب بیش از همه ضرورت احساس میشود
که در شعه هذکور گنجیه فولکلور و ذخیره
تبت آواز گویند گان ممتاز و مشهور تشکیل
گردد.

شعبه افغانشناسی انتیتوت خاور شناسی
اکادمی علوم تا جیکستان نیت دارد که در
برابر تدقیق و بررسی برآبلم های اقتصادی،
تاریخ، زبان و ادبیات دری و پشتیو مردم
افغا نستان راجع به فولکلور و تدقیق
متقابله ایجادیات شفاهی مردم افغان و تاجیک
وسایر خلق های گروه ایرانی بعضی کار هارا
انجام بدهد. جب عملی شدن این مطلب
ضرورت احساس میشود که بیش از همه گنجیه
فولکلور مردم افغا نستان به وجود آوردمشود
در این ذخیره باید مواد معلومات عالمان و
دوستداران فولکلور که هنگام مسافرت به
افغا نستان جمع آوری نموده اند شامل

نمودند. نبوده ایجادیات شان قابل تدقیقات علمی
میباشد. از بین محققان فولکلور دری فعالیت
ستگین نور محمد اف را باید به صورت خاص
خاطر شان ساخت. او در سال ۱۹۶۱ حینکه
در وزارت پلیان افغا نستان بعثت ترجیمان
کار میکرد با سپاوش شعبه فولکلور شناسی
انتیتوت زبان و ادبیات بنام رود کی آکادمی
علوم تاجیکستان جمع آوری علمی فولکلور دری
زبانان را شروع کرده بود. در مدت دو سال
او با کمک و بواسطه علماء و دانشمندان
اعفای نستان قریب نمونه همه انواع ادبیات

شفاهی را برخوار تبت نموده عکس گویندگان
مشهور خلقی را جمع نموده درباره فولکلور
و دانشگان آن معلومات گرد آورده بود. بعداز
باز شسته به وطن نیز چند سال بیواسطه با
آهونخ و بررسی فولکلور دری مشغول گردید
و همان بود که (آینه) فولکلور تاجیکان افغا
که از مناطق مختلف افغا نستان در پیروزه
آبیاری وادی نتگر هار و ساختمان راه دوشی
و بند سیر خان کار میگردند. گرد آوری
نموده اند. مجموعه مذکور از چند بخش عبارت
است بخش اول آن را دویستی و زیادی با خش
دوم را سرود و ترانه ها قسمت های دیگر را
را چیزی های خلقی ضرب المثل هاو مقال و
بارچه های داستان خلقی (کوراو غلی) و نمونه

ایجادیات لفظی دری زبانان افغانستان را که
جمع کننده هر تپو بگارند سرخن و توضیحات
وزین آن نور محبه مداف میباشد. به طبع رساید
تا نشر این اثر در خود جمپوری دو گراییک
افغا نستان و اتحاد چماهیر شوروی چنین اثری
که ایجادیات شفاهی این کشور را طور علمی
با مراعات قواعد و قوانین علم فولکلور

باشد. شناسی عاشر برای چاپ تدبیه نموده
به نظر نمی رسید. از این رو خدمت ترتیب
دهنده در این رشته نهایت بزرگ است.
ستگین نور محمد اف در دیبا چه عمومی
مذکور کوشش نموده است باید آور شده که
یمانه جمع آوری و بررسی فولکلور افغانستان
و سیع و عمومی باشد. این کتاب نه تنها
حاجما بزرگ است، بلکه منتراجا تشن نیز
نهایت غنی و رتکین میباشد. کتاب در علم
افغان شناسی اقدام خوبی بوده در آینده جب
جمع آوری تدقیق و منتشر شاختن فولکلور
دری زبانان افغا نستان امکانات فراوانی را

فرام می سازد.

در ۳۱ صفحه مجموعه مذکور بدون سر-

ت غریان مجموعه تازه
ستان را به طبع رسانده.
برو فیسور ناصر جان
س جوان مغشول خالوف

۸ دویستی و دیگری
د ها و ترانه های دری را

فولکلور خلقی افغان

تستان را معتبر شده مجموعه دیگری را از

برآورده که ترتیب دهنده گان آن داد اجان عابدوف

و صلاح الدین فتح الله یف کار مندان علمی

به تعداد بیشتری نشر

ادیات بنام ابو عبدالله رود کی میباشد.

ایشان اثر های خلقی مجموعه (سخن از

دهانه) در سال هاییکه در شهر های

جلال آباد و کندوز بعثت تر جمان ایسا

و ظیفه می نمودند از عسکران و مزدور کارانی

د داشتندی رایایات خلقی

برد. محقیقان فکلور را به

فغان دعوت نموده این تشبیت

در نظام خلق دری زبان

فولکلور تاجیک سکل

و مشهور بوده موضعیات

ویر جاذبه لطیف و دلکش

همانندی شرایط تاریخی

نماینده موضوع و مضمون

و دویستی های خلقی افغانی

بسته تاجیکی خلی نزدیک

است. این حصة محصول

و نکی طرز زندگی ادکارو

غفاستان را دربر میکرد

ک نوشته اند که زبان

د رایایات خلقی افغانی

کوهستان تاجیک یسد

ر این پی بردن دسوار

ف چپ در یا آمسو در

ست مایجاد شده اند.

را لندی ها تشکیل داده

ی حبیب نوابی شکل

تر تیپ یافته سال ۱۳۳۷

مسکری کابل بطبع رسیده

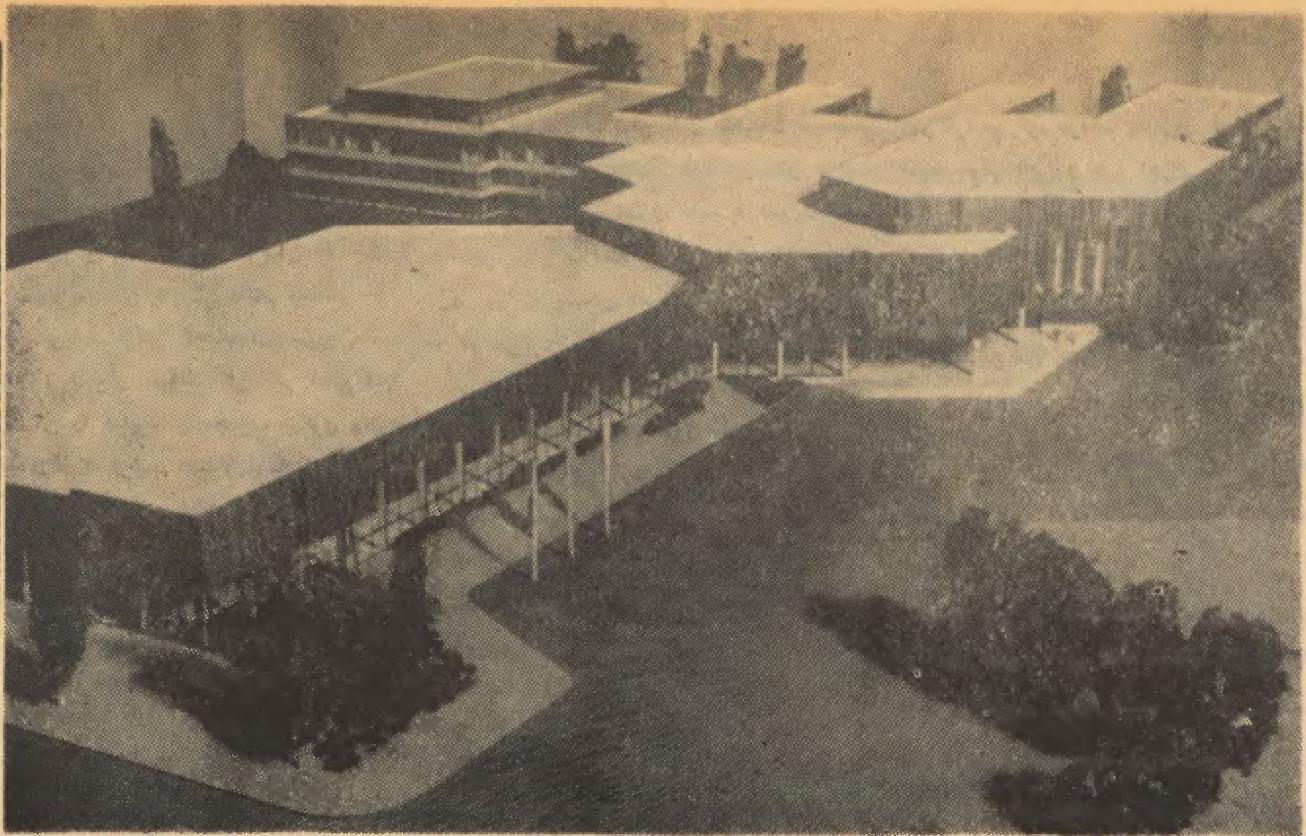
یهابه قلم شاعر دانشمند

روفه بینوا تعلق دارد.

دادن مجموعه نمونه



کله چی یوی الیبر
مخکبیانو یو بستنو اته



د المان یه ډمو اکرا اقیک جمهوریت کی اد (ارنسنست-تا گمن) یه نامه د مخکبیانو د مانی د تاسیساتو یوه
منظره .

شی. په سو سیا لیس
هیوادونو کی د مخک
وړکتوب او څوانی په
کوچنیانو د سیاسی
کلتوري شعور د روزا
تر ییوی مر کزو نه
سو سیا لیستی هیو
مخکبیانو د مانیو د
هر ډول ۱ مکانات او
اچول کیږی او لکه چو
کی ورو سیو را پوړ
کړیده په سو سیا لیس
کی د مخکبیانو مانی ت
نوونو د شیدو خورلو
همدا رنګه د لو مرنیو
ښیوونخیو له پرو ګرا
او نزدی ارتباط لري
کراتیک جمهوریت کو
لو هېنی مانی د (ارنس
نامه د ۱۹۴۸ کال د ده
به دیار لسجه نیټه ج
دمخکبیانو دغه مانی
فعالیتونو له نظره د
ټولنیز و ساز ما نونو
سره زیاته ور ته وال
مخکبیانو د مانیو پرو
ښهونه او دوزن د

د مخکبیانو مانی

څه ډول فعالیت کوي

کاندی. دا د مخکبیانو د مانیو وظیفه
او رسالت دی چی کو چنیانو او
کی د مخکبیانو مانی ت
نوونو د شیدو خورلو
همدا رنګه د لو مرنیو
ښیوونخیو له پرو ګرا
او نزدی ارتباط لري
کراتیک جمهوریت کو
لو هېنی مانی د (ارنس
نامه د ۱۹۴۸ کال د ده
به دیار لسجه نیټه ج
دمخکبیانو دغه مانی
فعالیتونو له نظره د
ټولنیز و ساز ما نونو
سره زیاته ور ته وال
مخکبیانو د مانیو پرو
ښهونه او دوزن د

مانی وظیفه لري چی کو چنیانو او
ټینګو څوا نانو نه د هغوي د حقوقو او
کی د مخکبیانو مانی ت
نوونو د شیدو خورلو
همدا رنګه د لو مرنیو
ښیوونخیو له پرو ګرا
او نزدی ارتباط لري
کراتیک جمهوریت کو
لو هېنی مانی د (ارنس
نامه د ۱۹۴۸ کال د ده
به دیار لسجه نیټه ج
دمخکبیانو دغه مانی
فعالیتونو له نظره د
ټولنیز و ساز ما نونو
سره زیاته ور ته وال
مخکبیانو د مانیو پرو
ښهونه او دوزن د



هم پیدا شویدی چی په نړیوال ډګر
کی دکو چنیا نو او تنکیو خوانانو یه
ټولنیز ژوند کی د هر ډول استثمار
او استعمار مخه و نیسی . په ۱۹۵۲
کال کی ددغه هیواد د مخکنیانو په
مانی باندی د (ارنسټ، تالمین) نوم
کیښو دل شو او تر او سه پوری د
ټولنیز ژوند له بیلا بیلو پزو ګرا مونو
څخه بر خورداره د .

(او نست، تالمين) د فا شیز م
ضد یو ستر اشخصیت وو اود
جر منی د کاو گرا نو دېلی د انقلاب
له چیرو نا هتو او ستر و زهبرانو
خشخه شمیرل گیزی . نو مویی د کار-
گرانو غور خنگ تند یو لې گپورو
خدمتو نو خغه ورو سته په کمال
۱۹۴۱ کی د (بو چو نوالد) په کمپ
کی د هتلر د فاشیستا په واسطه
ووژل شو .

دەخىنلىغانو پە ماپىو كى دىزوندانە معيارونە :

د مخکنبا نو په مانې کې دغې یتوب موضوع البته یوه رضا-
کاره هیله او ارزو ده . یا په بله ټبه په دغه مانې کې هر خوک کولای شی
په داو طلب ډول دغې په تو گه شا مل شی . د طرح شویو لوایحو
او جوړو شویو اسا سنا مو له مخن
د بنو و نخینو ټول زده کوونکۍ او
شا گردان چې عمر له (۱۴) کلونو
څخه پور ته نه وی کولای شی چې د
مخکنبا نو د مانې په غږ یتوب کې
شا مل شی . د مخکنبا نو د لوړ نیو
دریو ډلویه کنګوری کې (۹-۶) کلونو
پوری « هفه خوان مخکنبا نو ونډه لری
چې د تکیو ټخوانا نو په ډله کې هم
شمیرل کیدای شی . د مخکنبا نو د
مانې غږی (هلکان او نجونی) مخصوصاً

یو نیفورم آغوندی (۱۳-۱۰) کلن
کو چنیان د مخکنیانو د مانهی دخلورم
کتگوری په ډله کی شمیرل کیزی.
همدا رنگه همدغه ډله د (۷-۴) کتگوری
یه ډله کی هم را تلای شی . دطرح
شویو قوانینو او مقرراتو له مخی د
مخکنیانو هر یوه غری ته (هلك -
نجلی) د غری یتوب یوه کتابچه او یا
یوه کارت ورکول کیری. دمخکنیانو
به مانهی د غری به هلکانو او نجونو

ل هير مو نه شه چي د
د مانيپو او د دوي دوالدينو
و تر منځ هم غوره همکاري
ربطا شته دي . د (ارنسټ
د مخکنیانو ماني د المان
تیک جمهوریت د خوانانو
ماز مان د مر کنۍ شورا له
اره کېږي او ددغه شوراتر
ثر لاندی فعا لیت کوي . په
کې د ننه د مخکنیانو ماني
انونو او تنكیو خوانانو
يو د بل سره د نژدی
و تماس درلودونکي دي . د
مو کرا تیک جمهوریت د
آزاده اتحاديه په بیلا بیلو
پولو نو سره د هقه هیواد
و له ماني سره کمک او
وي . د مثال په تو ګه د
ددمو کرا تیک ساز مان د
حاديی غږي کولای شه چي
، سو پروايیزدانو، ګنټرو-
ځاروونکو په خيرد مخکنیانو
کې د وړئنیو کارونو ځارنه
دټولنیز سیاسی ګلتوري او
ژوند په بیلا بیلو اړخونو
کنکنیانو او تنكیو خوانانو په
پیز نه ګلوي او لارښوونی
ه ونډه واخلي . د خپاره
اپوروونو له مخې اوس اوس
مو کرا تیک جمهوریت د
ه په لیزو ساز مانو نو او
کې خه د پاسه یو میلیون
څلوبینت زره تنه هلکا ن
مخکنیانو او تنكیو خوانانو
د غې ښېب ویار لې . په

لدادی کمال کمی هغه و خت چی
قدرت ورسید دا یوازی د
ی دیانگه والی د سیستم
تکی د جر منی د کمو-
ند د څوانانو دلیگ دهلو-
نه وه چی د هغه هیواد د
و زا منو او ګو چنیانو تهد
ر غه ژوند امکانات تا مین
دورو ستیوراپور ونو لهه مخی
په اوږدو کمی د المان ددمو-
جمهوریت دمکټیبانو دهانی
پینګ په لس ګونو پرو-
کړه فعال وند، اخستله



دا هم د مخکنیانو د هانی دبرخه والو د مو سمنی میلو او تفریحی
فعا لیتونو یوه گو بنه .



هم کولای شی او ور ته زمینه
یزی. چې د مخکنیانو د رو
تسویق او سیمی لارښونی د
په چارو کې ونډه واخلي
رول ولوبوی . د کار گرانو
کړی زوند سرده مخکنیانو
بیلو ډلو او ګرپونو په آش
سره د یوه خو شحاله او
زوند د لاس ته راولو د پا
ضروری امکانات او غوره
تامین او برا بر یډای شی
دبسوونځیو او مخکنیانو
د همکاریو او نزدیو تماسو
ښوو نځی ، پړکتونو نه او
نو موسسی نه یوازی په من
اندې و لیز م تو
دبل سره ار تباطلری او
بلکه دمیندو او پلرونو او
سره یو ځای په ټولنه کې
نګری واحد تشکیلوی. دطر
قوانینو ، مقر راتو او ل
له مخسی د مخکنیانو م
خپل غری او برخ والی ه
مسئولیتونو او مکلفیتو نو
ښوونځی یې طرح ګړیدی
متوجه کوي یې د بسوونکو او
په برخ ځی اخستلو او ګیو
سر د مخکنیانو مو سیسو
تفا هم په شته والی سره
قو او دیکارا چولو ، کنځک
دېلین ، ټولنیز نظم او د ډ
ملګر تیا کار کولو د رو
درلود لو سره فعا لیت کوي
په ورڅ پر منځ ځی. په دی
پول موسسی وظیفه لری چ
سیالیستو زده ګرو له پا
او نجونی د بسوونځیو د
کاندی د مخکنیانو په مانیو
هلكان او نجونی په دی پو
چې تعلیم او تر بیه د دوی
او ټولنیز زوند د پاره د ډ
او مهمو عوا ملو خنځ شې
او دوی باید هرو مرو دغه
خپله جدی تو جه او پاملر
خوی . دا خپله الیت د یا

دمیندو او پلرونو او د دوی د ګورنیو
انفرادی مو سیسو او ساز مانونو ، د
خوانانو او بندخو د ساز مانونو اود
ټولنه د نورو اقتشارو او خواکونله
مرستو او همکاریو خنځ ګډه اخلي
او بر خورداره کېږي . د مخکنیانو
مانیو د برخه والو دورځنۍ زوندانه
یو بل عمده او مهم خصو صیت دادی
چې هغوي باید د کار گری ډلی او
زیار ایستو نکو سره نزدی تماس
ولري. ددغه اصل د په نظر کې نیولو
سره نزدی د ټولو بسوونځیو ، وړه
کتونونو او نورو تربیوی او تعلیمی
کادرونو ګیون کوونکی د تولیداتی
کارونو له تصدیو او فابریکو سره
دنزدی او نه شلیدونکی ارتباط درلو.
دونګی دی . هر ټولګی خان ته د

او ګیون کوونکی وظیفه او رسالت
لري چې لومړی د خپلی ټولنه او هغه
چاپریال چې په کې او سیپری
وخاری او د خپلوا اړوندو ډلو د پاره
کار او فعا لیت وکړي . هغوي
کولای شی چې د خپل عمر په لومړیو
پړ اوونو کې د دموکراسی او په
سو سیا لیستی ټولنه کې د هغه
پلی کولو په معنی او مفهوم باندی
وپو هېږي . د بسوونکی او روزنې په
دوزان کې د مخکنیانو بیلا بیلی ډلی
د دوستی او همکاری د شورا ګانو
جوړولو ته اقدام کوي. په هره
شورا کې له (۱۵-۱۶) تنو پوری
مخکنیان د غړیو په تو ګه ټاکل
کېږي . د دغوشورا ګانو یوه وظیفه
داده چې په ټولنیز او ورځنۍ زوند
د تشکیلا تو له مخنی د مخکنیانو
مانیو کې هره ډله خان ته یوره
کې او دغه رهبر کیدای شی چې په
مخکنیان د خواکونله د دموکراسی
ټولنیز او دغه رهبر کیدای شی چې په
مان د دموکراسی ټولنیز او دغه رهبر
د تفریح کولو او خوښی ټول
روزی وسایط ، لوازم او اسانتیاوا
ابری کېږي .

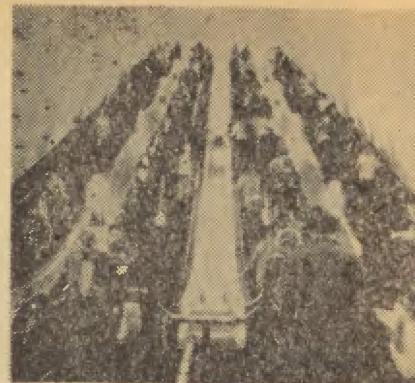
د تسلیمه تو له مخنی د مخکنیانو
مانیو کې هره ډله خان ته یوره
کې او دغه رهبر کیدای شی چې په
مخکنیان د خواکونله د دموکراسی
ټولنیز او دغه رهبر کیدای شی چې په
مان د دموکراسی ټولنیز او دغه رهبر
د تسلیمه تو له مخنی د مخکنیانو
مانیو کې هره ډله خان ته یوره
کې او دغه رهبر کیدای شی چې په
مخکنیان د او سیمی ساز مان مشر
لمان د دمو کراچی جمهوریت د
زانانو د آزادی اتحادیه له غړیو
خه په دایمی تو ګه ټاکل کېږي .
کیدای شی چې دغه مشر دیو
وونکی په صفت د مخکنیانو د
ستی دساز مان ورځنۍ کارونه پر
ج بوزی .



د مخکنیانو د موسسی لیپر (رهنما) د مخکنیانو سره د خبرو په حال کې.

کې د مخکنیانو ورځنۍ کارونه او
فعالیتو نه کنترول کاندی. د مخکنیانو
ورځنۍ کارونه د دوستی او همکاری
د اړوندو شورا ګانو له خوا د قوانینو
د ذکر شوی ټولګی د غړیو په سمه

فابریکو او یا تصدی له خوا د لار -
چې د مخکنیانو په ساز م
مو سیسو کې د بسوونځیو
کادرونو په چوکاټ کې د
کی د ورو سته یې د عمل ډګر تهراپلی
اندی . د مخکنیانو هره ډله خان ته
ډلی شورا ټاکی . د دغه شورا په
سوکاټ کې یوره، د هفه مرستیا
و منشی ونډه لری . دوی دری واړه



مسکو اعمام گردید. چاده یکصد و نودو سه کیلو متری این شهر اقتباس از خیا بانهای شهر مسکو بود که به آن شبا هت تام دارد.

شش یا هفت قطار که سرعت عادی آنها ۴۱ کیلومتری ساعت است و سرعت اعظمی شان فی ساعت هشتاد کیلو متر می باشد روزانه شش میلیون نفر را انتقال میدهد این عدد گاهی به بیش از هفت

میلیون نفر میرسد.

مشخصه خط آهن زیر زمینی مسکو عبارت از سرعت، آسایش و قیمت نازل میباشد یک مسافر میتواند با پرداختن صرف پنج کپیک یکصد و نودو سه کیلو متر را سفر کند.

امروز معماران به مناطق جدید مسکو نی میترو (زیر زمینی) میسازند آنها در آینده حدود شهر را عبور خواهند کرد، و مسکو را با حومه های آن وصل خواهند نمود. مطابق پلان عمومی انکشافی مسکو، طول مجموعی سیستم میتروی پایتخت به سهصد و بیست کیلو متر میرسد.

متخصصین این جمن ساختمان زیر زمینی مسکو تجارت خویش را وسیعا در معرض استفاده دیگران قرار میدهند. ایشان در ساختمان

راه آهن زیر زمینی در لینگراد، کیف، تیلیبیسی، باکو، تاشکند، ایران و سایر شهرهای سوروی همکاری نموده اند. تجربیات آنها در اکثر مناطق صعب العبور راه آهن (بایکال آمور) مراکز ابر ژی بر ق آبی در سایبریا و آسیای میانه و در حفر کانالهای آبیاری بسیار سودمند

هر روز حدود شش هیلیون و بعضا هفت هیلیون ساکنین مسکو از میترو استفاده می نمایند. در هیات ایستگاه ساعت شش صبح باز ویک شب بسته می شوند.

ایش برای مسافرین شعار میتروی مسکو است. شانزده معلو مات لازم رابه مسافرین تقدیم میکند و سه هزارو برقی لاد ترین وقت را نشان میدهد.

ترجمه و تخلیص از: جهیله کریم

ذخیره‌های میترو و دارا

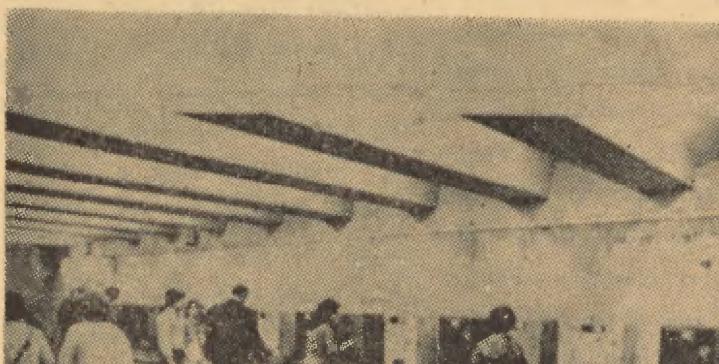
آهن زیر زمینی

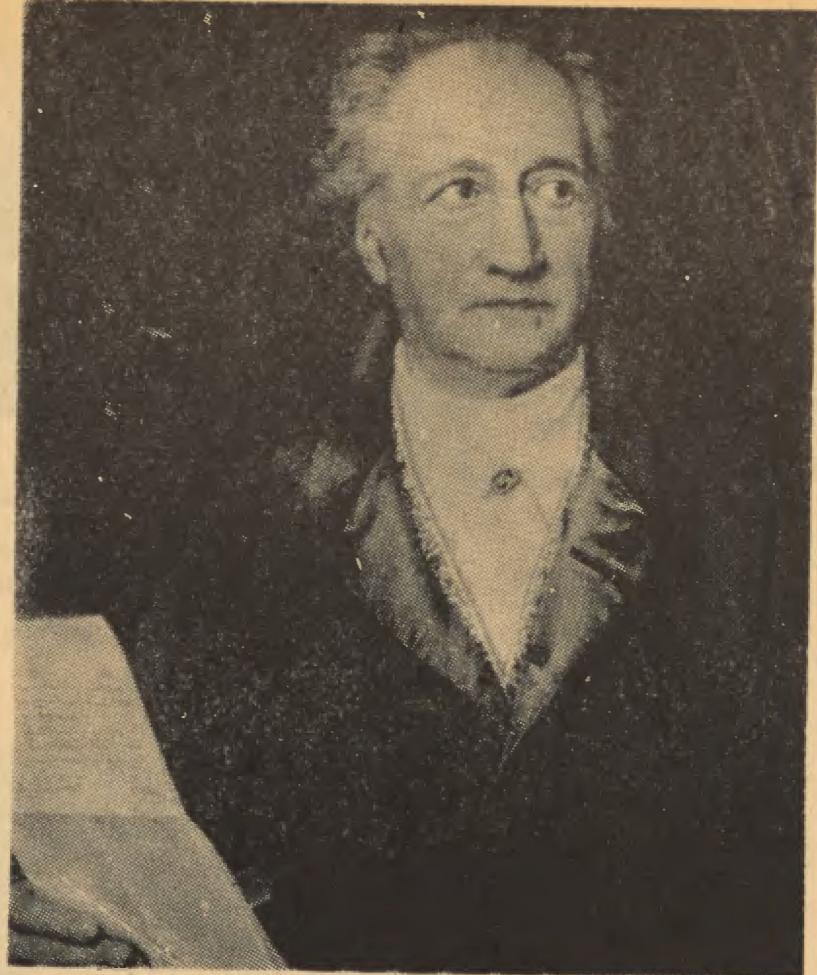


اولین راه آهن زیر زمینی مسکو پنجاه سال قبل از ۱۳۰۰ در منطقه سو کو ینسکی تو زل کشیده شد. این خط آهن ۲ کیلو متر امتداد داشت و دارای سیزده ایستگاه بود روز افتتاح آن تعداد مسافرین به سه صد هفتاد هزار نفر میرسید

این امر، آغاز گر ساختمان های بود که درست در دراز نای ساختمان در جنگ وجود آمد.

قابل تذکر است که اولین میترو (راه آهن زیر زمینی) تو سطراخان سوروی طرح شد و ساختمان گردید کذا وسایلی که در آن بکار رفت نیز ساخت اتحاد سوروی بود. این طرح انتخابی که در جهان بی نظیر بود. صحت خود را در عمل





تمثال گویته فیلسوف، شاعر، نویسنده و دانشمند شهیر بمناسبت یکصدو پنجاه‌مین سا

لروز مرگ:

حبيب الله فرهمند

یوهان و لفگانگ

فون گویته

بنایپارت وی را از زمرة مردان بزرگ و « به ؟ چگونه در روم خو ش
هنجا میکه از روز های یاد می دوکنور حسین او را از نوایخ عالم و ادب
کوه های بلند در شمال ، گیتی دانسته اند .

دور مرا فراگرفته بود و آس در زمان گویته ، تحولات عظیم و گسترشده
علمی ، اقتصادی و سیاسی در قاره اروپا ،
ظهور گرد . رنج و فقر مردم فرانسه ، قروض
مالی و خزینه خالی دولت ، مردم علیه
لویی « ا عراض می نمودند . پدر گویته ،
حقوق‌دان بود ، در جنگ‌های هفت ساله اروپا ،
یکی از افسران فرانسوی را در مژده راه
داد و در همان زمان بود که گویته به تمدن
و فرهنگ فرانسوی آشنایی پیدا گرد . گویته
هنوز هفده بیار زندگی را دیده بود ، او
سوی شهر لپزیک (شهر کنونی آلمان دمو-
کرانیک) نهاد و در آنجا به فرا گیری رشته
حقوق هفت گما شت ا ما بصورت طبیعی به
صنایع طریقه علا قمندی خاص داشت .
گویته برای بیرونی از سادگی در شعر و تهیه
قدمه اصالت در فکر جوانان آلمان ، هومه
و شکسپیر را سرمشق قرار داد .

یوهان و لفگانگ فون گویته در شهر دایمار
متکلف و ظایف پر مسؤولیت سیاسی و اداری
گردید ، چندی مشاور مخصوص سلطنتی و
زمانی به رتبه و زیری ر رسید . گویته
رومان‌تیزم آلمانی را اساس گذاشت در فلسفه
از روش کانت یا اصالت عقل بیرونی گرد
در ظایف و شیرین سخن از شعرای فرا نسه
بیرونی می گرد ا ما اشعار دور جوانی وی از
عمق خالی نیست و کار وی از شیوه‌استادان
خوش آمد گویی جداست .

آثار مهم گویته:

گویته در کلیه انواع شعر مدارج عالی را
پیموده است و آثارش در ادبیات اروپا
و تاریخ عمومی عصر جدید تأثیر شگرفی
دانسته است . همینکه در پانزونی واقع
لپزیک زندگی اختیار نمود او لین این-
شاعرانه خود را بنام « شب سرود بعمر
۲۳ سالگی که جهت ماموریت عازم شهر
تسلاش تادویه های دوران امپراتوری
دواده کتاب است که گویته د
دری بر داخته و همچنان
آنرا بسایر ملل مشرق ز
و غیره و نظریات خود را در
داده است و به خاطرات ج
نیز مار کوپولو ، موئی
تاورینه اشاره می کند .

دواده کتاب است که گویته د
اسماه دری و شرقی نامی
یکی از شاهکار د را
گویته « فاوست » است
در سال ۱۷۷۳ بر روی ک
این اثر را در سال ۱۸۲۱
می دانست و در سال ۱۸۲۲
زد و اصلاحاتی در آن وار
فاوست از یک افسانه مش

محافل فرهنگی جهان در مارچ ۱۹۸۲ یاد و بود یکصدو پنجاه‌مین سالروز مرگ
یوهان و لفگانگ فون گویته « فیلسوف ، شاعر ، نویسنده و دانشمند شیرازی با تدارکات
و سیاست و محافل علمی برگزار می نمایند . به همین مناسبت در جمهوری دموکرا تیک
آلمان محافل با عظمت علمی و هنری دا یرمی شود و در لبزیک نمایشگاه بخصوص ص
تعت عنوان « گویته در هر کتاب جهان » نمایش می یابد که در آن آثار گویته ،
محصولات جدید پیرامون این شخصیت بزرگ جهانی و استنادی که جا دان بودن نام این
شاعر را باز گویی نماید در معرض نمایش گذاشته می شود .

در کابل نیز این روز در پو هنرمند کا بل برگزار می شود . آنچه در این مقاله می -
خوانید ، در سه بخش ترتیب شده است ، برگزیده‌ای است از زندگینامه و شخصیت



بود و انقلاب و تحول بزرگ فکری ، تکان بزرگی در زمینه در اروپا پیار آورد و بنای کلیه عقاید و افکار کهن را واگذون ساخت در آن زمان شرق شناس اتریشی بنام «هرمز پور گستال» به دیوان حافظ را بر زبان آلمانی برگرداند و گویته از این طریق به فکر و عقیده حافظه به اشعار دلکش و پرمعنی انتخاب و تدوین کرده بود و پیش از این گویته شرق را از روی چند اترابی عربی که بزبان های آلمانی و فرانسوی ترجمه شده بود و «معلقات» از آن جمله بود، می داشت :

که در آن هنگام که دنیا پایان می یابد من در کنار تو و همراه تو باشم » در سال ۱۸۱۴ می گویید :

« از و قییکه این شخصیت عجیب و بزرگ در صحنه زندگانی من قد م گذاشت ، دارم دیوانه می شوم . اگر خود را سر کرم کاری نکنم و محصول ادبی پدید نیاورم ، مسلما طاقت تحمل این تحول بزرگ را نخواهم داشت . »

گویته در ۱۴ دسامبر ۱۸۱۴ برای نخستین بار نام «دیوان» را در دفتر یاد داشت خود آورده است «اکنون مشغول تهیه اتری هستم که می خواهم آنرا بصورت آینه دنیا (جام جم) در آورم و دیوان آلام نی نام بگذارم . » اندکی بعد در همین دفتر نوشته :

« آرزوی من آنست که با این اتر، غرب را باشرق و گذشته را باحال در هم آمیزم . » بدینصورت گویته مجموعه اشعار را بوجود آورد که آنرا « دیوان عربی و شرقی » نام نهاد و در سال ۱۸۱۹ ، انتشار یافت و در سال ۱۸۲۰ قطعات دیگری به آن افزود . و در چاپ ۱۸۳۶ پس از مرگ او انتشار یافت چند قطعه دیگر از روی نسخه های خطی ایکه پس از مرگ وی مانده بود . اصل « دیوان » شامل دوازده کتاب است که گویته آنها را به اساس دری و شرقی نامیده است بدینترتیب : مفند نامه ، حافظ نامه ، عشق نامه ، تکفیر نامه ، رنج نامه ، حکمت نامه ، تیمور نامه ، زلیخا نامه ، ساقی نامه ، مثل نامه ، خلد نامه . هر یک از این کتابها شامل قطعات مختلفی است که گویته آنها را به پیروی از از طرز



تاریخی پس از طی یک دوره بروز خرده روزی با وصفی فجیع و طرز مجنون جامی بود که ها رهان به زبان آلمانی ترجمه کرده بود . اندکی بعد هامر در سال ۱۸۰۹ قطعه شعر مفصلی بنام شیرین انتشار داد که آنرا از منابع گویا ناگون ادب دری در باره ما جرای عاشقانه شیرین و فرها د انتخاب و تدوین کرده بود و پیش از این گویته شرق را از روی چند اترابی عربی که بزبان های آلمانی و فرانسوی ترجمه شده بود و « معلقات » از آن جمله بود، می شناخت . جرا گویته به اشعار حافظ علاوه‌المندی داشت :

دیوان حافظ در دیف آثار منظوم نه فقط اثر هنر است بلکه اثر فلسفی نیز هست . دیوان حافظ گنجینه ایست از فکر و تضمیم فلسفی نکته بین و باریک اندیشه و تنوع استدلال . شیوه بذله آمیز حافظ شگرف است و از طبقه این اندیشه این اطلاع از داستان مارلو، اثرش تحریر می آورد .

ای گویته : بوسه با عشق زندگی کرده است تا آخر عاشق پیشه مانده دلها های را برده است ، شعر سروده امید در دیوان حافظ موج میزند . ایات پر از مزده و تسکین هاست و همین هاست که دیوانش را جالب ساخته است . همین افق و سیع حافظ است که وی را در دیده صاحب نظران جهان چنین گرانقدر ساخته است تا آنچه که یو هان دلفکانگ فون گویته شاعر نابغه ای آلمان در « دیوان شرقی » و غربی او را کسی شمرده است که « بی آنکه زاهد باشد مقدس است و در وصفوی این کلمات پر شود را نوشت . »

ای حافظ ! سخنان تو همچون ابدیت بزرگ است ، زیرا آنرا آغاز و انجام می نیست کلام تو چون گند آسمان تنها بگود وابسته است لاجرم میان نیمه ای عزلت با مطلع و مقطع آن فرقی نمی توان گذاشت چه همه ای آنها آیت جمال و کمال است . اگر روزی دنیا بسر آید ، ای حافظ آسمانی آرزو دارم که تنها باتو و در کنار تو باش همراه تو باده نوشم و چون تو عشق و روزم ، زیرا این افتخار زندگی و مایه ای حیات من شیوه است . پنجمین مفعوضه لی و ششمین آن « شارلوت نام داشت . بازدهمین و آخرین است . »



از سیاست زور گویانه
که در واقع نمایند گان و یا هم
حامیان حکومت اند خود را تحت
قتل و قتال در السلوادور
فشار اقتصادی احسا س مینما یند
زودتر پایان داده شده و
تلاش توقی یسندان بیشتر روی
تامین حقوق کرا تی
این محور می چرخد که دنباله روی
زمینه ایجاد گردد.

ترجمه (م، مرود)

شیوه های مفید طبابت

عنعنوی

از مکتب طبابت چینایی
یاد می کند که یاد اوری از
ز مینه ضروری می باشد.
کره بی زمین ساحه بسیار
عنعنوی امریکای وسطی
شمال امریکای جنو بی ا
سیستم طبابت سابقه عب
دارد که ریشه های آن حت
بنیانگذاری تمدن های ما

اکنون مساعی گستردگر جریان است
ناشیوه موثر استفاده ادویه عنعنوی در
کشور های مختلف جهان خصوصا
کشور های رو با اکتشاف بکار
گرفته شود. موقع مطالعه این
موضوع استفاده از ادویه محلی و
عنعنوی نیز در نظرمی باشد. مطالعه
این موضوع زمینه آنرا فراهم می سازد
تا از خدمات طبی توده های عظیم مردم
خصوصا در کشور های روبانکشاف

ترجمه: میر حسام الدین برومند

از هفت آفیم



گسترش فقر و تندگدستی

در السلوادور

امیر یالیز م ایالات متحده امریکا
و گروپ نظار میان فا شیستی آن که
خود را به حیث تامین کنند گان
امنیت در السلوادور جازده و بر
مرد ما ن بید فاع آن حکمر وای
دارند روز تا روز تلاش ها یشانرا
گسترش می بخشد که مقاومت
مسلمانها نه جبهه آزادیبخش ملی
(فارابوند و مارتی) را بشکند.
آنکه در راس این نظار میان فا
شیستی قرار دارد، منحیت یک آله
سیاستی زود گویان و اشنکن،
نابخر دانه و کور کورانه سترا -
تیئری ظلم و تعدی کار پر دازان
امریکایی وفا شیست های السلوادور
دور را تعقیب میدارد و پیوسته
سعی برآن دارد تا در السلوادور
بسیار دیکتا تورانه، سیاست ظلم
و استبداد را تحمیل بدارد. این
حالت از دیر زمانی است که در
السلوادور مسلط است. از اکتوبر
۱۹۸۱ تا جولای ۱۹۸۲ تروپهای
(یونتا) درسه گروپ علیه انقلاب
بیون ده مناطق تحت کنترل آنان
و عقب نگمده شته شده مستفید استیک ها، انکاس ها و غیره
اکنون طبابت بحیث خدمات عامه
گردند و طبابت عرضی در مطالعات وسیع در م

یکی از باغهای که در آن گیاههای طبی پرورش می شود. ا
های طبی در هانگ گیای ویتنام واقع است.

و عقب نگمده شته شده مستفید استیک ها، انکاس ها و غیره
اکنون طبابت بحیث خدمات عامه
گردند و طبابت عرضی در مطالعات وسیع در م



مطالعات علمی روی بته هاو گیاه های طبی در انتستیتوت طبی هانوی

استفاده از ادویه عنعنوی در ویتنام عبارت است از روش رفع اعتیاد به دوا است باید مذکور شد که در سال ۱۹۷۵ پس از اتحاد شمال و جنوب ویتنام، تعداد زیاد معتادین در بخش جنوب کشور وجود داشت. تنها در سیگون آنروز (شهر هو چی مین امروز) ۵....۵ نفر وجود داشت که اکثریت آنها به همراه یعنی معتاد بودند و این خواسته ای است. شفای بعضاً قسمت های وجود و بسا استفاده از گیاه های تسکین دهنده کار گرفته می شد. همچنان بیماران آمده آنسا خته می شدند، تا شرایط صحی خود را بهبود بخشنده. تأثیر این روش هشتاد فیصد نسبت روشی که تو سطمو سسات طبی در دیگر کشورها بکار می رود بیشتر بود. در نتیجه تجریبه دیده شد که این معتادان با ادامه این روش بهبود یافته و تمایل شان به مواد مخدره سه تا چار چند کا هش یافته است.

نتیجه این مطالعات نشان میدهد که راه برای ادامه و گسترش ادویه

سمپوزیم، کمیسیون همکاری چکو-سلوا کیا یو نسکو نیز مساعدت نمود درین سمپوزیم ۱۰۰ متخصص اشتراک داشتند و سیزده مقاله و نتیجه تحقیقات و مشاهدات علمی با ارتباط به طبیعت عنعنوی در کشور های زمیا، افغانستان، مصر، نایجریا و امریکای وسطی درین جلسه قرائت شد. همچنان درباره شیوه تداوی عنعنوی که همین اکنون در ویتنام، یمن، مغلستان و حوزه بحر الکا هل رایج است، معلومات وسیع داده شد. شما ملان سمپوزیم در مورد امکانات استفاده عملی از یافته های نو در چمله ادویه عنعنوی بحث کردند و به راپور مفصل در مورد نتایج تحلیل اولی گیاه های که بحیث منبع دوا در آسیای مرکزی بکار می رود، گوش دادند و همچنان در جریان این سمپوزیم عکس ها و نمونه های از ادویه محلی و باستانی در معرض نمایش گذاشته شد.

این گرد هم آیی علمی، مورد

تو جه خاص مطبوعات قرار گرفت

و زور نایستان هم در جریان مباحثات

زهرا این کنفرانس نه تنها در

چکو سلوا کیا بلکه در تمام کشور

های کو میکان در نوع خود اولین

کنفرانس بود و قرار شد تا این

سمپوزیم با تدویر اجتماعات دیگر

علمی دنبال شود.

یکی از بخش های بسیار دلچسپ

تحقیق در سمپوزیم اولی عمارت بود

مغایر مکتب تداوی عنعنوی توک بالک

یا بخش شمال ادویه عنعنوی ویتنام

است که تو سط چوکان از معاصرین

تو نین تو ضمیح و ترویج یافته است

این نوع شیوه تداوی عنعنوی از طب

عنعنوی چنین انشقاق یافته و مربوط

دوره سه لاله هان (۲۰۶) قبل از میلاد

تا ۲۰ بعد از میلاد) است اتکا دارد

بر تعلیمات بود یزم، تاویزم، کانفیو-

چیز در آن وخت ادویه که از

حیوانات منشاء میگر فت زیاد

استعمال می شد که اکثر از آنها را

چیز عنعنوی نمیتواند

بسیار چیز های

وجود دارد که مضر

ک گفته شود. این واضح

لیت بشری جنبه های

وجود دارد که ایجاد

لیل مفیده دوام نموده و

متضمن اثرات منفی

رد.

سمپوزیم برای بحث در

نمود ما مراحل شفابخش و محلی را مورد مطالعه نمود

لاده از ادویه عنعنوی

و در جریان مطالعه دوا

ادویه مفید معاصر

مورد استفاده قرار

همین قسم مطالعات

و اثرات دوا های

و یعنی را اکنون در

جتماعی گشوده است.

ین ز مینه، معلومات

ورود مراحل عقیدوی

نمی دیا سا حیات

حق را در باره یی مثلا

های مفکوره و تصورات

جادو امثال آن بدست

میرود.

زهرا این کنفرانس نه تنها در

میکان در نوع خود اولین

کنفرانس بود و قرار شد تا این

سمپوزیم با تدویر اجتماعات دیگر

علمی دنبال شود.

از مواد حیوانی تهیه

از دوا فروشی های شهر

رضه لی اشوده.

چیز عنعنوی نمیتواند

بسیار چیز های

وجود دارد که مضر

ک گفته شود. این واضح

لیت بشری جنبه های

وجود دارد که ایجاد

لیل مفیده دوام نموده و

متضمن اثرات منفی

رد.

سمپوزیم برای بحث در

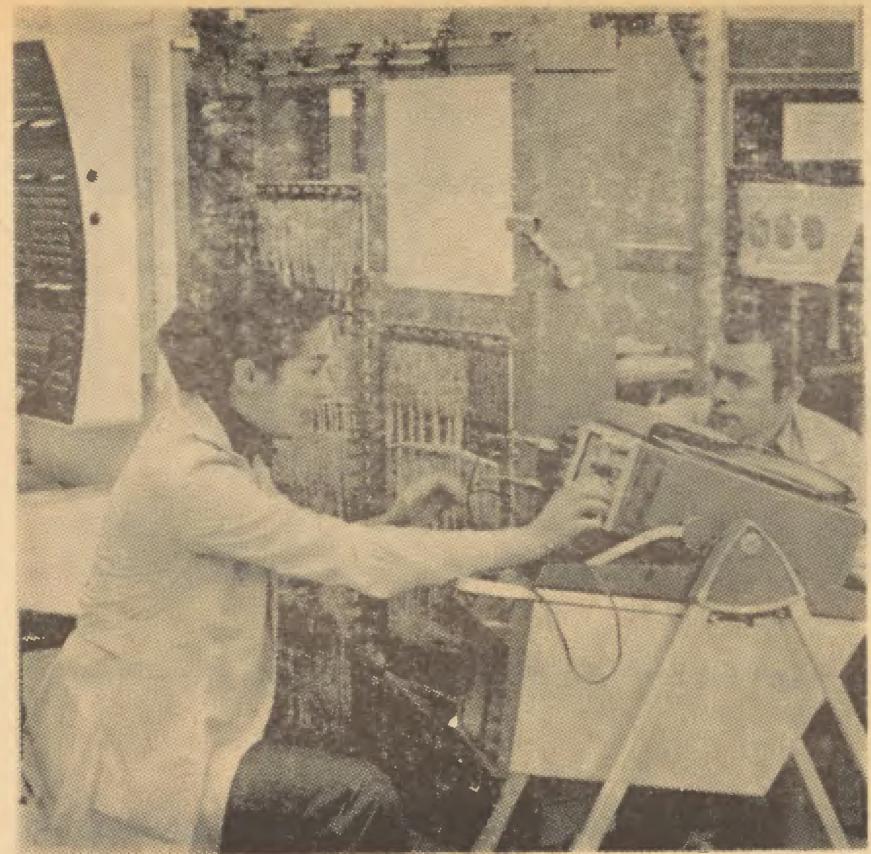
د علمي تکنالو جيکي اف
پروسه يا عمليه کي د ځوانانو
په برخه کي خه ويالي ش
زياتيدونکي ټولنيز رشد او پو خوالی
دی .

دوي نظر يې وړاندی ش
هم دوھو کړه شتې
وویل شی چې د دغه اغیزې
دهفه هویت او خرنګ
په ټولنيز و شرایط او
اپه لري . بورزواني
له پاره دوګو او بر ګ
او روزنې سویی ته په
دی . او س بورزواني
ړوھان د علم یا پو هو
خټر) پېژند لو پورې
موبوط نه ګئي ځکه دوګ
لرل چې په عیني او وا
ټولنيز شعور سو یه
علمی تکنا لو جيکي ا
بریالیتو بو نو یوه مه
یو ځانګړی پانګوالي یو
نه غواړي، بورزواني
دتنګ نظر انه ګټه په
سره ددی له پاره چې خو
ستونزو او کړ کیچو
و ګرځوي، ټولی بد مر
علمی او تکنا لو جيکي
نسبت ور کوي . او
او سنی عصر د ځوانان
تعادل نست والي او
خاموالي منځ ته راوړي
او په دی ډول د
څیلې طبق د ځانګړو
دې لاس راوړو ټوله پاره
کوي . او د همده ځ
بورزواني ټولنه کي ا
نسل) یو تريخ عبارت
حال کي یوه معموله اص
تر یو سو سیا لیس
سیستم لاندی د فرد
هیش یوه داسی ماضی
شته چې د علمی تکنا ا
به وسیله تشدید او
شوروي سیستم په د
ګیو هد فو نو، اید
سیاسی یو والي له
ټولنیز ریښی لري
دکمو نسیم یا لورې
جوړول پړا خې پو هم
او د لورې سطحی ګل

د هغه درول یوه منطقی پېژنده
هم د هغه کسانو په سن کي دېیت
والی راټل دی چې د دولتني صلا
حیت یاواک لوړو او ګانونو ته
انتخاب ګېږي . یعنی د شوروی اتحاد
د سو سیا لیستی جمهور یتو نو
عالی شورا ته دغه سن د ۲۳ ګلونو
څخه ۲۱ ګلونو ته او د اتحاد
جمهور یتو نو عالی شورا ګانو ته په
ټر تیپ سره ۲۱ د څخه تر اتلس ګلنی
بوری را ټیټ شوی دی .
له عمومی تو ګه په علمی تکنا
لو جيکي انقلاب کي د ځوانانو د
برخی اخیستو شکلونه په لاندی ډول
دی :

لو مړی، په متداوم ډول سره په
کې ندی تو ګه د پرا خیدو نکو
معلو ماتو او اطلاعاتو راټول، او د
څیل قابليت او لیاقت اصلاح کول،
دوهم، په پرا خه تو ګه د هغه
وسایل او اسپابو تطبیق او په کار
وړل، چې د علمی تکنا لو جيکي
انقلاب په وسیله منځ ته راغلی دی،
دریم، د ځوانانو دابتکاري، علمی او
تخنیکي کارونو د سو یې پرمخ بیول
او په پای کې د هغه ټولو ابزارو،
آلاتو او وسایل په اغیز من ډول سره
په کار اچول، چې د علمی تکنا لو
جيکي انقلاب په ترڅ کي منځ ته
راغلی دی .

په او سنی وخت کي د پر ګنو
ټولیدی علمی، تو ټیما اتی اندازی
دکار پر معیاري عملیو او بستی دی.
آیا دغه ځیز د ځوانانو پر برخه اکي
دهغوي دپر یکړي ګو لو په هکله د
څیلواک او آزاد فعالیت، نو بمت
او دابتکاري روش انه نیسی؟
کمو نیستی ګوند پر ځوانانو
باندی دکار په ټیما برخو کي اعتماد
او باور کړي او کوي یې د مثال په
ډول د بایکال، آمور د رپل بروژه،
دکسمول د کار خایونه او د کار
داسی نوری بنه د ځوانانو د انرژۍ
په دابتکاري تو ګه دپه کار لویونزمینه
برابری او هغوي ته اجازه ورکوي
چه ځانګړ، تیمو نه جور کړي او په
دی دی کبله «سمینا» د شوروی



د یوی پر منځ تللى هترقی یو غوره خصو صیت په ټولنیز، سیا سی
ژوندانه او تولیدی چاروکی د ځوانانو په فعالانه ټوګه سره برخه اخستل
دی .

د په هنیار محمد هاشم بشريار ټباړه .

ځوانان او علمي تکنالو جيکي انقلاب

ن ورخ مور د ساینس او تکنا
لو جيکي انقلاب د طوفانی او ګرندی
بر مختګ اغیزی د انسانی او بشري
ژوندانه پر ټولو اړخونو او همدا
بوا هی په لاس را پول او را غونه هول
ددغه انقلاب یوه خرګنده نښه نینانه
کورو .

د علمی تکنا لو جيکي انقلاب په
دوزان کې، شوروی ځوانان د ټولنی
یوه چېره لوړه روزل شوی برخه
جوړو . د شوروی اتحاد په سو
سیا لیستی جمهور یتو نو کې په هر و
دریو تنو ځوانانو کې . یوتن د شل
او نه ویشنې کلنه ته منځ په له ده
کمېت دله مری منشم، څخه وغونه شتله

هو نو ری دا و میرا کترأ بحیث وقت و همچنان تضاد های اجتماعی نما یند ه واقعی انعکاس دهنده نشان مید هد که این میتوان چهره هنر بحیث سلاح در نبرد عدا لات تمام نمای خصوصیات اجتماعی یاد می شود . این چهره ئبر اجتماعی یاد می شود . این چهره ئبر از ند ه هنری ، تبارز دهنده وا زندگی میگرد .

تعیت رو شن و نقاد بر از نده دید و مفکو ره دا و میر در ۱ زوا یا مختلف اجتماعی از طریق زمان در واقع تعهد و گرا یش هنر میباشد. جو زی ما رتی از هنر دوستان کیو با چندین بار ازین هنر مند سر شنا س و او را بحیث یک چهره رو شنگرداد بین نیروهای پیشا هنگ قرن ۹ نبارز داده بود. وقتی ساطور سانسو هو گارت بحیث ایجاد گنند و روشن (شکل دادن یک انگیزه از طریق مبالغه پیش از حد آن) یاد میگردند. این هنر مند از نگاه عرض وجود کند، او بحیث نقاد سلوک میگردند. این هنر مند از نگاه تبارز کرد. کار تونهای او



تابلوی پرو سیا اسا مبله‌هملی را به مرد م فرانسه معرفی کنند

تا ریخی بحیث (نقاش کا میون تمثیل کنندہ انحرافات بود پا ریس) شہرت یا فته است . این همه زوا یا هنر داو میر اخیر آبا دا ییر ساختن نما یشگا - هی از آثار او در مو زیم ملی هنر ها ی زیبا در ها و نا در دید هنر ها نہ کنندگ مددم و بداد ها هنر ها نہ کنندگ مددم و بداد ها



نمای از هو لوزی داومير

داو میر :

قاشیکه باحساس مردم



از شیوه های زندگان

گیاه در مان کنن طبی بجای چ

در بلغا ریا استعمال گیا
طبی عمو میت دارد و به ار
همین مو ضوع و درین اوا
یک کو پرا تیف زرا عتی ابتدا
در زمینه نموده است و آن
ازین است که گیا ها ن ط
عوض چای در جعبه های
مخصوص جای داده شده و
طبی این گیا ها ن و اینکه
موا رد از آن استفاده شده
تواند با لای جعبه (خریط
مند کور نو شته شده و
دکان های با زار در معراض
گذاشته شده است . در ج
این گیا ها ن طبی ، مسهل
شکم درد ، دوا نی التها ب
گا ستریت و سرفه ، ته

عصبی ، ریزش و زکا م
و جود دا رد هنکا میکه کس
ادویه طبیعی ضرورت پیدا
کند آنرا از با زار خریدار
و ما نند چای در آب جو
انداخته و استعمال می کر
این گیا ها ن طبی که
با استعمال عام دارد یک کسیه (خریطه) ازین ا

وبهره بر دا ری از تنبایکو یک
تجارت پر مایه است .
اینکه دود کرد ن تنبایکو چه
وقت آغاز شد و کشیدن پیپ
وسگرت و سیگار چه زمانی را یج
گردید سوال جابی نیست
سوال عده اینست که چرا امروز
علی الرغم اخطار های متعدد
دو کتو ران طب و متخصصان، مبنی
براینکه سکرت دشمن خطر ناک
صحت و سلامت انسانها است،
مليون نهان انسان در سرتاسر
جهان به دود کردن سکرت
مشغول بوده و کشیدن سگرت
یک امر عادی و سنتی برای انسانها
گردیده و فا بریکات بزرگ
در سرتاسر جهان به تو لید
این دشمن سلامت انسان، شغول
اند و سگرت یکی از اقلام مهم
تجاری را در جهان ما تشکیل
داده است؟ شکنی موضوع هم
در همینجا است !!!

بزرگترین آبشار جهان

پر قدرتی از بلندی سه هزار متر
به زر فای او قیا نو س اطلس می
ریزد ، حجم مجموع این جریان
یکصدو پنجاه هزار کیلو مترمکعب
میباشد و طول آن از همه دریا
استیتو ت تحقیقات ((قطب شمال
و جنوب)) لینینگراد کشف کرده

د کردن تنبایکو چه وقت آغاز شد؟

تبایکو را از امریکا آورد بود و
بتدریج آنرا دود می کرد نا گهان
بوسیله همسر شما فلکیگر
شد و همسر او که می دید ازدهان
و بینی او دود بیرون می آید به
تصور اینکه شیطان به جسم او نفوذ
گرده و آتش بر افراد خته است
برای راندن شیطان از بدن همسر
ش آنقدر او را با چوب زد که مرد
مجروح و بی حال افتاد وو قتنی
پس از چند روز توانست لب به
سخن بگشاید به همسر ش که هنوز
نگران و رور مجدد شیطان به جسم
او بود آصل ما جرا را تعریف
کرد .
امروزه کارخانه های بزرگ
سیگار سازی در سراسر جهان
برای معتادان سیگار ، پیپ و انواع
سیگار برگ می سازند و گشت
ستان برگ تنبایکو ری خشک
بیده و در پیپ های بلند دود
داند و این یک سرگرمی
با عادات سنتی و قبیله یی
میخته بود . مگر هیچکس نمی
که آنها از چه زمانی به دود
سگرت پرداختند و یا کشت
را چگونه آموختند و لی
ز کشف کرست کلمب
پوستانی که به این قاره
به تدریج با این گیاه و طرز
مال آن آشنا شدند و آنرا به
اودیگر نقا ط جهان بر دند
د کنند گان او لیه تنبایکو

ترکیب مصنوعی خون

نسخه مرض عشق

| | |
|--------------|--|
| ۲ دانه | ۱- عناب لب های نازک |
| ۲ دانه | ۲- سیب رخسار |
| ۲ دانه | ۳- نر گسی چشم |
| ۲ دانه | ۴- انار سینه |
| ۱۳۳ دانه | ۵- مروارید دندان |
| ۱ دانه | ۶- خال سبز پیشا نی |
| ۱ دانه | ۷- با درنگ زنخ |
| ۱ دانه | ۸- صراحی گردن |
| ۱۰ دانه | ۹- انگشت های قلم مانند |
| ۲ دانه | ۱۰- مو های سیاه سنبلي |
| ۲ متقابل | ۱۱- شربت دهن خوردن قلبي |
| ۳۲ سانتی | ۱۲- عرض سینه |
| ۲ سانتی | ۱۳- بلند بینی |
| ۲۸ سانتی | ۱۴- کمر بار یک |
| ۵۰ متر | ۱۵- قدرسا |
| ۵۰ کیلو گرام | ۱۶- ثقلت وزن وجود |
| ۱۷ | ۱۷- نمک حیا باندازه که شوری و دوری پیدا نکند. |
| ۱۸ | ۱۸- کمان ابرو باندازه که عاشق جکر خون و دل پاره را خوش و ممنون سازد. |

این همه را با اونگ صبر کو بیدار از صافی البت و محبت کشیده و غایی عشق مخلوط نموده، در حائیکه از طرف طبیب یو نانی و دا کت دانا تشخیص مرض شده باشد، که واقعاً مریض بیچاره به مرض عشوایی مبتلا و گرفتار است، هر صبح باندازه دو، دو قاشق ما سست خوره به مریض داده شود اما داکتر معالج پر هیرا زبغض و عداوت کینه و حسکه کدیورت و شکایت را دستور داده لازم است که جدا خود داری شود، هر گاه بدلستور فوق داکتر عمل شود امید است بزود ترین فرصت صحت یار گردد زیرا نسخه مذکور تجری به شد است.

بنایسته میر (محسن) ننگرهان

کاغذ چه وقت اختراع شد؟

پا نزد سال قبل با خون را اجرا تماشید. با کشف این یکی هیچ تصور نمی رفت اما خونی، زهری شد نخون در باشد ترکیب و غیره ازین ترکیب استفاده صورت می گیرد اکنون مخلوط فلور و کار بو رها در گلیتیک مورد تجربه و استفاده بیشتر قرار گرفته است در پنجمین گرد هم آیی ((سیمپوزیم)) بین املیه های مختلف خون نرا اجرا نماید. بد بر آن بودند که خون مدد، متتوع و بغرنجی انتقال آکسیجین، مغلق و پیچیده انتقال تنظیم آن و با اخیره قابل امراض مختلفه مایه و کار خیلی دشواری دکه ماده بی با ترکیب برای تعویض آن بوجود نمیان فیزیولوژی، و کیمیا تو جهی به این اوری ها نموده و به خود برای فتن ترکیب بوده و همه عملیه های خون را ایفا نموده بتواند در جریان است. اینکو نه رقا بت های سال در زمینه یا فتن میتوه های جدید تداوی اقدامات بشر دوست نهاده و نوینی محسوب میگردد.

دل سخت تراز سندک

پرسید: وايد قصه ذيل را نوشته
اگر حالا گفتی کدام جسم من مصنوعی است؟
آن دوست زود جواب داد:
چشم راست.
تو میدا نستی چشم را سست من مصنوعی است. اگر کسی نداند نمیتواند بفهمد. برای امتحان حال یشمن آمد و گفت:
آن دوست زود جواب داد:
از کسیکه مرا نمیشنند سد می پرسیم.
گدایی کنار کوچه ایستاده بود، باورزد یک شدیدم. دوست من یک گفتی کدام چشم من

الملئی و مبارزه استوار ها بر خود
توطنه امیر بالستی در برابر مرد
و در برابر سایر خلقهای جهان داد
صنفی سیاسی و اقتصادی زنان
دهقان و کارگر و تلاش فراوان
مبارزه با بیسادی همه سنت ها
و افتخار آمیز سازمان را درین
مید خد .

سازمان دموکراتیک زنان
با وجود مشکلات گوناگون لحظه ای
اصولی و بر حق خود انحراف ترا
های خود را هرچه کترده تر
میان موسسات زنان و طبقات
زنان بخصوص کارگران دهقانان
بسط و توسعه بخشید و مسیر
تصور اصولی تعقیب کرد .

سازمان ما از یکطرف مبارزه
را جزء لاینک از مبارزات آزاد
خلق ما ارزیابی کرد و عقب مانند
تسلط نظامهای وابسته به فیض
امپریالیزم را عمدۀ ترین مانع داد
های تمام زحمتکشان کشود شد
دیگر از بر خورد مسوولانه در
بغضوبن زنان زحمتکش کشید
و در میان این قشر عظیم از طریق
بلا فاصله و عاجل واز مبارزه داد
این مطالبات هیچگونه دریغ نه
طرح های سازمان برای بر

حقوق و آزادی های سیاسی زنان
دستمزد زنان با مردان ممنوعیت
زنان وایجاد تجهیزات لازم برای
وکوک در میان زنان کشور ما
و پشتیبانی قرار گرفت و زمینه
و تشکیل آگاه ترین افشار زنان
وطن ماسا عاد گردید .

اگر بخواهیم مثلی زنده از
وجانبازی زنان ذکر کنیم بدین
دشوار بیگر و هشیارانه زنان
دوران سیاه تسلط باند حفیظ
این صفات را دارا است زنان
و در پیشایش آنان سازمان
کارگران زنان افغانستان باستفاده
و شرایط متنوع مخفی ، علني و
آنها حمامه های فراموش ناشی
آفریدند . آنان هه در زندان

برون از زنان لحظه ای میدان



نیرومند و پر افتخار باد سازمان دموکراتیک زنان افغانستان این سازمان ده صدیق همه زنان کشود .

نگاهی مختصر به تاریخچه سازمان دموکراتیک زنان

کشور ما عم رسید قابل ملاحظه ای نمود و
هموطنان ما در مسیر موج بسیج نیرو های
مترقی و انتلابی کشور فرار گرفتند .
این پرسه رسید شرایط عینی تسلیم نیرو
های متفرق در سال (۱۳۴۴) منجر به ایجاد
سازمان دموکراتیک زنان افغانستان گردید و به
این ترتیب برای اولین بار در تاریخ نهضت
رهانی بخش زنان افغانستان فرستی برای
طرح حقوق و مطالبات دموکراتیک زنان کشور
و گسترش و تعمیق مبارزات شان فراهم آمد .
سازمان دموکراتیک زنان افغانستان این
سازمان مسؤول پیش رو رزمنده در شرایطی
علمبدار مبارزات دموکراتیک زنان کشود
گردید که رسوم و عادات بوسیله و کهنه
نیرو های محافظه کار فیو دالی و قبا یالی و
سلطنت مطلقه افغانستان عرصه را برای
شرکت زنان در مبارزات تنگ و تنگ تر
می ساختند .
سازمان دموکراتیک زنان افغانستان باتمام
این دشمنان مکار و جیله گرینجه نرم گردید ،
نه بند افغانستان را در جهت مبارزات
برداخت و بس .

زنان کوچی کشور ما از ابتدائی ترین
و ایجاد شرایط عینی لازم هیات حاکمه سیاسی
و ادارات تقدیم می شوند و در هر گام
سابل ، زندگی انسانی محدود نمی شوند و در هر گام

شد به انجام رسیدن مرحله
کراتیک را درکشود ما
ترین و قاطع ترین راه برای
ظالبات صنفی و سیاسی زنان
رد و در طول حیات پر افتخار
مبارزات مشترک با تمام نیرو
کراتیک در راه پیروزی این
فرو گذاشت تکرده سازمان
ن افغانستان انقلاب شکوهمند
امسایی ترین قدم در راه
های خلق ما واژ آنجلمله زنان
ن ما استقبال نمود و بر ضد
درین راه علیه تمام توطئه
ن و نمایندگان امپریا لیزم در
امین اعمال سیا در گشومرا
ان پر داخت .

هر حله حساس تاریخ گشومرا
به زنان بلا کشیده افغانستان
یگانه راه خوشبخت و سعادت
ن های والا اقلاب ژوراست

لاب تور مجمله دشمنان
ادی های دمو کراتیک زنان
سازمان دموکراتیک زنان
ر دیگر با پشتیبانی قاطع
مردم مابه دفاع از اندیشه
منافع و مطالبات زنان وطن
کنونی تمام تلاش خودرا برای
ن برضد این جانیان آدمکشان
ن و مردان آزاده وطن ما انجام
سازمان دمو کراتیک زنان
ان میکند که بر آورده شدن
رگترین مطالبات مردم ما فقط

شد و تکامل انقلاب نور و به
مرحله انقلاب ملی و دموکراتیک
ت وسی سازمان دموکراتیک
ن در سطح بین المللی مبارزاتش
بیلیزم و جنگ همچنان ادامه
یده !

وزن را گرامی بداریم

زنان گشومرا در دراز نای پر افزایش و
گذر ، عاشق پیشه ووفا دار ، مادرگیخسرو
فرود ز مانه ها ، همدوش با مردان ، بالغش
گامهای استوار و ماندگار در دل تاریخ ره
سیرده اند . در دوران شگفتیهای تاریخ
همه از شایستگی انسانی ووالایی مقام
برخوردار بوده اند به دنبال آن د ر
های سترگی از خود به یاد گار نهاده اند .
خراسان رابعه بلخی و مهستی گنجوی
رزمجوابان مرد افگن ، مادران پر عطوفت
وهمه زنان خیراندیش در امور اجتماعی ، همه
تارهای ظریفترین ترین روح انسان یعنی شعر
وهمه و یزه گی اهمیت زن را در آن آوان
را به نوا در آورده اند و هستی خویش را
به ایات وسانده است . کتایون ، مادر
در آن راه و قف کرده اند . رابعه نه تسبی
اسفندیار رویین تن از زمرة زنان آگاه

بردازند به رژیمهای مر تعج و ظالمانه عرب
به امید آنکه هشتم مادران و خواهان آینده در
ما برای دفاع از صلح بر ضد محافل جنگ
دامن دست آورد های قاطع و پر ارزش در
طلب امپریالیستی به مبارزه شدید برخواهند
دامن صلح و همبستگی تمام خلقها و در
خاست .

سازمان دموکراتیک زنان افغانستان
دامن امنیت خاک وطن خود بر گزارگنیم .
بردازند .

جبهه نیروهای صلح ، ترقی و رفاه همچنان بیشقدم و پیشانگ مبارزات زنان
بردازند .

زنان حماسه سازماحتی در دوره اختناق خاندان نادری بدون قرس و هراس فهرمانانه میرزیدند و میشک های باشکوهی راسازمان
میدادند .



هشتم مارچ روز بین المللی زنان

مناسبت پرافتخار دا برای نخست
عننه مبارزه زنان افغانستان شام
و بطور کلی بخاطر ببود و
تجلیل بعمل آورد . سازمان
زنان افغانستان از بد و تاسیس
رهبری حزب دمو کراتیک خلق ا
مبارزه خویش را در دو جهت س
از یکسو مبارزه بخاطر تامین آزا
و اقتصادی زنان و برابری حقوق
سوی دیگر سهمگیری فعال در ج
بغش ملي کشور . زنان باشهم
که از بسو پیروزی انقلاب تاکن
تحقیق آر مانهای انقلاب تور فعا
اند روز هشت مارچ را تحت این
زنان افغانستان از انقلاب وطن
فعالنه دفاع می نمایند تجلیل می
مبارزات خویش ادامه مید هند .

انقلاب فضای نوینی را بخاطر
مادران و کودکان در کشور ایجاد
زنان افغانستان نیز از دست آور
تور فعالنه و بصورت انقلابی د
درین راه افتخار رات شهید شدن
کرده اند . بایپروری انقلاب تور
مرحله نوین تکاملی آن در کش
مبارزات انقلابی زنان در استناد
دولت انعکاس یافت تساوی ز
اعلام و اقدا مات عملی نیز دری
شد . در توکیب کویتی ملی جب
پدروطن جمهوری دمو کراتیک
تن زن عضویت یافتند . سازمان
زنان افغانستان بمنابه پیش آ
کشور کار سیاسی تنویری و
مبارزه با پیسوادی را به پیمانه
میدهد که این کار ها وسایر
در مجموع به معنی دفاع فعالنه
های انقلاب تور است .

مبتنی بر همین واقعیت ها
باشهمت و مبارز افغانستان خ
تحقیق خواسته های جنبش جهان
می دانند و این افتخار را کمای
در آرمان بزرگ بشریت یعنی
صلح و علیه چنگ سهم فعال
زنان مبارز افغانستان تازمانی
خستگی ناپذیر خویش ادامه مید

فدراسیون دمو کراتیک بین المللی زنان
متشکل گردیده اند در قسمت زیادی از
کره زمین زنان به حقوق اساسی خویش دست
یافته دو شادو ش مردان و برای ایجاد جامعه
نوین می رزمند .

در برخی دیگر از کشور های جهان زنان
برای حقوق اساسی خویش و برای دمو -
کراسی مبارزه می نمایند اشتراک وسیع زنان
در جنبش عمومی جهانی بخاطر ترقی اجتماعی صلح
و دمو کراسی یکی از شخصات عمده معاصر این
جنبش را تشکیل داده نوید گویایی بر -
پیروزی های بزرگ آینده آن می باشد .

هشتم مارچ را در کشور انقلابی و پسر
افتخار خویش در شرایطی تجلیل می نماییم
که مادران قهر مان و خواهان مبارز باشهمت
ما بادیدن سلکر های دفاع از انقلاب که از
خون فرزندان ، برادران و د فقای ا یشان
رنگین است عليه امپریالیزم چنگ طلب
ارتجاع استبداد و هر نوع حق تلفی با د لیری
و سهمت مبارزه می نمایند و از هشتم مارچ
بمنابه رسم مترقبی همبستگی اتر نا سیو -

نالیستی زنان بمنظور تجدید تعهدات خویش
در دفاع از دست آورده های انقلاب تور
تجلیل بعمل می آورند .

در روز هشت مارچ که ۷۲ سال قبل بعیث
روز همبستگی بین المللی زنان در د و می
کنفرانس زنان مترقبی در گوینها گن به پیشنهاد
کلاراز تکین تعیین گردید زنان ترقی خواه
سر تاسر جهان بخاطر حقوق برابر ا جتمانی
پیشرفت صلح استقلال ملي و دمو کراسی
نتایج مبارزات خویش را جمعبندی نمودند .

در عصر ما که زندگی انسانی در کسره
زمین به علت نیات کثیف دشمنان بشریت
و چنگ طلبان به خطر رو بروست زنان یعنی

بزرگ زنان روسیه به تاریخ ۸ مارچ ۱۹۱۳
با فریاد نابود باد چنگ می توان تام برد .

روز هشتم مارچ « بانام زن مشهور مبارز
سرسخت و انسان تشنن آزادی بشریت پیوند
ناگستنی دارد . » این زن کلاراز تکین یکی
از برجسته ترین رهبران جنبش کارگری آلمان

است وی معتقد بود که بدون فعالیت زنان
که نیمی از بشریت را تشکیل میدهندندی -

توان جامعه خوشبخت را به وجود آورد .
وی که پیش از چهار سال از بهترین روز
های زندگی اش را به مبارزه در راه ایجاد
جنبش بین المللی زنان به خاطر ترقی اجتماعی

و صلح و قف نموده بود روز هشتم مارچ را
به منابه روز بین المللی زن پیشنهاد کرد .

ولی نه فقط برای آنکه این روز دارای مراسم
خاصی بوده واحیاناً چشنه گرفته شود و
هدایایی رد و بدل گردد بلکه وی پیشنهاد
نمود که درین روز زنان در سراسر جهان

متعددانه بنشینند و بسجند که چه گرده اند
چه موفقیت هایی را در مبارزات خود بست
آورده اند و مبارزات آینده شان را به اساس
کدام معیار ها و نیاز ها و خواستها باید
انجام دهند .

از آن زمان تاکنون که ۷۲ سال می گذرد
جنبش دمو کراتیک زنان ابعاد گسترده یی
گرفته و بیک جنبش وسیع بین المللی مبدل

گشته است . سازمان های مترقبی و دمو کراتیک
زنان در اکثر کشور ها ایجاد گردیده و در
سطح جهانی این سازمان ها در چوکات

روز هشتم مارچ مطابق به ۱۷ حوت روز
ستگی بین المللی زنان جهان با برافراشتن
ش پیکار و اتحاد بخاطر دمو کراسی و
بری حقوق ، ترقی اجتماعی و استقلال ملي
ج و دوستی و سعادت کودکان در سراسر
ی تجلیل میگردد .

برای اوکین بار به تاریخ ۸ مارچ ۱۸۵۷
شهر نیویارک هزاران زن کارگر بخاطر
سب حقوق مساوی با مردان و بر علیه شرایط
کار و زندگی به راه پیمایی پرداختند
نیکه آنان به مرکز شهر رسیدند به عکس -

عمل شدید و غیر انسانی پولیس مواجه
دیده و راه پیمایی مسالمت آمیز شان
صورت وحشیانه سرکوب گردیده وعده
اسیر شدند ولی د رائی کار و پیکار زنان
و گر مبارز نساجی شهر نیو یارک موفق
ایجاد اتحادیه زنان شده و بعداً به اتحادیه
ی کار گری پیوستند .

آن تاریخ به بعد جهانیان شاهد مبارزات پرشور
ان در امریکا کشور های اروپایی و سایر
شور ها بوده اند . که از جمله پر جسته -

ین نمونه های آن می توان از بیانیه
متوارث میل در مجلس عوام انگلستان به
طر حق دای دهی برای زنان از اشتراک
جماعانه ده هزار زن قهر مان در حمام
بون پاریس از تظاهرات پرشکوه در شهر
ریس بر علیه دستگیری روز اول زا مبورگ
بن زن مبارز و شجاع آلمانی از راه پیمایی

در مورد زن

- پاکی و عاطفه زن ، دوستی مرد را جلب می کند نه زیبایی او .

(شکسپیر)

قال ، نه ه گنام ه داده تواند دخشد بخز وک گنام و آن علاقه داشت . هنوز

موجے قازندگی

فلسطينی

ادی یک دختر مبارز و فلسطینی است . وی ر زندان صیمیو نیز معت شرایط بسیار سخت برجی نموده است . روز بشرح زیر قصه میکند ن علاوه از اینکه خالی از چهره کشیف و ضد

هیو نیزم د ۱ کهار
خ امیر یالیزم جنایتکار
وردار است بخوبی آشکار
شب ۲۸ فبروری سال
از خواب بیدار گردیدم
پدرم دروازه را باز کرد
سرا نیل رو برو گردیدم
ا به جستجو در خانه ما
آنها دست و پا و چشمان
خوا هرم را بسته نمو ده
ما را بزندهان ماسکو بایا
سلم میباشد انتقال
۲۴ ساعت دو باره به هوش آمدم.
۱۶۷

ر باره دیگران معلومات
ون من از اظهار معلومات
ابا ورزیدم بار دیگر
ب شروع کردند پولیس
و خواه هر مرا
آورده و متذکر گردید
در باره جزئیات عملیات
وود و اشخاصیکه درین
من سهیم بودند و نام
را که من بان در ارتباط
بدارم در غیر آن بلطف
ام ادامه داده و خانه مرا
خواهند نمود . ولی من
گز نه معلوم است که یعنی
تحاوز معلوم است که یعنی
هنند بهره بر داری سیاسی نموده
بر دختران مبارز فلسطین و عرب بیان
گردد و ازین رواج شریفانه می خواه
عننت مردم عرب بی اعفانی و تجاوز بیک
دختر باعث بد نامی یک خانواده می
موضع را خوب میدانم که درین
باشند زیرا دولت اسرائیل این
موجود ضعیف در محیط خانه محبوس
از مبارزه دست کشیده و مثل یک
این دختران مبارز را وادار سازد تا
فلسطینی اینست تا پدران و مادران
این همه تجاوز و بی اعفانی بر مبارزین
و مخصوصا بر دختر های مبارز



رسمیه ادی ادھر مبارد و کهرمان فلسطین

بالای محبو سین در زندان شدید تر
از مجازاتی بود که نازی ها در
مقابل اسرای چنگ دوم چهانی
انجام میدادند. در جریان تحقیقات
پولیسی دشمن کوشش می نمود تا
محبو سین را در مقابل یکدیگر
مشکوک و بدین سازد بعضا میگفتند
که فلان زندا نی درباره تو برای ما
معلومات مکمل ارایه نمود چرا تو در
باره او چیزی نمیگویی، ولی ما از
اعمال تفتیین آمیز دشمن آگاهی کامل
داشتمیم و مطابق به آن عمل میکردیم
و هیچگاه به دشمن فرصت نمیدادیم
تا بنفع خود بیرون برداری کند.

مقدمة مسئول زندان

دست بردار شده واز اعتصاب غذایی
دست بکشیم و نیز تلاش زیاد می
نمودند تا در بین ما بی اتفاقی ایجاد
نمایند. ولی ما از اینکه کر کتر دشمن
و حشی صفت را خوب می دانستیم
حاضر به هیچگو نه ساز ش نشیدیم
از طرف دیگر هر روز یکه از اعتصاب
ماسپیری می شد وضع صحی رفق
خرابتر شده میرفت تا اینکه مقامات
زندان مجبور گردیدند بوسیله نل

زنان موزمبیق همپاوه همسنگر برادران خودمی رزمند

وحشی نتوانست از میان به منابعه مادران و هموطنان پدران و فرزندان خویش سیاه ترین و تنگ ترین آنگاهیکه یک مشت هوا تنفس هر جود نداشت پرچ مبارزه را همواره بلند و در نگهدار شته اند.

حزب دمو کراتیک خلق حزب طبقه کارگر و همه کشور از همان لحظه تاسی فعالیت خویش کار آموزشی و سازما ندهی را در بین از وظایف مهم خود دانست مساله جلب زنان به جنب دمو کراتیک کشور توجه دارد و اصولا برای نخستین بار کشور مساله زنان را به همه جانبه طرح نمود طبق ببرک کارمن منشی عموم مرکزی حزب دمو کراتیک نستان در بیانیه افتتاحیه سر تا سری زنان کشور (۲۸ نوامبر ۱۹۸۰) گفتند حزب دراولین مرانمه ارگانیک جنبش زنان را رهایی بخش ملی و اجتماعه نموده و با پیگیری در راه اصل پیکار نموده است.

ضرورت مبارزه به خاطر از قید و بند ها و سنت ها که جا معه طبقا تو و به مناسبات فیودالی و ما قبل زنان کشور ایجاد نموده بروشنی برای زنان کشور رسیدن آنها به آزادی ها اجتماعی سیاسی ، اقتصادی بیکار مشترک با جنبش ما کراتیک در کشور که دور رسانید آنها به آزادی ها رسیدن اینها به آزادی ها اجتماعی سیاسی ، اقتصادی فرهنگی محسو ب میگرد سازمان مستقل را برای حکم می نمود . سازمانیکه پیرا گنده زنان را بستوار ب بهم پیوندد و آن

مشورتی طبی بوجود آمده است و در خدمت زنان اند.

آنگاه که ما از وضع زنان در کشور های نو به استقلال رسیده و پیروزی آنان سخن می پردا یم بايد در نظر داشت که همه این دست آوردها فقط نخستین گامها در راه حل مسئله زن است . مبارزات زنجیرشکن خلقها به خاطر طرد میراث شرمن استعمار و تحکیم پایه های اقتصادی آغاز گردیده و طوفا نزا ادامه دارد .

وضع زنان در بسیاری از کشور های وابسته و تحت استعمار ژرفای یک واقعیت تراژیدی آنان در بسیار از کشور های آسیا یی افریقا یی و امریکای لاتین به دشواری های بزرگی رو برو اند از مفهون تسلط طولانی استعمار برای خلقها اغلب این کشور ها فقر و مرض بیسودای درج و محرومیت بوده است امپریا - لیزم با توصل به شیوه های نو

استعماری تلاش دارد تا آنان را وابسته به انحصار رات بزرگ حفظ کند . از مجموع دو میلیارد و ششصد میلیون باشند کشور های بسیار استقلال رسیده یک میلیارد آن دایما گرسته اند . در آمد روزانه نهصد میلیون نفر در این مناطق کمتر از یک تلث دالر است . در اکثر یت مطلق کشور های آسیا یی افریقا یی و امریکای لاتین مسئله کار زنان هنوز لایتحل باقی مانده است .

زنان کوچی مزد و زنان کارگر و گدای های طفل به آغوش کشیده ای سر کوچه ها موجودات سرگردان و در بدری و هستند که زندگ

مردم جمهوری دموکراتیک مالکاشی که یک سال قبل در نتیجه پیروزی انقلاب ملی دمو کراتیک در آن کشور سمت گیری متر قی را بر گزیده است با گامهای استوار و بلند به سوی فتح قله های شا من پیروزی به پیش روی خویش ادامه میدهد .

تمام اتباع آن کشور صرف نظر از تعلیمات مذهبی جنسی و انسانی از حقوق مادی بر خور داراند تنها بعد از پیروزی انقلاب شرکت همه جا نبه زن در پیشبرد امور دو لتی و اداری امکان پذیر شده است برای اولین بار در تاریخ کشور امور حکومت را زن بدست گرفته است علاوه بر صدراعظم یکی از اعضای مجلس عالی تدوین قانون اساسی نیز زن است پانزده زن دیگر اعضای کمیته انجمن های دولتی اند حمایه از اطفال یکی از مسایل محوری سیاست دو لتی این کشور به حساب می رود .

سال ۱۹۸۰ برای خلق پیر و سال مشحون از حوادث و پیروزی های

بوده است در نتیجه انتخابات سال ۱۹۸۰ و بوجود آمدن حکومت متر قی مشی جدید دولت تنظیم گردید که در روشی آن خلق پیرو به حقوق و آزادی های وسیعی نا یل آمدند .

زنان پیروز در پر تحوولات جدید و امکانات تازه ایجاد شده سومیین کنگره ملی خویش را تدویر نمودند که مرحله پر اهمیتی را در تاریخ

مبارزات اتحادیه توده های زنان پیر و گنبد و در برا بر زنان گذاشت

تادریک سنگر واحد به خاطر تامین عدالت اجتماعی شگوفا نی کشود و محظوظ بیسودای بسیج شوند . با ایجاد مکاتب کورس های مسلکی مرکز

نان موزمبیق همپاوه همسنگر برادران شوهران و فرزندان خویش خاطر نیل به استقلال و تمامیت رضی سلاح بر داشته با شرکت نما سه آفرین خویش در جنگ های استقلال خواهی مثالهای فراوان هرمانی و جا نبازی را از خود بجا داشته اند .

با ایجاد گروپهای منظم و مسلح در سال ۱۹۷۷ زنان کشور موزمبیق ر جنگ رویا رویه اشغال گران شترالک ورزیده واسمهای قهرمانانی یون زنیامیش میرینا پشیتو انا ترزوه می ما نیکاشتو لیلا از افتخار این تنبیش رهایی بخشی مردم موزمبیق مشمار میرود .

ززینا میشل در پای یک پیکسار استوار اروقهر ما نانه مر گ رابه خاطر زندگی زیبا پذیرفت و استقلال اطن خود را نتوانست بینند روز رگ او را مردم موزمبیق بهمراه روز زنان آن کشور بر گزار می شنند .

قانون اساسی مورخ ۱۹۷۵ که زرگترین دست آورد انقلاب مردم موزمبیق است حقوق مساوی زنان ۱۱ تضمین نموده برای زنان تسهیلات و آزادی های وسیعی نا یل آمدند .

زنان در ایام حمل و زایمان دو ماه بخصتی با معاش داده می شود هنگام بار داری زنان به کار های سان گما شته می شوند .

سازمان زنان موزمبیق در جنبش بوده ای مبارزه با بیسودای که در سال ۱۹۷۸ آغاز گردید فعال نه شترالک ورزیدند همین اکتوبر در سرتا سر کشور ۱۰۰ مرکز سواد آموزی ایجاد نموده است که مکاتب کورس های مسلکی مرکز

زندگی می نماید . بعد از بیروزی وطن - پیرستان و سر نگونی رژیم خون آشام پول بوت

جبهه ملی نجات کمپوچیا تشکیل شد و در چوکات آن کمیته ملی زنان نجات کمپوچیا نیز تشکیل گردید و چخوک چخم بعیث رهبر این کمیته انتخاب گردید . کمپوچیا درسا - ختمان جما معه نوین تبا نبوده بلکه تمام جهان مترقب از آنها پشتیبانی می نمایند کمیته زنان نیز ازین پشتیبانی بی بهره نبوده و ظیفه سنگینی را بلوش دارد . چخوک چخم داکتر طب می باشد و برادر بزرگ چخوک چخم نیز بر ضد رژیم پول بوت به مبارزه آغاز نمود و او را در مزرعه برج و حشیانه با خالی نمودن یک شاه جور به قتل رسانیدند عساکر پول بوت دوچواهر چخوک را با خود برداشت و از آن ها تا حال اطلاعی نیست ممکن آن ها نیز در راه آزادی شدید شده باشند و دو برادر دیگر وی نیز مفقود الاتر می باشند در کمون ها بدون در نظر گرفتن وضع صحي اشخاص کار های اجباری بلاوقه ادامه داشت و افراد دو شیوه قهرمان خلق کمپوچیا به نمایندگی از سازمان زنان کمپوچیا قهرمان در کنفرانس سرتاسری سازمان دمو کراتیک زنان افغانستان اشتراک ورزیده بود .

کمپوچیا می باشد .

وطیبرستان کمپوچیا که چخوک چخم یک مثال زنده آنها میباشد باروچیه عالی و طیبرستی شب و روز برای عمران وطن خود مبارزه خستگی ناپذیر خود را ادامه مید هند .

باید با افتخار یادآوری نمود که چخوک چخم دو شیوه قهرمان خلق کمپوچیا به نمایندگی از سازمان زنان کمپوچیا قهرمان در کنفرانس سرتاسری سازمان دمو کراتیک زنان افغانستان اشتراک ورزیده بود .

ماحد : محله سو تیکا یا ژستا شماره هشت سال ۱۹۷۹ .

خطاب به زن

ای زن بیا که خوانیم مروز این ترا نه
مر عسعادت ماسرزد ز آشیانه

دیگر نه جای داری در کنج تنگ ز ندان

با مرد همنوا شو بیرون بر از خانه

ای زن نژاد آری می خوان کتاب اجداد

آزاد بوده ای تو از باستان زمانه

ای زن گل قشنگی ، کانون نام و ننگی

از لطف و مهر بانی حقائق بی نشانه

رفت و حتی در میدان نبرد در جنگ های تن به تن حصه می گرفت در ماه اپریل ۱۹۷۵

جلاد معروف پول بوت کمپوچیا را اشغال نمود

و اولین اقدام وی عبارت از بر قرار ساختن

رژیم « نظامی مطلق » بود .

در اکثر نقاط کمپوچیا « کمون » های را که

در را قعیت مراکز زجر و سکنجه بود ایجاد

نمود و حداقلی از وسائل زندگی در آنجا

دیده نمی شد و اشخاصی که در کمون ها دست

به مقاومت می زدند جابجا تیز باران می -

گردیدند .

برادر بزرگ چخوک چخم نیز بر ضد رژیم

پول بوت به مبارزه آغاز نمود و او را در

هزاره برج و حشیانه با خالی نمودن یک

شاه جور به قتل رسانیدند عساکر پول بوت

دوچواهر چخوک را با خود برداشت و از آن

ها تا حال اطلاعی نیست ممکن آن ها نیز در

راه آزادی شدید شده باشند و دو برادر دیگر

وی نیز مفقود الاتر می باشند در کمون ها

بدون در نظر گرفتن وضع صحي اشخاص کار

های اجباری بلاوقه ادامه داشت و افراد

مسلح کنترول می نمودند تاکسی در اجرای

اعمال شaque سهل انگاری نه نمایندگان

چخوک چخم همه این اعمال را تحمل نتوانسته

و در کمون هلاک شدند و برادر کوچک چخوک

که صرف هجده ساله بود در جنگ تن به تن

شید گردید . چخوک چخم فولاد پنون بن به تبا

های شید گردید .

ای زن بیا که خوانیم مروز این ترا نه

مر عسعادت ماسرزد ز آشیانه

دیگر نه جای داری در کنج تنگ ز ندان

با مرد همنوا شو بیرون بر از خانه

ای زن نژاد آری می خوان کتاب اجداد

آزاد بوده ای تو از باستان زمانه

ای زن گل قشنگی ، کانون نام و ننگی

از لطف و مهر بانی حقائق بی نشانه

کابل رول قابل ملاحظه را ایفا کردند

و برای اولین بار نماینده سازمان

دمو کراتیک زنان در پارلمان بکچوکی

بدست آورد و صدای نیرو مند زن

برای دفاع از حقوق و آزادی های

دمو کراتیک در پارلمان کشور پلند

شد .

در جریان مبارزات انتخاباتی

و بعد از آن از طریق واحد های

اساسی سازمان و فعالین آن حتی -

الامکان با قشر های مختلف زنان

تماس بر قرار گردید همچنان به

موازات آن سازمان در زمینه های

دفاع از حقوق و آزادی های دمو -

کراتیک زنان توضیح وضع رقبا ر

زنان در کشور و نظامهای مختلف

اجتماعی کشور های جهان ارایه اراده

ها و وسائل مبارزه نجا تیخش زنان

افغان و مسوولیتهای جهانی آنان

و ظایف مقدماتی خود را ایفا کرد و

در حدود امکان اقدام به فعالیت

سا زمانی آموزشی و تبلیغی نمود و

واحد های سازمان را تحت عنوان

انجمن تشکیل داد .

در جوزای سال ۱۳۴۵ به خاطر

تجلیل نخستین سا لکرد تاسیس

سازمان دمو کراتیک زنان افغا نستان

اجتمیع قابل ملاحظه از زنان و

دختران روشنگر اعمان معلمان کار -

مندان و شاگردان تشکیل شد که

روی اصول و موازین مردمی و سازمانی

رهبری و مشی سازمان بحث

آزاد و تبادل نظر دمو کراتیک صورت

گرفت که در نتیجه آن تصا میم نمر بخشی اتخاذ گردید .

نهایت نماینده های شهر

۱ بنیاد گذاشته شد طی

حیات پر افتخار خویش

هر پیوند ار گا نیک

بنیش دمو کراتیک زنان

عا بی بخش ملی بوده

۴ سازمان ما مشحون از

برما نانه اعضای این

خاطر دفاع از منافع مردم

ما و رهایی کامل زن از

میت ها و نا بسا مانهای

۱۳۴۴ سالهای بعد از

آگاه و مترقب افغا نستان

ماشی و تجربه سا لهای

مکل دمو کراتیک سا لهای

سعه سازمانی بوده است

از مان دمو کراتیک زنان

ن به ابتکار رهبر جنبش

صیت بر جسته سیا سی

رفیق دکترس اناهیتا -

در وجود یک محفل کوچک

۱۳۴۵ گام ارزنده و مفید -

در راه رهایی نصف نفوس

سا ساختن صدای آزا دی

طا لبات ایشان بر داشته

له بعد از تشکیل سا زمان

دوره دوازدهم پارلمان -

که با وجود سلطه و تحر

اع سیاه و رژیم فیودا لی

قت . تعداد قابل ملاحظه

تران آگاه در میتگمای

کاندید ان حزب و ساز

وبا شور و شفعت انقلابی

ند و در رای دهی اشتراک

در موفقیت کاندیدان حزب

با چخوک چخم دختر مبارز

کمپوچیا آشناسوید

شا عر تا جکستا ن شو دوی

انقلاب ثور

باد سرد از نوبکا بل میوزد
در بها ر نوزسوی نو بهار
لاله میکا رند دردشت و دمن
خلق افغان در بهارخو شکوار
بی زوال است انقلاب با شکوه
مثل هندو کش به مر ز کو هسار
انقلاب آورده آزادی بـ خلق
در دل این سرزمین نامدار
در دفاع از انقلاب خویشن
هست پویامرد مافغان نـدیار
انقلاب گر م سرما دیده گان
باد تا باشد رو نـدر و زـگار



بوی بهار

بها ر میر سدو بوی یـارمیـا یـد
نهـل صـبر و شـکـیـبـمـ بـیـارـمـیـا یـد
شـقـقـ دـمـیدـ و مـرـاـ مـزـدـهـ و صـالـآـورـدـ
کـهـ آـفـتـاـ بـ دـلـ درـ کـنـاـ رـمـیـاـ یـدـ
باـ سـمـاـنـ خـیـاـ لـشـ فـرـ شـتـهـ دـلـمـنـ
قرـارـ مـیـرـودـ و بـیـقـرـارـ مـیـاـ یـدـ
بـیـاـ گـلـ باـ غـ بـهـاـ رـزـنـدـ گـیـامـ
کـهـ اـزـ خـزاـنـ توـ بوـیـ بـهـارـ مـیـاـیدـ
زـ دـیدـهـ و دـلـ منـ اـشـکـ لـاـ لـهـ اـفـشـاـنـ اـسـتـ
سـرـوـدـ عـشـقـ اـزـ يـنـ آـ بـشـارـمـیـاـ یـدـ
برـ گـ رـ گـ دـلـ منـ مـوـ جـ زـنـدـ گـیـسـتـ رـوـانـ
امـیدـ رـفـتـهـ زـدـ سـتـ دـ وـ بـشـارـمـیـاـ یـدـ
شـقـقـ بـکـلـبـهـ دـلـ نـوـ رـمـاـهـ مـیـرـیـزـدـ
بـنـتـارـ وـ بـوـدـ وـ جـوـدـ مـ شـرـارـمـیـاـ یـدـ
دوـ بـارـهـ دـاـ منـ اـینـ دـشـتـ آـتـشـیـنـ گـرـ دـدـ
شـرـارـهـ بـدـلـ لـاـ لـهـ زـارـ مـیـاـ یـدـ
بـکـلـبـهـ دـلـ اـیـ شـمـعـ جـاـ وـ دـانـیـ سـوـ زـ
کـهـ حـسـرـ تـمـ بـدـلـ شـاـ مـتـارـ مـیـاـیدـ

حیدری و جودی

سلسله عشق

تو بـحرـ خـروـ شـاـ نـیـ ، منـ مـوـ جـهـ طـوـ فـانـتـ
توـ مـهـرـ زـرـ اـفـشـاـ نـیـ ، منـ ذـرـهـ دـاـ مـانـتـ
درـ کـارـ گـهـ هـسـتـیـ ، درـ اوـ جـ نـیـازـوـنـاـ زـ
توـ اـبـرـ بـهـاـ رـانـیـ ، منـ تـشـنـهـ بـاـ رـانـتـ
توـ نـورـیـ وـ مـنـ تـارـمـ ، توـ روـ شـنـ وـمـنـ تـارـمـ
تـوـصـبـحـ صـفـاـهـاـ نـیـ ، منـ شـامـغـرـ بـیـاـ نـتـ
درـ اـنـجـمـنـ خـوـ بـانـ ، اـیـ رـ شـکـسـمـنـ بـوـ یـاـ نـتـ
توـ سـاـ غـرـ خـنـدـانـیـ ، منـ دـرـ غـمـ هـجـرـاـ نـتـ
توـ وـارـتـ لـیـلـاـ بـیـ ، مـنـ بـیـرـ وـمـجـنـونـ
توـ شـهـرـهـ دـورـانـیـ ، منـ شـورـشـ دـوـ رـانـتـ
درـ جـلوـ گـهـ خـوـ بـیـ ، اـیـ عـاـ لـمـ مـحـبـوـ بـیـ
توـ آـیـینـهـ جـاـ نـیـ ، منـ عـاـ شـقـحـیرـاـ نـتـ
توـ سـلـسلـهـ عـشـقـیـ ، منـ سـلـسلـهـ جـنـبـاـ نـتـ
توـ شـعـرـ وـ دـلـ وـ جـانـیـ ، مـنـ شـاـ عـرـ چـشـمـاـ نـتـ .



شاه رضا ((منشی زاده))

نشیه معجون

قلبـیـ کـهـ تـرـاـ نـشـنـاـ خـتـ، آـشـفـتـهـ وـ پـرـ خـوـنـ بـ
افـسـرـ دـهـ زـ دـوـ رـاـنـ وـ پـیـزـمـرـدـهـ زـ گـرـ دـوـنـ بـ
چـشـمـیـ کـهـ نـدـیدـحـسـنـتـ، بـیـنـاـ نـهـ بـوـدـ بـیـشـلـ
ذـهـنـیـ کـهـ نـهـ یـادـتـ کـرـدـ، دـلـبـسـتـهـ اـ فـسـوـنـ بـ
ماـ رـابـهـ طـمـعـهـرـ گـزـ، اـزـ جـاـ نـتـوـانـ بـرـ دـ
قـانـعـ بـهـ نـگـهـ اـزـ توـ، اـزـغـیـرـ تـوـ بـیـرـ وـ نـ
گـرـ کـسـ کـهـ نـیـاـ زـارـ، بـنـدارـ کـهـ نـکـوـ کـارـ
ازـ عـاـقـلـ مـرـ آـزـارـ، نـادـاـ نـیـ مـجـنـونـ بـ
اـشـکـیـ کـهـ زـدـلـرـیـزـدـ، بـاـشـکـ شـبـ آـمـیـزـ
صـدـ مـوـجـ خـطـرـ خـیـزـدـ، حتـیـ کـهـ زـ جـیـحـوـنـ بـ
دـرـ عـالـمـ تـنـهـ یـهـ، دـرـ حـاـلـتـ شـیدـاـ یـهـ

چنگ

همچو موچ رودها خمیا زه گر
 چون فغان مستمندان پر اثر
 چون نوای بال ببل در بهار
 ناز بخش غنچه امیدوار
 اوج گیرد چون به سوی چشمها در
 چشمها گیرد رنگ چشم اشکبار
 ارزش چنگت چولزموی چنگ
 مرغ دل در چنگ گیرد بی درنگ
 چون سر انگشت بلزند روی چنگ
 نا له در کمها ر بrix دزمنگ
 در نوا یش جمله پنهان رازها
 رازها در پرده های سازها
 چون صدای سبزه در نوسان پاد
 دختر رمه چران زو گشته شاد
 یا صدای فال دهقان در زمین
 خوش به گوش مردمان خوشچین
 گویش: ای ما هر نگار نفسم از
 ای پری، ای ناز نیسن، ای دلنواز
 چنگ را سوی لبان خود ببر
 آشنا کن غنچه با گلبر گ تر
 چنگ زن، ای چنگز ن بیباک و مسٹ
 تاکه پاکوبان بیفشاریم دست
 روح ما با نفمه های گونه گون
 وارهان از ماجرا چند و چون
 چنگ همچون من بود رنج آز مون
 باشد شن افسانه های پرسون!

دلو ۱۳۳۵ - شهر کابل



شکایت

از از ل بر دل من عشق رقم گردیده
 تا پرستش کنمیش یا رصنم گردیده
 چقدر از نظر خلق نمایم پنهان
 حسن او در همه آفاق علم گردیده
 دعوی عقل و جنون را بقضاتوان برد
 زانکه بر عقل و جنون عشق حکم گردیده
 یا ر میگفت بمن مهر فرا واند ارد
 ش با پسر انگشت چو سیم

بر خیز و زاری کن دمی
 و بیقرا ری کن دمی
 سان ابرهای راهجوی
 شا عر شو د یده خوی
 ی عشق پیچان در سحر
 ره و دریا پیر
 د شتهای سینه سوز
 را شمع هستی بر فروز
 مله های بر فگیر
 باد نو بها را ن در صفير
 دره های خوش نمود
 چون بر فراز شعله دود
 ستهای خوشنمای
 ر مقدم دهقان بسای
 * * * * *
 شعر از دل زار میدر
 منوردم کن سفر
 پیو سته، بی پروا و مسیت
 کوی د ختری، عاشق پرست
 ای دلبر پنا ه آورده ام
 از اشک و آه آورده ام
 قوت جان بینوا
 رنج روانم را دوا
 کف گیرو بالا کن سرت
 از رخش با چا در ت
 آنکش کرده آهنگ درست
 ش کرده آهنگ از نخست
 ر کو ره تا بش داده است
 ب آنگه شرا بش داده است
 آن محصول دهقا نا نده
 بش نفمه شا عر گره
 آنکش د ختر دهقا ن زند
 زیگر افغان زند.
 آن همراه آهنگ شبان
 دار سوز اسرار نهان
 لگش چو خوی آهوان
 وف حشیست پاک و بیز یا ن
 رینش بالب عناب رنگ
 ار غ زپرد از فر نگ
 چون گل سرخ بهار
 خنده اش رنگ و قار
 ش با پسر انگشت چو سیم

بیان فرستادهای شما: شعر - قصه - مقاله - حکایت

بهار

بهار آمد ...
 فراراه دوننه گمی ، جنبش و تر
 خلق بالندگی ها ۰۰۰ بهار دیگر
 انسان فرا رسید .
 باموجی از سر سیزی و خرمی و
 بته ها ، زمین و درختان از قا
 سپیدزمستانی را بدور انداده و
 بهاری را باناز و گرشه در بر میکشد
 بستان ، دشت ، و دمن میگردد
 این کوههای قد بر افراشته و
 ولی کوههای ۰۰۰ .
 قهرمانان اسطوره بی بدون خشم و
 از زمستان دارند .
 درخت با نسیم بهار زنده می
 بازورشده غنچه ها زاده میگردد
 برگهای سبزیه ۰۰۰ .
 و بر گهای نوزاده ، از پرده
 بدرسته و بارانگ سبز در پیچ و
 مطهر و ملایم ، سر زده و آته
 و در نخستین دیدار ، جلایش
 پنهان میگردد ۰۰۰ .
 دشتها از سبزه ها و علفهای نو
 شده و دامنه ها از رنگ شفایق
 گون به رنگ شراب سرخ در
 و نسیم از گلپای عطر افشاران
 روح انگیز .

مشکبار شده و در پنهان دامنه
 خرم عطر هارا تا دور دستها
 و ادیها و مرغزارها ، تا دامنه
 تاپه ها ، بر فراز کوههای زمان ،
 و سخره ها ، آنطرف ساحل و رو
 آبشاران که از بالای کوهپایه
 سرکش و روم گرد و موجام گسیخته
 و افر در روی زمین برای خود بست
 پهن میکنند و میگستند ، و
 فصل نشانی از شادابی زمان
 ... وبالآخره تأثیر فای آسمان
 و دمه های سپیدگون و غلیظ عطر
 میسپارد ... و تاعم روح و جسم انسان

خواننده باید وجود قهرمانان را عیناً احساس
 نماید و خود را در قالب وی پنداش ، ضمناً

نویسنده نگنارد تا ذهن مستعレン تحت
 تأثیر ضوابط اندیشه های عفیگر آنه و شیوه
 های متناول تخریبگرانه غربی ، رفته و از تعاس
 مستقیم ش با آثار اندیشه وران و قلمزنان
 مترقب و اندیشه های پیشتر و عصرش دور ماند
 پرداخت و چگونگی نگارش داستان ناشی

از قریעה هنری نگارنده جمماً محتواهای و مضمون
 یک داستان خوب را میسازد ، از جمله عناصر
 یک قصه ، سوژه یا مضمون است که باز
 تاییست از عینیت ، حقیقت ، و واقعیت که
 بایان هنری از ایده میگردد .

مقدمه قصه که شرحیست گوتاه و دلپذیر
 به طور غیر مستقیم و نا خود آگاه خواننده را به
 محتوا و مضمون داستان داخل میکند . نویسنده
 پرسو تا از قصه اش را از میان مردم و اجتماعی
 انتخاب کرده و با دادن شیوه خصلت عینی و
 واقعی به آن ، قصه را بافت اجتماعی میدهد
 که در پرسه گره افگنی و هیجان و اوج مکالمه
 قصه بارور میگردد .

نویسنده ما بین طریق با خلق چنین
 آثار ارزشی و زیبا در گستره دانش زمان ما
 نوونه های بی مثالی از ادب کشور خواهند گردید .
 و تاریخ کهن پر غنای ادب کشور و از گنجینه
 های ادبی خویش پر غنای و مکمل تو خواهند
 ساخت .

شته از : هما (علی زوی)
 اصل پوهنخی حقوق و علوم سیاسی

چند سخنی در باب قصه از یک

نویسنده جوان

ستان نویسی هنر یست به غایت پیچیده
 واقعیت گرا ، موشکاف ، با مطالعه و دارای
 احساسات نیک باشد تا بتواند داستانی تحریر
 کند که از عمق احساسش و از وجذب پاک و
 رستگارش سر چشم میگرد : نویسنده باید
 قضاوتی داشته باشد عادله ، تابع اعادت
 تکاری اش ازهان عامه را به سوی خوبی ها
 و رستگاریها و ندیشه های پیشرو و مترقب
 گرایش دهد و برداشت اجتماعی اش را به صداقت
 و پاکی نگاریده و ذهنیت عامه را به سوی
 افق تابان خوش بینی ، وحدت اجتماعی
 و مودت هم استگی سوق دهد . این نکات رسالت
 اجتماعی و غلیظ یک نویسنده را مشخص
 میسازد .

ناگفته باید گذاشت که نویسنده قصه لزوماً
 باید شناخت عینی از جامعه و عصر خویش
 بایستی داشته باشد . و در تعیین کرکنده
 حد اکثر دقت ، و تعمق را به کار برد تا
 داستان خصلت اجتماعی بخود بگیرد .

محمد نبی «صلاد حی»

تنکی همیله!

دغه سپرلی کی خو شحالی د هر زبون غواهیم
 نوی احساس ، تازه بنکلا ، زنگین ژوندون غوا بهم

و یین کری له خو به ویره خلکورته و رکپی پوشه
 ۰۰۰ نیست ، بانده د گران همه اد سیمون غوازم

یست به همه چیز از دریچه ریالیزم نگریسته
 ح آن بر داشتی باشد عینیاً از اجتماع .
 طالب داستان باید از عمق اجتماع تراوشن
 به الام از زمانه و بازتاب از طبیعت
 از عصر و اجتماع به داشته تحریر در آید .
 باده روی ، خیال پردازی های واهی و دور از
 بت و مبالغه انگاری بیش از حد داستان
 برد و پیروح میسازد و از قالب یک
 آن خوب ، بکر ، بدیع بیرون میکشد و
 نده را خسته و دلزده ساخته و ودادارش
 از تاز تغییب بعدی داستان خود داری
 نیشن داستان و قصه ، سعی میگردد ،
 ل همه جانبی به بررسی و پژوهش مرفته
 رای نویسنده تازه کار و مبتدی لازم است
 ز روشنگران عصر خویش یاری جسته
 گنجینه های فکری قصه نویسان مایه گیرند

وصف جمال

جتنماعی

خيالوی خوب

چی را په یاده شی ژپا را سی
سر په زنگون کرمه سودا را سی
چوب شم دفکر په خیالونو کی زه
لابه شم دمینی په خالونو کی زه
وروسته په چیغو زپه زمارا شی
چی را په یاده کرم ژپا را شی
ناست ببر سر خیری گریوان یمه زه
لکه مجنون سر په بیا بان یمه زه
کله به خواتمه لیلی را شی
چی را په یاده شی ژپا را شی
ستاد دیلن یمه ارما نی محبوبی
په عشق کی ستا مستی محبوبی
طالع بهوی که زما بیا را شی
چی را په یاده شی ژپا را شی
که می خندا او که ژپا ده لیلی
زما له تادا تمنا ده لیلی
که یو خلی زما پر خوا را شی
چی را په یاده شی ژپا را شی

گر خط و خال را بستا یم چه می شود
حسن و جمال را بستا یم چه می شود
زیب و جمال وصف کمال است و راستی
گر من کمال را بستا یم چه می شود
خو بی مگر در آن قد موزون یار نیست
آن نو نهال را بستا یم چه می شود
پادا ش نیکو یی نبود غیر نیکو یی
گرا ین مقال را بستا یم چه می شود
زا هد زقهر حمله بیجا چه می کنی
من وجد و حال را بستا یم چه می شود
بالا گرفته کار نوایم زقدیار
روح خیال را بستایم چه می شود
جمعی ستوده ما لک و ارباب جاه را
شوریده حال را بستا یم چه می شود
محبوب جمله صورت یار ستدیدنش
میمو ن خصال را بستا یم چه می شود
صاحب کمال ، مرد مک چشم عالم است
صاحب جمال را بستایم چه می شود
در دشت بی کرانه و گستردگه جهان
چشم غزال را بستا یم چه می شود
(هادی) نیاز مندم و پستی نمی کنم
قطب جلال را بستا یم چه می شود

صبح دو قاسق بهترین سربت
فانیق فولادین امانت بالاگال
تامین صحت و سلامت هموطنان
سایید بعداً جامه راستین کار و
کنید .

متنین در خدمت گذاری به مردم
رسرواست روانه دفتر شوید .

دو قرص تابلیت نکیب و برد
بهبود صحت خویش صرف
کارهای معلوته خویش را
و خلوص نیت آغاز نموده و با
تمام ساعت کار با جدیت
و در اخر روز نتیجه کار عای
و جدان سپرده و بعداز تحلیل
جزیه فزیکی و کیمیاگی ، و
بیولوژیکی آنرا یکایک سنجیده
عومی و قضاوت هیات با -

پسر لی په پنستو لنڈو یو کی!

د پسر لنى کييفيت او پښتنو
زوند د تا ثير او جذبى نه چکي خينه
لندي په لاندې ډول وړاندې کېږي
پسر لى را غني کلان ډير شوء
داوربل ګل به خيل جانان لوه ورومه
په پسر لى غونه په خېزو
د اتنن مينځ کي مو کلان ګر لى دينه .
سپرلې به ستاله کېړه خوار شې
په زړغونو جستو د یه مات کړه فزه ګلونه .
خدا به سپرلې شو کلان ګل شوء
زعا د زړه کلان سپيل و على دينه .
زعا د زړه ګلابه راشه
پر تورو خلکو پسرلې برها غړونه .
نعاد سپلې ته کلار تاڻه وم

دیره در نه او عالی بر خه تشکیلوي
نو د پښتنی روند یوه دیره په زړه
تواری هنداره بلل کېږي .
او به دیره اوچته سویه به خپل دلکشه
قوټ پله زپو نو ۱ غیزی بنینسلی
دلته موږ هغه لنډی چې د دی زپور
و با شها مته او لس څینی غو شستنی
او پسر لنی روند انځوری، لیکو، اميد
دی چې د نوی کالد سپر لی دیادښت
به لر کې به د پښتو ادب مینا نو او
د پسرلی مینه والو ته په زړه پوری
وی . خدای دی وکړي ، چې نوی
کال او تازه پسر لی د ګران هیواد
او غیر تمن افغان اولس د نیکمړ غې

نن سبا دیخ زمی شپی او ورځی
له ختمید و او د نوی کال د تازه
سیرلی و زمی به را چلیدو دي. دهیوا
دستی او زغۇ نه گلۇ نه را سپری
او د غرو نو به خوکوله سیینو واورو
خچه او به ځکی ، خپله تنده ما توى
او د طبیعت د ګل کاری نه وروسته
ګلوبه خو شیو یې د خلکو زیو نه

او دما غو نه تازه کوي
دپسراي په راتنگ سره دطبعیعت
په ار ته او بسکلی لمنه کي، یوازني
دگلو نو په خوشبو بی سمنی اوغرونه
نه معطر کېږي، بلکن د خلکو په
زیو نو کي د نوی روند، خوا تی هیلی
نه د شامه لاله شامه لاله

ی ذیل به خاطر ببود صحت
نمایید از جمله از خیانت
وغیره کار عای منافی اخلاق
واجتناب کنید .

رید صحت تان بکلی سالم
مردم صرف نظر کنید فراموش
غ و ترقه اندازی باعث افزایش
گذاشت که بذر هیزی و تمايل
سنده هرچه راستگستر و عواقب
بسازد .

رایه درخانه و جان برد و
هدایت بنون گم و کاست مصرف

ذنان کشود ما

پیروزی های چشم گیر حزب و دولت
علی و اتفاقاً بی شان در راه بهر-
وزی و به زیستی مردمان سر بلند
و آزاده کشور میباشد در بیان
امسال کمیته مرکزی حزب دمو-
کراتیک خلق افغانستان بمناسبت
۱۵ مارچ کفته شده است که : از
همین جا است که امسال هشتم
ما را در کشور ما تحت شعار (زنان
افغانستان از دست اورده ای
انقلاب نور - منافع وطن و مردم
خویش فعال نه دفاع نمایید بر-
کذار میگردد)) .
همه مردم افغانستان اطیبان
دارند که سازمان دموکرا تیک
زنان افغانستان این پیش قر اول
و تنظیم کننده مبارزات قهرمانانه
زنان این کشور - بشکل پیکیرانه
و دلیرانه این خواست بر حق حزب
دموکرا تیک خلق افغانستان را
بیاری همه زنان میهند مادر عمل
پیا ده خواهد کرد .

تو جه و ارز شمتد در این مورد
تدویر گنفرا نس سر تا سری
زنان افغانستان میباشد که در
پر تو مرحله نوین انقلاب سور
بنا ریخ ۷ فو س ۱۳۵۹ با جلا لو
شکوه خاص و با شرکت نما -
یند کانطبقات و اقتشار مختلف
زنان در کابل گشایش یافته
ببرک کارمل منشی عمومی کمیته
مرکزی حزب دموکراطی خلق
افغانستان و رئیس شو رای
انقلابی جمهوری دموکراطیک
افغانستان با بیانیه پر شور علمی
وانقلابی شان این گنفرا نس را
افتتاح فرمودند. هکذا بیانیه
اسا سی کنفرا نس که خیلی
همه جانبه، علمی تهیه شده بود تو سط
دکتور انا هیتا راتب زاد رئیس
سازمان دموکراتیک زنان افغان
نستان و رئیس کمیته صلح و
تو ریکه وطن پرستان صد یق
ورز مند گان تسليم نا پذیر راه
صلح ترقی و عدالت اجتماعی
پایمدا نه علیه سلط امین و باند
فا سد ش رزمیدن اعضا مبارز
این سازمان رزمنده نیز بسیم
خویش در این راه جا نبا زانه و
قهر هانا نه رزمیدند و در ایجاد
تعویل نوین یعنی پیروزی مرحله
توین و تکا ملی انقلاب سور سهم
ارزنه و تا ریختی گرفتند پس از
پیروزی مرحله نوین انقلاب ورها -
یش انقلاب مردم و وطن از ورطه
بد بختی، سازمان دموکراطیک
زنان افغانستان نیز جان تازه
یافت و یک بار دیگر با بسیج
و تشکیل زنان مبارز میهیں پویای
راه نجات کامل زنان و بخصوص
زنان رحمتکش وطن از درد فقر -
بیانیه - پیسوادی - تبعیض -

یه ری - بیشواری - بیش
واستبداد شدند ز عا مرت مرحله
نوین و نکا ملی انقلاب نور به نیکی
درک کرده است که رها نی زنان
لز قید ستم با منافع توده های
و سیع رحمت کشان و طن مطا بقت
کامل دارد . مرحله جدید و تکاملی
انقلاب نور افق های وسیع راجه
ار تقای نقش زنان در تحقق بلا ن
های نکا مل اجتماعی و سیا سی
کشور گشوده است این دیکر
به عهد زنان کشور هاست که از
این شرایط دمو کراتیک و مساعد
استفاده های مثبت و همه جا نبه
نما یند . بهترین مظہر این شرایط
مساعد هما ناتا مین همه جا نبه
و عملی و قانو نی تسا وی
حقوق زنان و مردان
میباشد . چنانچه
در اصول اساسی جمهوری
دمو کراتیک افغا نستان که حیثیت
قانو ن اساسی مو قت کشور را
دارد نه تنها اصل برابری زنان به

ارہم کن

دو سیستان خود کتاب اخذ بداریم
همه اقارب ما حق داشتند که
هفتنه یکبار از ما دیدن نما یند.
پیروزی ما در زندان بر ضد
دشمن محسوب وحدت همه جا نبه
رفقای مبارزما بود که دشمن را بزانودر
آوردیم. مابا وجودیکه از سازمان
های مختلف با ایدیا لوزی های مختلف
در آنجا گرد آمده بودیم ولی در مقابل
دشمن مشترک امپریا لیزم و صهیون-
تیزم هیچ نوع اختلاف در بین ما
نمود جود نبود.

یکروز برادر زاده ام که پنجساله بود در زندان نزد من آمد و من اورا گفتم تا برایم آواز بخواند و او به خواندن آوازی که در باره فلسطین بود شروع کرد همین که بولیس زندان فهمید که او در باره فلسطین

بره فاریاب این پروردشگاه مردان

بزدگی چون ظهیر فاریابی از نظر بزدگان

استادان حتی از رسیدن سه پیشتر
تبارز مید هد بدیع الزمان فروزانفر
می نویسد .

ظهیر از ساعران دبر دست مرن
ششم است در قصیده سبک خاص
ولطفی دارد و تغز لات او نفر و دلپذیر
است) هکذا ذبیح الله صفا چنین
اظهار عقیده میکند (ظهیر شاعر و
استاد سخن سرای بلیغ پایان سده
شش از جمله بزر گان قصیده سرا-
یان و غزل گویان است .

بهر حال سنته مان پيسيين واندرور
ندرت سخنوري و زيبايني کلام ظهير
را اراسته باتمام فنون ادبی دانسته
باستا ديش گواهی ميد هندوره
حيات ادبی ظهير را که ازاوا سطقرن
يجم منبع گرفته باوايل قرن هفتم
منتهی ميگردد روز گار در خشان
شعر و ادب دری خوانده اند زيرادر
آن هام و سال شعرا سيمای ادبیات
را باجو هر زبان بسی صيقل داده
بویزه در خراسان ماوراء النهر و سیستان
سخن سازان لفظ و معنی را در ،
روشنی تشو یقات امرای وقت طراوت
و جلال خاصی بخشیده اند تشبتا ت
ديگر اهل اين دوره يکی هم ايجاد
تر کييات تازه آ ميزش مرکبات عربی
لغات تر کي است در زمه شعرای که
اين تحول را پدید آورده اند استاد
ظهير فاريابي نسبت بدیگران بيشتر
مهارت نشان داده سبک ظهير را
محصول وضع روحی و شخصيت
ادبی او پنداشته اند ولی بعضی
حلول سبک انوري را در شعر ظهير
نظر ميد هند مگ استاد خسرو و
کار زمک از اين شناسان گفشتند

ریز ادان خوش سیما خوانده است
ذر بیک دلی در آتشکده ظهیر را بیک
دو دمان علمی نسبت داده مینویسد
(او به حلاوت گفتار و بلاغت اشعار
نها یت امتیاز دارد) ظهیر ا لحق در
میخن وری فرید عصر خود بوده و
در قصائید ابیات رنگین دارد دولت
شاه سمر قندی گفته است ظهیر
بی نهایت فاضل و اهل و در شاعری بی
نظیر بوده است محمد عوفی در لباب الـ
لباب مرقوم داشته (دیوان ظهیر مطبوع و
مصنوع است) و شعر او لطفی دارد
که هیچ شعر ندارد) حمد لله مستوفی
معتقد است گه ظهیر (کلام شیرین و
سخنان نازنین دارد) عارف روشن دل
کشور مولانا عبدالرحمن جامی در
بیهار سtan ظهیر را از مشاهیر و
فاضل دوران شناخته دیوان آنرا
از نگاه لطافت و روانی مطبوع و مصنوع
خوانده است و غز لیات حافظ را در
سلامت همدوش قصاید ظهیر میداند
صاحب خزانه عامره گفته است (ظهیر
فاریابی حکیمیست قرین ابو نصر
فاریابی و ریاضی و فلسفه راسر ما یه
شادابی) بنابرین صدر الحکمایش
مینویسند .

ن قرن سوم در کتب (معجم البلدان) در
ناریخی سر زمین فاریاب ب تحقیقی تو شته اند
محاق (اصطخری) متولد در المسالک و المالک
ر زمین شاداب تذکر ت از تا لقان خورد تر و
از شبر غان سه روزه گند .
عیسی الله اندخو به مفسر پنایم العلوم
القضات بلخ امام ابو یو سف بس
تالقانی متولد (۳۵۷) هجری قاضی-
متو فی (۲۲۸) هجری ابو سعید
صاحب دوازده اثر علمی و تحقیقی
جوزجانی شاگرد ذهین ابو علی سینا
متو له گردیده همچنان ابو عبید
دانشمند کشور است که در فاریاب
مؤلف معرفت الر جال از فرزندان
میباشند از جمله ابو سعید سعدی
ادبی بوده که مایه ادبی کشور ما

(٥٦٣) هجری امام شمس الدین محمد بن مسعود اند خویی مولف زینت الز مان متوفی (٥٧٧) هجری ابوالقاسم عمam الدین محمد بن احمد الفاریابی مولف خالصته الحقایق لمغایه من ا سالیب الدقا یق (٦٠٧) و یک تعداد زیادی از عالهان و شاعران شهیر که در فشن افتخارات را در ادب و معرفت برآفرانشته اند گرچه هریک ازین دانشمندان در وقت و زمان خود با اثر ابراز آثار علمی در زمرة رجال ستრک علمی احراز مقام نموده اند بنا بر گرامی بودن موقف فضیلت شان مو در خین و محققیزین عصر و زمان از آنها یادی گرده اند اما آوازه‌یی سخن وری استاد ظمیر فاریابی از ازاد گاهش تا سر زمیز آذربایجان و اصفهان عراق کیشیاپور درخشندگی یافته آهنگ روح بخشن درستو فی (٧٢٠) درنز- فاریاب را در وفات میوه ند بار تو لد مستقرش فاریاب رادر

معرفی دو کتاب تازه :

دکتور نصر الدین شرفزاده و
اسمعیل عبدالرحمن

مولف در تر تیب
(فرهنگ تغنیکی) عن
طرز نو شتن واژه ها
نداشته از سبک عا
نو یسی استفاده نمود
در انتخاب واژه ه
تغنیکی که از وظایف
کوشش کرده است
شنا سان به شمار می
را از مواد زبان گفتاری
البته لغات (فرهنگ) +

دری بیشتر معمول بو
عات جمهوری د مو
نستان نیز مورد استفاده
در آخر فرنگ .
بخش (راهنما) که هم
دری و روسی میباشد
است .

چاپ (فر هنگ) م
حات تغنیکی رو سی
برای به وجود آوردن
دری و کار برد مسلسل
ز مینه تعیین همایه
برای کلمات فنی مورد
و کار مندان رشته ها
می شود باید تذکر دا
مختصر اصطلاحات
به (دری) برای خواننده
شماگردان مکا تب مسلسل
زبان روسی ، محصلی
کارمندان ، انجینیران
کار گران رشته های
نظر گرفته شده است

از :

خر وح نا
گوش ، گلم

گلو و بینی عنوان ک
است تالیف دکتور
وولانتین رو مانو ویچ
اخیرا به وسیله دیبا
گلو و بینی اکادمی
+ لایه نه : گزنازه شناسی

فر هنگ مختصر اصطلاحات

تغنیکی روسی به دری



دکتور خالنظر اورال ژاده مؤلف
فرهنگ مختصر اصطلاحات تغنیکی
روسی به دری

پرو هش قرار گیرد و این وظیفه زبان
شنا سان میباشد .

این فر هنگ از طرف دکتور
اورا لزاده تالیف گردیده و انتخاب
معادل های دری لغات و تصحیح آن
تو سط بو هاند نگمیت سعیدی و
دکتور ناریمان عبدالله یوف که هر
دواز زبان شنا سان ورزیده دری می
باشند صورت گرفته است . در
فر هنگ فوق الذکر قبل از پیشگفتار
به زبان روسی و دری (فسرده) مضمون
و هدف مختصر آن تذکار داده شده
است .

در پیشگفتار کتاب در باره ی
منابع مأخذ که برای تدوین فر هنگ
استفاده شد نیز تذکراتی به عمل
آمده است .

در درج د. افغا نستان و اتحاد
شوری یک تعداد فر هنگ های
مسلکی رو سی به دری و دری به
روسی تر تیب و تدوین گردیده است .

که از آنجلمه است :

مسوده بی فر هنگ تغنیکی وزارت
معارف ، کابل ، افغا نستان سال ۱۳۴۹
فرهنگ اصطلاحات نوین ، کابل ،
افغانستان ، سال ۱۳۵۸ (مؤلف
محترم تالقانی)

فر هنگ مختصر اصطلاحات
جیو لو جیکی روسی به دری ، کابل ،
۱۹۷۱ .

لغات مختصر اصطلاحات اقتصادی
و تغنیکی دری به روسی ، دوشنیه ،
۱۹۷۹ و غیره

طبیعتا لغات اصطلاحات مسلکی و
ساحوی در هر زبان نسبت به
ساحات دیگر بیشتر اکشاف میباشد ،
این پرو سه از یک طرف بهار تباطع
ذخایر خود زبانی دری و از طرف
دیگر تو سط اقتباس کلمات از سایر

«فر هنگ مختصر ۱ اصطلاحات
تغنیکی روسی به دری» قاموسی است
تالیف خالنظر اورا لزاده دانشمند
زبان شناس معاصر که در ۱۹۲

صفحه به وسیله وزارت اطلاعات و
کلتور به تازگی از چاپ برآمده
است .

ذخایر لغات زبان دری مثل دیگر
زبان ها محصول یک سلسله دوره ها
بوده ، در برابر اکشاف زندگی
اجتماعی و اقتصادی و فر هنگی با
پیشرفت علم و تغنیک و کلتور و
ادیبات مردم ، ترقی نموده ، و غنی
میگردد .

در نتیجه اصطلاحات جدید علمی و
تغنیکی وهم اجتماعی و سیاستی را
بوجود می آورد .

سما خته است . طیا ره های تغیل
بیم امکن بی ۵۲ بطور مدا و ماز
بایگاه های مستقر در استرا لیسا
و ((گوا ما)) بر فراز بحر هند در
بر واژ است . هکذا از بهار امسال
به اینطرف یک ما هواره انتکشا فی
بیو سته بحر هند را زیر نظر
دا رد *

ایالات متحده امریکا را
متحدین و شرکایش در یک
وضع گیری ها و فعالیت همراهی
کرده و می کند فرانسه، انگلستان
و آسترالیا هم در بحر هند
حضور نظایر دارند. انگلستان
یک تعداد کشته های جنگی
خویش را از شرق دو ربع
بحر هند انتقال داده است و هکذا
فرانسه و یک تعداد از کشته های
دیگر نیروهای حریق خود را
در نقاط مختلف این منطقه مستقر
ساخته است. در حالیکه محافل
اجتماعی و سیاسی جهان خواهان
قطع فعالیت های نظایری در منطقه
میباشد ولی ایالات متحده
و متحدین هم پیمان آن بر خلاف
این خواست مردمان صلح دوست
جهان فعالیت های نظایری خویش
را تشیدید می کند. نیروهای
تجاویز و جنگ با انجام این
فعالیت ها علاوه بر از تشیدید
تشنج سعی دارد تا آزادی کشته
های منطقه را مورد تهدید قرار
دهد، قیمومیت خویش را بر
دولت های منطقه تحمیل و آنها

را به مسا بقا ت تسلیحا تی بکشاند
قرا ر آمار رسمی و قابل اعتبار
تنها مما لک شرق نزد یک
۴۸ فیصد تما م ۱ سلحه وار دا تی
جهان را خریداری می کنند.

هکذا کمک های نظا می تاز
ایکه ایا لات متعدده به یا کستا ف
نموده و می نما ید و هکذا تبدیل
نمودن پا کستان به را ندا رم
دندا ن مسلح منطقه بجا ایرا ز
نیز از جمله پلان های تحریک
آمیز و تشنج زا درین منطقه می
باشد از آنچه گفته شد فورا این
نتیجه بدست میا ید که ا مریک

اندا رزی می کنند حالا باید علت
ریشه ای این موضوع جستجو
شود.

گر چه ظاهر مایا لات متحده و متحده ین ناتو و دیگر دنبای لهروان آن از تامین امنیت را همای بحری برای حمل و نقل نفت و دیگر مواد خا م دم می زند ، و لی حال گذشته و یقینا حا لانیز بر خلاف اقدامات نافع که در ین جهت صورت می گیرد مو ضع گیری می کند . از ینجا ست که وا قیمت ها بر ملا می شود . امپر یا لیز م تنها و تنها امنیت خود و تا میں منا فع خود را می خواهد و این از سر شت خود خواها نه اش ناشی می شود هر زما نیکه بلند گوهای امپر یا لیستی از امنیت در بحر هند

شود . در چهل و سه کشور سا-
حلی و جزیره ای و قاره ای این
منطقه در حدود یک ثلث نفوس

جهان حیات بسر می برند . پنج آبنا و راههای متعدد و مهم بحری از تباطی بین خاور دور آسترالیا، ازو پا و شرق نزدیک و افریقا تأمین کرده است . لذا این منطقه یک منطقه پر جمعیت، از لحاظ سوق الجیشی مهم واز نظر منابع زیر زمینی خیلی غنی میباشد و ذخانه طبیعی آن کم نظیر است زیرا در اعماق آن تقریباً ۶۰ فیصد ذخانه کشف شده نفت و یورانیوم جهان سرما یه داری و نصف ذخانه طلا نهفته است .

حالا بیینیم که ایا لشور های ایالات متحده، چاپان، کانادا،

تبیع و نکارش محسور

بِحَرْ هَنْدَ بَأْيَدِ
مِنْطَقَهُ صَلْحَ بَأْسَدِ

حرف می زند منظور آنها دست
با ز گذاشتن شان در چور و
چپاول ثروت ها و منابع طبیعی
منطقه است. امنیت بزم عم امپریا-
لیزم هما ناگارت ثروت های
کشیور ها و سر کوب همه نهضت
ها ای آزادی بخش ملی و سر کوب
مبارزات مرد مان در راه آزادی
مل و احتمال است.

امروزه ایالات متحده ۱ میلیکا
در منطقه بحر هند و خلیج بزر -
کترین پایگاه های نظامی را در
اختیار دارد و به عجله مصروف
ایحاد بحر یه پیغمبر مکب از چهل -

ممالک از ویای غربی و دیگر
کشورهای سرماهی دارند که
بعش اعظم نفت استخراجی و دیگر
مواد خام بدست آمده در کشور
های این منطقه را به مصر فرید
رسانند و اکثر این مواد را از راه
های آبی این منطقه حمل و نقل
می‌کنند به امنیت و تأمین صلح

دو امر با يد چنین با شد زير
اگر امنيت اين را همای مه
سوق الجشبي مختل شود موا
مد کور به کشور ها فیوق
الذکر رسیده نم تواند ولی

نوسفان قلمرو شعر و قصه

ارسا لى اتحادىه نو يىسىنگان

دويا...

محمد موسى فر كيش

لها يش را مىگىسترد و جوان بىاد
كىد شىته نه چندان دور مىا فتاد:
در پا يى همین درخت با او،
پار و يا آشنا شدم .. درخت
آنچ ما ن بر گ داشت، شور
داشت زىيا ئى داشت، وما هم
چون اين درخت غا فل بىاد پائىز
زىنگى نبو ديم .. همه چيز برای
ما زىيا بود، همه چيز، سپىده
صبح، آفتاب داغ نميروز، عصر
وغروب و حتى تارىكى شب برای
ما نمو نه زىيا ئى ها بود. برای ما
باز بانى بى زبا نشان سخن
مېكىفت ما محو طبیعت بو د يىم
و محو عشق ما .. آ، كه چه روز
هاى خوشى بود آنروز ها ...

جوان چرخى بدور ش زد. ياد

ایا م مرده در او زندگى شد
بودند. احا طه اش كرده بو دند،
دو سه رو زى شده بو
چند رو ز قبلا :
دو سه رو زى شده بو
ر اندىد ه بود آشفته و
مېنۈمۈد .. بىپاي درخت
بود، بدشت سر زده بو
را پائىدە بود وسى ..
گم شده بود.

جرئت اينكە از د يىك
دختر يىگانه اى را بىگىر
از رسوانى واز بىخىر دى
دهكە اش مىتر سيد،
نيكە در تارىكى ها مى ز

وجز را هى تارىكى نمیدا
با لا خر او را، گە
رو يا را ياد فت ولى
رو يا را ياد فت ولى
رو يا را او رابه جبر
داده بودند. دختر را به
خته بودند وايىن برای او
ناك بود، رنج آور بود

فرسا ..
چنان رقىبى نبود
رقا بىت با رقىب زمیندا ر
پد رش دەقانى بى بىض
كە از بس كەر بزمىن خ
كەر ش خەمیدە مى نمود
تو اىستە بود يگانه فر
بىمكتب بفر سىند و خرى
ھنۈز آن ايا م بىز زىن
تحصىل بىاد ش بود، چ
در دەھنەد ه بود آنروز ه

شىند راه آنها هميشە و هر زمان
چىنن تا راست.

در اشتباھ بودند در غفلت
و ظلمت. در تىر گىهاى نارسا -

تىها، نا دا نىها و خرافات راه
گەم كرده بودند. بى گەشىدە مى

گەشىدە برون از تىر گى هاست
و بىرون از خرافات و لجه

اين تىر گى ها بى بد نشان رخنه
كىرده بود چو جدا م، با آنها در

آميخته بود. آنها را ذرە ذرە مى
خورد، مى پۇ سيد و محو مى كرد..

آنها ازىن درد بى خبر در تارىكى
ها مى زىستند و چو قطره با ران

در بحر ظلمت غرق شده بودند
و سينه، به سينه صخىر مەھاى
مرگ مىز دند. و جز علم چە

چىزى مىتۇ نىست آنها را از قلمرو
سيه جەھل بىرون كىشىد و آنها را

از آن درد كە آنها را مى خورد
نجات دەد، آندىز يىكە همە گلەها

را در شبا ب مى پۇ ماراند ...
و چىنن بود كە جوان خوشىشىن

پر گەلە خشىكىدە پا ئىز
زمىن را رنگ زده بود. درختان
سر تا يار عر يان بود و شاخە
هاى سياه و نازك آنها با نواى
باد با ئىزى زمزە مىكىرد ..

جوانى از بىن درختان بىر هەنە
زاه باز كەلە خەزان كە خەزان كە
بە بىر كەلە زىر دنگ خەزان كە
باد آنها را خش خش كەن پىش

پىش دو با طراف مېپرا گىد ..
جوان اندىشىنا كە گام بىر

بر گەلە خەزانى مىزد، بە پىرا
مۇن تو جەندىشت با خەزىد
سخن مى گفت:

ما چون اين بىر گەلە
خشىكىدە استىيم كە باد ئەلما نە
روز گار ما را بە سير خود مى

پىزد .. جوانا نا نرا بىان دىست
باد كە اين بىر گەلە دا او درخت
آرزو ها يش، از جا ئىكە با مىداو

پىرورش يافته بىر مى چىند بزمىش
ميا فىگىد او را پۇ مەدە مىسا زدو
نا بود ش مىكىند ...

جوانى اىستاد. نگاھى
شىكىتە اش بىگو شە ها سركشىد
و او دىست بىد رختى نەدە و با

افسىز دىگى گفت:
سما هم از درخت آرزو ها يم
جدا كەردىند ..

از صدا يش ياس مىبا ريد، همه
بىان را نەجات در درو نشىن
اش در د بود، رنج بود. حکامت

پیری با پشت کمان بی ((همه
چیز)) نمی‌مانیم ...
بدینسان رو یا برای اخوشی‌ها
راه‌مراه آورده‌را زندگی‌را با او آموخت
زندگی را با و آموخت و را هی
فرار از تیر گیها را ...

اما حالا رو یا او را گرفته
بودند و همه آرزوها یش را به
خاک سائیده بودند ..
روز قبل را بیاد آورد که مادر
پیرش را به خانه پدر رو یا فر-
ستاده بود اما و قتی ما در شن
بر گشت .

- بر گشت چهره چر و کیده
او را اشک شسته بود و هنوز هم
میگریست :

- پسرم از او بگذر .. پدرش
مرد طما عی است او را بمرد
پولداری داده بمن رحم نکردند
و مرا کشیدند .. از او بگذر
پسرم ..
اما او دیوانه وار فریاد
کشیده بود :
لطفا ورق بزنید

و مهر سیرا ب کرد . جوان خشن
حال آنهمه ظلم‌ها و نارسا ئیها
را از یاد برد و قتی رو ز آخر نزد
برای او کشور شیرین زندگی
داشت واین از مغان عشق اوبود ..
و گاهی با دختر از نابسا م-

نیها سخن میراند :

- آه که ما دهقانان و زحمت
کشان چه زندگی مصیبت
با ری داریم ..
و دختر بالعن نواز شکرانه می

گفت :
- ما می‌توانیم ازین مصیبت
رها ئی یا بیم بشرط آنکه

یکدست و متعدد باشیم ..
و جوان دهقان در اندیشه

می‌شد :
- راست می‌گوید اگر ما همه
دهقانان دست وحدت دهیم ..
آنوقت .. آنوقت زمین از خود
ما می‌شود صاحب خانه می‌شود
شویم دیگر این ارباب نمی‌ماند
که خون مارا بمکد و مادر

از سالها عرقیزی و جان‌کنند
در زمین ارباب کمرش دو تاشده
خمیده بود و قتی رو ز آخر نزد
ارباب رفت تا حصه اش را، مزد
کار و زحمت کشی اش را بگیرد
ارباب با مخصوص‌الی کمی برا یش
داد بوي گفت :

- دیگر بتواحتیا ج نیست ..
دیگر بزمین‌ها مانیا ئی ..
و پیر مرد فرو افتاده تر از همیش
بر گشت چون او دیگر مرد پر
نیروی نبود و ارباب با گرفتن -

نیروی پر بهای جوانی او با ومزدی
هم داده بود : پشت کمان و کمر
خمیده ..

و جوان حال چسان میتوانست
قبیل پاک از نفرات آدمیان داشته
باشد ..

و هرگز تصویر نمی‌کرد دیوار
نفرات قلبش فرو ریزد، دزپولادین
این نفرات بر چیده شود و لی
این چنین شد، رو یا آند خترک
ساده و سیه چشم‌روستا بر قلبش
گل عشق نشاند و آنرا از محبت

ای شان به دور
اگر هم گاهی یکی
ن می‌فتید دیگران
گرفتند او را بلند
حظه بعد لبخند بر لبان
بورده می‌شگفت ..

دهقان بود . لباسش
رفته بسرا پایش
بود و پسر دهقان
راه نداشت .. روز
هم همانسان بود
سرشک ..

ورد روز یرا که در
تش در صنف درسی
ی که سر و وضع
ت، نشست . پسر
با ری با و اندخت
ن خنجر بران بقلیش
ا هیکه مملو از تمسخر

و بعد با و گفت :
این نیست دها تی؟.
رای او دیگر در آن
از جایش بلند
نش را بست . ۱ شک
چشمها نش عجله داشت
نه محقر شان رسید
طوب بود ..

سته اش سرا و را بر
هر روزش همینظر
و د و غمین به خانه
مادر او را تسلی
غض سو زندگ را هی
کی بست و اشک از-
چر و کیده چهره
رد ...

آن روز بعد مکتب
دیگر توان نیشند ها
هر آلد را نداشت
پاک و بیر یا یش
ت انباشته شد،
ایان، آن آدمیان که
محبت پاک کرد و بودند
مهر گاه لطیفش کو-
ند ..

ن پسر بجوان خشن
و مندی مبدل شده
با قلبه آگند ۱۵



نه .. نمی توانم ..
و عصر آنروز او را ، رویا را با
پسر کی دیده بود خیلی عجله و آهسته نا له کرد :
داشت حرف با و گفته بود که :
- فردا غروب پای همان
درخت ...
و جوان دهقان پنداشت
صدا ی او را از قعر گو ری می
شنود ..
مرد جوان تکانی خورد چشما
نش را که اندیشه ها بهم
آورده بودند باز کرد و با تعجب
با طرا فش نگریست .. همه جا
سیاه بود و سیاهی شب
دهکده را با خوش کشیده بودو
او پای درختی عریانی زانو
زده و اطرافش را بر گهای
خشکیده گرفته بود و صدا ی
خشن آن بر گهای پژ مرد در
گوشش می نشست .
چون آن درخت عریان .
در تاریکی ها نظر کرد
و گفت :
- او نیا مد ..!
سخنا نش از بین دندهای
کلید شده اش در لا بلا پرده
شب خزید :
- او دیگر نمی آید ...
و چنین می پنداشت که تیر گی
ها با وهم چیره شده چون نعره
شوم تیر گی ها هنوز او را
می آورد :
- انتحار ...
فکر میکرد این کلمه از پرده
شب از نوای شاخسار و از
زمزمه هر بر گه بر میخورد :
انتحار ..
و جان میگیرد بزرگ می شود
و چون سیلا بی سر افکن بربد -
نش رخنه می کند ، جوان فریاد
زد :
- نه ...
ودر تاریکی ها دوید . از بین
اشجار راه باز کرد ، بر گهای را

همه جا تار و کدر
زندگی ما .. خورش
نور افشا نی در زند
ندارد چون زندگی
شید زندگی ساز ب
یکیه است .. تو فرد
شده و مادر میستوا
از تاریکی بکشد ، ر
بخشد ، گر می بخشد
این چنین خواهی تو
از تیر کیها واز آد
انتقام گرفته ای
رو شنائیها راه نی
مرد جوان دسته
زندگانش کشید و
حال با من پیما
پیما نیکه هیچ نیرو
آنرا بشکند ..
دختر خاموش بو
و مینگریست بمر
او را گر می بخشد
میدا نست ..
چو بسمیلی نالید
- چه پیمان ۹۰
مرد جوان جوان
- تو فردا مادر
با یعنی امید زندگان
با تاریکیها یعنی
ندا نی با یعنی اجتماع
حال پیمان بیند
شجاع و آگاه با
منش ...
بلی این فرزند
با شنید برای گر
و برای پیر و زی
ونادانیها ..
اشک دختر بر د
ولی من ...
مرد مریض حا
بر سخشن دوید :
این پیمان را
بخانه ات بر گرد
دختر چشمانی
غمده اش را بمه
- تو .. تو از

دختر پائین خزید و به شانه او
افتداد :
- ما نباید بمیرید ...
دختر بغض آسود با و نگریست
و گفت :
- ولی من نمی توانم زندگی
کنم ..
اشکهای مرا رید گزند
به دو طرف بینی اش خط کشید
جوان کوشید جلوی گریز
اشکش را بگیرد و بدخترنگاه
کرد :
- ما برای مبارزه با این سختی
ها خلق شده ایم .. نباید با طل
برما چیره شود باید زندگان بود
و پیکار کرد تا حق جانشین با طل
گردد هر زمان اینطور بوده ..
وقتی ما بخواهیم خودمان را بکشیم
در حقیقت دو نفر از یعنی اجتماع را
کشته ایم و قتل کرده ایم .. می فهمی
دختر قتل کرده ایم .. و ما قاتل
خواهیم بود ...
دختر اشکریزان به سینه
جوان سر نهاد :
- نه .. قاتل نی ...
مرد جوان سر دختر را با ل
کردو به چشمان سیاه و بیریا او
خیره شد چشمان نیکه همیشه بر
قبیش آشوب میاندخت و حال
می باست با آن چشمان و داغ
کرد ..
صدای خفه اش را از گلوی
بعض گرفته بیرون کرد :
- و تو دختر که چون یک
رویا در زندگی من در خشیدی
اکنون برو .. برو و بکوش با
شوهرت زندگی خوشی داشته
باشی ...
گریه غم آسود دختر با صدایش
آمیخت :
- آه خدای من .. نی ..
جوان مصمم بود بدخترنگاه
بخشد :
- حالمانمی توانیم با هم باشیم
دختر ... دست سر نوشست
مارا از هم برید و اما تو میتوان
میکرد :
- هر دو با هم .. یکجا بمیرید
- هر دو با هم .. یکجا بمیرید

پر اکنی های خوشیش قرار می دهد . این تبلیغات و کیمی توزی یک علت دیگر هم دارد و آن اینکه کشورهایی غیر متعهد واقع در منطقه ابتكار طرح غیر نظامی ساختن بحر هند و خلیج را بعده داشتند .

اجلاسیه بو روی هیأت رئیسه

شو رای جهانی صلح که اوا یل

سال گذشتند عیسوی در آن-

نا ریو تشکیل جلسه نمود از طرف

جنپیش هوا داران صلح تمام قاره

ها اعمال امپریا لیزام ریکار در

بحر هند بشکل قاطعه محکوم

گردید هر انسان عالم و بیغرض

می بیند که بر خلاف دولت های

امپریا لیستی که پیوسته تلاش

می و رزند تا نفوذ نظامی را در

جهان بدست گیرند برا رسیدن

به این هدف و این هر چه ازدست

شان پوره است ، می کند .

بر عکس ، اتحاد شوروی در منطقه

بحر هند هیچ پایگاه نظامی

ندا رد و درین منطقه دست اندکار

تقویت نیروی ستراتیک و نیروی

بحری خود نیست در حالیکه

اعمال امریکا منافع سایر کشور

ها منجمله اتحاد شو روی را تحت

تمدد ید قرار می دهد . لذا بخوبی

نتیجه گرفته می توانیم که

مسئویت تبدیل شدند بدوش نیروی های

به منطقه تشنج بدوش نیروی های

امپریا لیستی میباشد .

نیروهای صلح دوست جهان

منجمله مردم و دولت جمهوری

دموکراطیک افغانستان جدید

خواهان غیر نظامی شدن بحر هند

می کشد و با این شیوه

و خلیج بوده و خواهان بر چیزه

شدن پایگاه های نظامی امپریا

لیستی از منطقه می باشد .

و می انداد و بخصوص

ای غیر متعهد واقع

منطقه بحر هند . زنده باد صلح .

جروح ناریه .

در شرایط کنونی که همهی علوم و بالخصوص علوم طبی هر روز با کشفیات تازه رو برو است و ساحه آن به پیمانه وسیع گسترش میابد یکی از عمدۀ ترین خدمات برای آگاهی دکتوران و افزایش معلومات آنان در زمینه کارشان تالیف ها و ترجمه های تازه پیرامون روش ها و متود های نو شناخته شده و کشف میکند که سطح دانش های تازه طبی است که سطح دانش مسلکی پژوه هندگان جوان را فرازایش دهد آنان را در کاری که در پیش دارند مسلح تر گرداند .

جای خوش بختی است که اکادمی علوم طبی قوای مسلح کشور بادرک نیاز مندی های فروانی که در این زمینه وجود دارد و به منظور گسترش ساختن ساحه فعالیت فری هنگی خود و مدد رسانی به دکتوران و پرسونل طبی نیک متوجه کاستی ها و کمداشت های مادر چاپ کتب مسلکی بوده و باز هم فراهم آوری امکانات و تسهیلات زمینه هایی را کار سازی میکند که کتب و رساله هایی مفید و بالارزشی از مانند کتاب زیر بحث به نشر آید و پژوه هشگران و محققان امور طبی فرستاده باشند از این امکانات بهره گیرند .

کتاب جروح ناریه و ترخیصات گوش، گلو و بینی که به همکاری دوپژوه هشگر شناخته شده افغان و شوروی به دست چاپ سپرده شده دارای یکصد و چهارده صفحه است به قطع بزرگ که در آن عنوانی : (او صاف و مشخصات جروح ناریه گوش گلو و بینی) (میکانیزم و طرز تشکل جروح ناریه گوش، گلو و بینی) (تشخیص رادیو لوژیک جروح ناریه گوش، گلو و بینی) (جروح ناریه گوش گلو و بینی پر نسیب و میتوود قطعی جراحتی و تداوی آن) (شوك گوش، گلو و بینی) از نمونه های فولکلور دری و مجموعه افسانه های اطفال به صورت مصور

عمومی تداوی جروح ناریه گوش، گلو و بینی و عنق) مشخصات مراقبت و تغذیه متصوی و مجروب حین تداوی جروح ناریه و ترخیصات گوش گلو و بینی) به چشم میخورد و زیر هر یک از عنوانین بالا تمام مسائل مربوط به هر فصل بر اساس تازه ترین میتوود های جراحی تفسیر شده و بتفصیل روی آن سخن گفته شد است در پیش گفتاری که مو لفین د کتاب خودنگاشته اند چنین میخواهیم در سال های اخیر در ه گوش و کنار جهان که آتش جنگدا من زده میشود در هر برخور مسلحا نه تو جه خاص بر آن انسنا اشخاص را به اسلحه مدرن و قوی با تجهیزات و مهمات آخرین سبل مجهز بسازند .

این ضرورت میرم ، اسلحه اتومات با کا لیبر کو چک، سرعت ابتدای متفوق صوت و انرژی کنیتیک بلند تامین مینماید .

مرمی های فوق به محض اصابت شخصی مو جب تخریبیات و سیمی عمیق فسجی و واژ گونی پیش فرایند اعضا گونا گون میگردند وظایف اعضا در جروح ناریه و ترخیصات در جروح ناریه و ترخیصات گوش، گلو و بینی اغلب اشوا ترخیصی و خون ریزی کثیفی کشند هر آن حیات مجروب ر تهدید مینماید ...

در دیپارتمان گوش، گلو و بینی روغتون اکادمی علوم طبی قوای مسلح در طی چندین سال مطالعه بررسی و تدقیقات و ارزیابی ترخیصات و جروح ناریه اعضاء گوش و آدامه دارد .

اینک نتایج زحمات چندین س تداوی انبو هی از متصوی مین میگرو و حین جروح ناریه در کتاب دریابازده فصل گنجانیده شده تجارب عظیم و مدارک معتبر لیتراتور جنگ دو مجهانی استفاده به آمده است ، این او لین کتابی ا که در تاریکترین زوایای مشخصات تشخیص و تداوی ترخیصات

نوالنهران قله و شیخو و قصه

رویائی که به حقیقت پیوست

با غ بسیار زیبا و پر از
انبوه بود، هوا می عطر،
ها داخل اتاق میشد. سیم
منظمه ای دل انگیز را پوش
بسیم یتیم بود، پدر و
سیزده سالگی در اثر ط
حوادث از دست داده بود
خانه نداشت در خانه یک
که مال داری و کشتزار زی
حیات به سر میبرد تا ص
تحصیل کرد ولی بعد از م
و مادر از تحصیل باز ماند
کودکی خودرا به یاد آورد
خاطرات خوشی از آن داش
گیش با پدر و مادر م
سرور بود.

در آن زمان هیچ نه
بود که رنج یعنی چه؟ مه
چیست!

پی برده بود که زند
و کشیده است، بد بختی
تیر بر مغز انسان فشار

سالها و ماه ها می گش
با قلب پرامید و آرزو در
و اندوه بزرگ میشد، از

ومطالعه در هنگام فراموش
میکرد، آرزوی بزرگی
می پرورانید، میخواست
باشد واحسای درو نی

خفته قلب خودرا بر صفحه
در آورد، به جامعه، به
که به او به دیده تحقیر
نفرین بفرستد. با خود

که چرا خداوند او را از
مادر و آغوش گرم و دست
شان دور ساخته است

درین مدت چند سا
و مادر خود را از دست داد
دست نوازش به سو ش
بود.

اکنون جوان زیبا و نزد
بود. از طرف روز در ز
میکرد، از طرف دیگر
که هم پیدا میکرد به م
برداخت.

به گاوها و گو سفندان می نگریست
که به جای دیگر نه رو ند و گا هی
هم به منظره زیبای درختان انبوه چنگل
خیره میشد.

اشعه زرین آفتاب رفته، رفته
میخواست پشت کوه ها پنهان
شود شمال و یزه و زیدن آغا ز
کرد. شر شر بر گهای درختان
بلند شد.

درختان زیبا با شاخه های پر
برگ، بید های زیبا و مناظر
خیال انگیز را از نظر گذشتند

حالا وقت این بود که این گله حیوانات
رات را به خانه ببرد، به عقب گاو
ها و بزها فریاد میزد و جمع میکرد

صدای زنگوله گردن گو سفندان
به گوشش میرسید.

همه این حیوانات را پیش رو
انداخته به طرف چشم میزد و به کتابی
آب بنو شند، بعد به سوی دهکده
به راه افتاد. گاو هارا به طویله

این پسر زیبا که اسمش بسیم
بود همه بچه های دهکده او را زاغ
صدای زدنده. پسر سیاه چهره با
چشمان سیاه و قد بلند بود، همیشه
تنها می گشت، با خود حرف می
زد همیشه در تفکر واندوه به سر
می برد.

در همان جایی که خوا بشن برده

بود، صدا یی اورا از خوا ب بیدار
کرد. وارخطا بر خواست در چند
قد می خود سکش را دید که به دو
پا نشسته و به او می نگرد. از جا

برخواست به سوی چشم در حرکت
شد، از آب سرد چشم نوشید.

بعد با قلب مالا مال از درد و روح
غرق در افسردگی به سوی خانه
در حرکت شد با خود آند یشید

((حالا باید برا بی چراند ن گاوها

به صحرابروم)).

در اندیشه و تفکر غرق بود که
به درخانه زسید، به طویله رفت
گاوها و گو سفندان را باز کرد، به
سوی صحراب و چرا گاهها در حرکت

شد.

گاوها به چراند ن مشغول شدند
خود در زیر سایه نشست و به کتابی
که در دست داشت به مطالعه پرست
داخت، گاهی چشم را بالا می کرد

((ظاهره افضلی))

تابستان سخت با گرما طاقت
فرسنا آغاز یا فته بود. همه جا را
سکوت فرا گرفته، گویی همه
اشیا درختان، انسانها و پرند
گان به خواب فرو رفتند. بادی
نمی وزید که بر گان درختان را از
شعاع آفتاب نجات داده و یا نوازش
کند.

صدای زمزمه جوییارها و غلغله
وشور و فریاد مرغان به گوش

نمی رسید گویی صدای همه این
کائنات در اثر تابش و شعله آفتاب
در گلو خشکیده است.

همه جارا روشی آفتاب و گرمای
آن تحت تصرف داشت، تمام

صحرابها و دامنه های بی پراز درختان
زیبا با شاخه های سبز و تنہ های
زمدین از فرط تشنگی سکوت را
اختیار کرده بودند.

در آسمان زیبا و نیلگون ابری

ت و تحمیلی گریبان
وانان دهکده همه
درختا ن کهنسال
میشدند . بسیم نی
ه و با صدای جان
ج و نو میدی خود را

ن ، زمزمه جوییاران
آواز نی که می نوا
رو نی خود ، یک راز
بیش را ، رازی که
آشنا بی نداشتند
د . با بد بختی و
میخواست بر بد بختی
و شبختی را از چنگ
آور و تار یکی ژرف
و مشعل آنرا چو
ن در دست گرفته
دال بد بختی را به

که بسیم هی نواخت
خوشی میکردند با او
بودند با ری وی
نواخت و ملا انگیز
د . زیرا عقیده داشت

ید . همه یک نواخت
شد . و هم به این
ه اگر درده باشد
یا یی که می اندیشید
به شهر بروند و داشته
و داشش داشته باشد
نده شود . هما ن بود
ده زیبا خود آهنگ
کرد .

از خواب بیدار شد
غ رفت ، هوا بسیار
کیم بود باد مو هایش
داد ، به چشم رفت
خود را شست .

ن خود بر گشت لباس
داشت به سوی شهر
ی پیاده رفت ، تاینکه
و تر رسید .

ال حرکت بود ، اشاعه
ی کوه ها مید مید و

دارد ، شاخه های آن چو عبهر
زیبا یی شگفته است .

تنها من نه بلکه همه ای آنها یکه
در منجلاب به سر میبرند از زندگی
پوسيده خود بیزار اند ، از زندگی
که در آن مهر و محبت و جود ندارد
برایشان پوچ و بی معنی است .

آیا این عدا لست است ، که یکی
را زندگی پر مهر و محبت بد هند
و به دیگری زندگی پر از زجر و
بدبختی ، و فرو رفته در گو دال
تاریکی ؟

این صدای که حا لای شنود
صدای انسانی است که از طبقه
زجر کشید گان بر خاسته صدای
انسانی است که به جز از رنج
باچیزی دیگر آشنا نه بود . بادرود
فراوان از میان طبقه زجر کشیده
بلند شده است))

بسیم حا لای بعد از تلاش زیاد به
آرزوی خود رسیده بود او توا
نسته بود نو یستنده شود

چند وقت او توانست داستانی

کوتاهی بنویسد و در یک قسمت

آن چنین احساس خود را گنجانیده
بود .

(دل از تیر گی و بد بختی نفرت

احساس مردم جان بخشید و با
مسخره و خشم بر حق به قاتلان
و شارلاتانها حمله برد و عناصر
بد نما و ناقص را باد رایت و
زیبا یی تما شیبی سخن رنگین
باود یلایم بیان می کرد . ازاولین
روزهای سنگر بندی تا تشکیل
کمون پاریس ، از اولین زوا -
یا یی عاجزانه یک زندگی
روستایی ، تا رویداد حلقه های
هنری یا اساس اختراست

جدید ، همه با شیوه سوال و
تشریع و به مهارت تما متوسط
دا و میر بیان می شود . وی از
چهره های بر ازند و بزرگ
رو شنوندگان عصر خود است
که با تکمیل کار زندگی خویش
موضوع عات را بدون قید زمان با

سه نفر به کرایه گرفت ، بعد از
فراغت کار وقتی به خانه میاد .

تائیمه شب ها خوابش نمیبرد ، به
آرزوی که در قلب داشت میاند
یشید که آیا به حقیقت خواهد
بیوست یا نه ؟

روزها و ماه ها گذشت بسیم از
مطالعه دوامدار دست نه کشید ،
اندوخته زیادی از علم و دانش
داشت ، بسیاری چیزها را در ک
گرده بود .

چندی بعد توانست مقاولات و
نشرهای ادبی خود را به نشر
بسپارد ، تلاش زیاد به خرچ میداد
تابتواند داستانی را به رشته تحریر
درآورد ، داستانی که در آن احساس
درو نی خود را بگنجاند .

چند وقت او توانست داستانی
کوتاهی بنویسد و در یکی از
آن چنین احساس خود را گنجانیده
بود .

که بسیم هی نواخت

خوشی میکردند با او

نواخت و ملا انگیز

د . زیرا عقیده داشت

ید . همه یک نواخت

شد . و هم به این

ه اگر درده باشد

یا یی که می اندیشید

به شهر بروند و داشته

و داشش داشته باشد

نده شود . هما ن بود

ده زیبا خود آهنگ

کرد .

نقا شیهای او بیچ و خمدا ر ،
تیز و بر جسته است . در نقا شی
های او ، مجسمه های او ، و -

رسمهای او حقیقت از طریق
جایجا سازی ما هرانه ا جزای
که سیر تحول ارتقایی را نشان
میدهد ، متباه رز میکردد نتیجتا
یک زبان هنری است که در عصر
حاضر نافذ و در خشنان و هدف

دو گانه شوختی و رز مجویی
از آن بدست میاید .

آنچه از تاریخ قرن ۱۹ فرانسه
و نزاعهای بین املالی تو سط
چهره های مردمی وو اقیمت
گرا برای ما بازگو میشود ، میتواند
در هزا ران اثر چاپ سنگی
دا و میر سا ن آثار او بوضاحت
دیده شود . بدون آنکه خصوصی
صیات تشکل دهنده روز مانند

را بر کشتزارها هی افشا ند .
بسیم به جز از رنج به چیزی دیگری
آشنا نبود . زندگی را به صورت

یک نواخت دیده بود . همه مناظر
در نظرش پو سیده جلوه میکردند
و به جهان پر راز و زندگی همچو
یک رویا می اندیشید او حا لای باده

دوستدا شستنی که پدر و ما در ش
در آن خفته بود و به خواب ابد
آرامیده بودند . با قلب پر امید به
عقب رویا و آرزو های خود سفر

میکفرد .

وقتی به شهر رسید به خاطر
دریا فتن کار خود دو چار مشکلات
زیاد شد . بلافاصله تو نست شاگرد
نا نوا شود . از صبح تا شب بیکار
نمیشد ولی شبنا نه تا نیمه
درو نی خود را بگنجاند .

چند وقت بعد توانست در یکی از
فابریکهای مشغول کار شود . در
کارهای خود بسیار دقیق بود .

بسیم اطاقی را دریک حصه همراه

باقیه صفحه ۱۷

نقاشیکه ۰۰۰

را به خود می کشاند و بینند هر
وا قیمت های نهفته اند در خود
که سیر تحول ارتقایی را رو -
مدادها را با دور نمای و سیع
آن بینند و در عمق زوا یا زندگی
نفوذ کند .

وا قیمت گرا یی این هنر مند
تا آنجا بود که در کارش اند بخش
های اشیا و رویدادها را انتخاب

می کرد تا تابلو یش بهتر بتوانند
انگاس دهنده واقیمت های
زندگی و رویدادها را ای عصر
باشد . ازین جهت همیشه تابلو
های هنری او هما هنگی خاصی
با نوشه های داشت که واقیمت
صیات تشکل دهنده روز مانند

یوهان و لفگانگ...

بالباس گشیش آراسته بودند مورد انتقاد قرار دارد به همان شیوه حافظ گفت: فقید مدرسه‌ای مست بود و فتواد که می‌حرام ولی به زمال او قافت.

قرن‌ها پس از حافظ، شاعر بزرگ‌العانی و ستابنده‌ای حافظ گویته اندیشه‌های تردید در مواعید مذهب را که این دو سرا ینه نایفه بیان داشته بودند در منظمه کبیر خود «فاوست» بدین شکل افاده کرده است:

من به جهان آنسوی مرگ لا قید
و هنگامیکه این جهان و بران گر دد
با آن جهان آنسی ندادم
زیرا من فرزند ز میم، رنج یا شادی را
تنها در این جایگاه ادراک می‌کنم
ودر آن دم تلغ که تر کش می‌گویم
برای من بیکسان است که حتی گیا هی از
گورم بر نه مد.

زیرا مرا با جهان د گر کاری نیست
هیجانات آن جهان هر نامی که داشته باشد.

کنگاوا نیست که حدود و تغور آن کجاست
واینکه آیا در آن سامان نیز فراز و فرودی
هست یانه.

در زمان گویته که هنوز پاپ روم قدرت تکفیر داشت و «کتب ضاله» را در سیاهه‌ای سیاه خود می‌گویید که مرد در تهایی نشاط پیدا می‌کند:

و شرقی گویته سروده ای و شرقی گویته همان کتاب آنرا بیش از هر دیوان و «هنریش هاینه» شاعر کتاب را «گلدنسته عقیقت مشرق فرستاده» «بس گر گفته مترجم گوچاری، گویته و مجموعه پیام «السالی» است از جانب شر دنیای غرب و خود اقبال «پیام مشرق» را و شرقی گویته سروده ای و شرقی گویته همان کتاب آنرا بیش از هر دیوان و «هنریش هاینه» شاعر کتاب را «گلدنسته عقیقت مشرق فرستاده» «بس گر گفته مترجم گوچاری، گویته و مجموعه پیام «السالی» است از جانب شر دنیای غرب و خود اقبال

در تجلیل از بزرگ‌داشت گویته با یاد از علامه اقبال نیز یاد کرد چه اقبال گلدنسته ای بنام «پیام مشرق» از گلبهای رانگ رنگ خاک مشرق بخاک مغرب، تقدیم نموده است. علامه اقبال در سال ۱۸۷۳ متولد شد و با اندیشه‌های فلسفی خود انبوخته‌های گرانبهای بر جای نهاده است.

پیر مغرب شاعر آن قبیل شیوه بست نقش و شاهدان دا د مشرق را در جوابش گفته ای ماه تابی ریخ اقبال در مقدمه مجموعه اقبال در مقدمه مجموعه

گویته گفته است:

مادر دایره محدودی مخصوصیم مو جی مارا بر می‌دارد و فرو می‌آورد و سر انجام فرو

می‌رویم.

حافظ عین این مفهوم را چنین بیان گردید: ساقیا جام میمده که نگارنده غیب

کس ندا نست که در گر دشپر کارچه کرد در پس آیینه طوطی صفت داشته اند

آنچه از این گفت بگو می‌گوییم «

سا قیا می‌ده که با حکم از ل تدبیر نیست قابل تغییر نبود آنچه تعین کرده‌اند

هردو شاعر گاهی از قیل و قال ز مانه

دلسرد شده و گوشه گیری را پسندم دارند و به تنهایی بنام می‌برند. گویته می‌گوید:

مرا با پیاله‌ام تنها بگذارید که مرد در

تنهایی نشاط پیدا می‌کند.

حافظ گوید:

حالا مصلحت و قلت در آن می‌بینم که کشم رخت به میخانه و خوش بشیم

دانست! چنان ممکن است شعری را که نه از حافظ دست و نه از نظامی، سعدی و جامی برای دلدار خواند.

در حکمت نامه، گویته، در برا بر شاعران معروف می‌بین ما زانو میزند و چنین می‌گوید: «انوری» شاعر هو شمند که از راز دل و معما روح خبر داشت چنین گفت: «همه جا وهم و قلت راستگو باش»، با عدالت رفتار گن و از خطای بد خواهان چشم پیوش» بدین تکه اعتراف کن که سخن سرایان شرق از ما شاعران غرب تو انا تر و بزرگتر اند تها در یک مورد ما با آنها برابریم و آن جانی است که پای بغض بدگر شاعران در میان باشد.

روح مشرق ذ مین از راه مدیترانه پیروزد مندانه وارد اروپای ما شد آنها نیکه در اروپا از گفته نفر «کا لدرون» لذت می‌برند در حقیقت جرعه نوش جام حکمت حافظ اند.

از مقایسه آثار گویته و حافظ چنین بر می‌آید که در نهاد هر دو شاعر بزرگ حقیقی واحد جایگیر بوده و علت گرایش گویته و حافظ همان شباهت محتوی و قرابت روحی بوده است که با وجود فاصله مکانی و زمانی باز همداستانی آنها بظهور روسیده است. در ذیل بسیار مختصر بعضی مشابهت هارا باد آور می‌شود:

هردو شاعر در سن پیشتره خود، نشاط جوانی و حیات نوین احساس می‌کنند گویته می‌گوید:

ای بیز باششات، ملال میا ش. اگر هم موبت سفید شده در عشق یادار باش.

حافظ می‌گوید:

پیرانه سرم عشق جوانی بسر افتاد و آن راز که در دل بنفسم بدر افتاد! هردو شاعر بیوسته از عشق سخن می‌زنند: حافظ می‌گوید:

بحریست بحر عشق که هیچکس کناره نیست آنچه جز آنکه جان بسپارند چاره نیست گویته می‌گوید: ای عشق تو تاج زندگی خوشی بی‌آلام هستی!



تصویری در باب اثر «فاوست گویته».

هردو شاعر نسبت به ظاهر و ظاهر پرستی، اعتاد، کده و آنرا به گفته‌اند گویته می‌-

یوهان و لفگادگ

که ارم بچشم آید چو ظلم سیما بی
ماخذ مقاله

رومی عصر ، شرح احوال و آثار علامه
۲۰۹

محمد اقبال ، سعید نفیسی صفحه
محله دانشکده ادبیات شماوه اول سال
چارده هم ۱۳۴۵ ، دانشگاه تهران

محله سخن شماره ۲ دوره ۲۶ سال ۱۳۴۳
سخن برخی بردیسها درباره جهان بینی ها
جنبش های اجتماعی در ایران ، احسان طبری
سال ۱۳۴۸

منتخبات دیوان شر فی و غربی ، ارگویه
ترجمه سجاع الدین شفیع ۱۳۲۸

ادبیات کلاسیک جر منی از فرون و سطه
تا عصر حاضر ، کابل ، ۱۳۵۰

منتخبی از زیبا ترین شاهکارهای نظم
و نثر از ادبیات آلمان بزبان آلمانی
دیوان حافظ بزبان آلمانی ، ۱۹۶۹

سابقاب ، ماری یشمیل بزبان آلمانی
کلیات اقبال ، تهران

نفعه های براین ، سجاع الدین شفیع
از ماه ۱۳۳۴

کلیات گویته جلد چارم - صفحه ۲۲۸
فاوست ، قسمت اول ، اثر گویته بزبان
المانی ۱۹۷۱

سفرنامی عای سینار لیندیخ ، توبید
بزبان آلمانی .

شاهکارهای جاو دان ادبیات جهان
لماشی ، انتشارات در فش سال ۱۳۴۵

سیماه او چو آئینه بی دنگو بی غبار
از بحر بیکرانه چه مستانه عربود
در خود یگانه از عمه بیگانه هیرود
در شعری تحت عنوان «جلال و گوییه» به
کتاب «فاوست» گویته اشاره نموده که داستان
حکیمی است که دنبال عقل میرفت بعده که همه
و مرید سیطان گردید :

نکته دان المتن رادو ارم
صحبی ا فتا د بایر عجم
شاعری کو همچو آن عالی جناب
نیست پیغمبر ولی دارد کتاب
خواند بر دنای اسرار قدیم
قصه پیمان ابلیس و حکیم
گفت روی این سخن را جان نکار
تو ملک صید استی ویز دان شکار
فکر تو در کنج دل خلوت تزید
این جهان کهنه دا باز آفرید
سوز و ساز جان به بیکر دینه بی
در صلف تعمیر گوهر دینه بی
هر کسی از د مز عشق آگاه نیست
هر کسی شایان این درگاه نیست
دانه آن کو نیکبخت و محروم است
زیرکی ذ ابلیس و عشق آزاد است
اقبال در جواب نظم گویته موسوم به محوره
شاعری تحت عنوان «حور» می گوید :
نه به باده میل داری نه بعن نظرگشایی
عجب این که تو نهانی ره وسم آستایی
همه ساز جستجوی همه سوز آز زوی
نفسی که می گذاری غزلی که می سرایی
بنوایی آفریدی چه جهان هاکشای

او زسو خی ذره قلزم تیز
تا گربیان صد را بردوید .
من به آغوش صد قابی هنوز
در ضمیر بحر نایابم هنوز
دو پیام مشرق ، اقبال از خواننده کلام خود
گله دارد و اظهار ناسف می گوید که من
می خواهم بوسیله شعر در روحیه ملت «آتش
بز نم» ، این مردمان خواهاید را بنایه گفته
های «بلغی» پیام بیداری بدهم اما آشنايان
باد نیای خیال و تصورات رنگین چنان خو
گرده اند و از شعر من گناهه می جویند ایشان
درگ نمی کنند که شعر من از گرمی خون من سر
چشمی می گیرد .

آشناي من زهن بیکانه رفت
از خستانم تهی پیمانه رفت
من شکوه خسروی او را دعس
تاج کسری ذیر پای او نهیم
برگ گل رنگین زعفمنون من است

مصرع من قطه خون من است
اقبال شعر «جوی آب» رادر جواب نظم
گویته موسوم به نفمه «محمد» سروده است:
بنگر که جوی آب چه مستانه می رود
ما نند کمکشان بنگر بیان مر غزار
در خواب ناز بودیه گهواره ای سطح
واکرد چشم شوق باقیش کوهسار
از سنگر یزه نفمه کشاید خراما و

بروگرا اموانوله مخی د (ارنست تا لمن
دمخکنیانو په موسیو او ساز مانون
کی دبرخه والو تر منش یو زیان
شمیر دوستا نه لوبی او دله یی
مسا بقی عمو ما د سیا سیا
تکنالوژی آرت ، او کلچر ، سیوری
او بدنه روزنی او د تولینیز ژوند دی
شجیر نورو ساحو په ارتیاط جو پیز
او صورت نیسی باید وویل شی چی
دمخکنیانو په تر بیوی او تعلیم
دوستانه مسابقو کی دبیر نیو زی
او تور یزمن دنده کری پرو گرا مون
هم شامل دی دذکر شویو مضمونون
دنده کری او تدریس په دوران کی

د ۱۰ مخ باتی د مخکنیانو ۰۰۰

هلکانو او نجونو استعدادونه روزی
او دوی ته زمینه برابری چی دخیل
شوق او طبیعی علاقی له مخی د
بنویونی او روزنی دول دول پرو -
گرا مونه تعقیب کاندی .

د هغه پرو گرا مو نو له مخی چی
دالمان په دمو کراتیک جمهوریت کی
دمخکنیانو د مو سیو او سازمانونو
دباره طرح شویلی د بنیونی او
روزئی په برخه کی د دوی په پرو -
د مخکنیانو په مانیو او سازمانونو
گرا مونو دتو لیز ژوند یو زیات

جمتی سخت بیزار شده و روح
بامطالعه اشعار حافظ در فضای
من که در آن زمان پر از امانت
واز آمد . سعر حافظ و اندیشه
گویته هیجان بزرگی ایجاد کرد
بصورت دیوان غربی و شرقی به
رسید . اقبال در این اترش پس
تیر حافظ بر گویته ، اورا با حافظ
ویرای گویته هم همان مرتبه
قابل شده است و همان ظرفیت
و اندیشه حافظ رادر آثار گویته
یسید که گویته بر علاوه حافظ
عده و فردوسی هم متاثر بود
که در آثار شن ، استعارات ،
تسبیبات «دری» را بکار برده
عنوین دیوان گویته هم هاند
ساقی نامه ، عشق نامه ، تیمور نامه
نم «دری» است .

ب بزرگ پیام مشرق خود را به
پیشکش کرده است ، در آن
تف آور شرق سخنی گوید و
کوشش و تحصیل علیم
است . قسمت دوم کتاب حاوی
قطعه غزل و مشوی ۱ سنت
مت مجموعه پیام مشرق
ب دانا فر نگ
لسفه اروپا آندوران را که از
بهره ای ندارد و برد سعادت
رد :

د صبا گوی به دنای فر نگ
گشتو دست گرفتار ترست
رنگ گل ولله نینند ورنه
ردۀ رنگ است پدیدار ترست
نیست که اعجاز مسیحی داری
ست که بیمار تو بیمار ترست
بخته ای دل زکف انداخته ای
ترانما یه که در باخته ای
را با گویته هفایس کرد می گوید:
خودم خود بین نیم
و گه بود و عن گیم
جوانان مثل بر ق

لیبریه های بیان

نموده از من که از این کارس ایم

اتخادیه زندگان ایم

تیرا مجیدی

برای دوری از وطنم گریه میکنم

وطن را از افق های دو رمیشیم
.... میشیم که طینی آنها میگویند
(با مشوق با ید و فادر ما ند)
وفای زن در کشورم از آرزو های
خون شده مردان میهی من است .

وطن عزیزم !
تا آن لحظه یی که قلب من
آه ! که چقدر دور شد آن آر-
در غم و آند یشه دوری تو بکلی
ما نهای زندگی و خیالات جوانی
من و دور ماند از من سر زمین
بشنکند و در هم ریزد و نا بسود
شوم این سیل سر شک حسرت
همواره از چشمان پر انتظار م
جا ری خواهد بود و شما ای مردم
غريب و ستمد یده جهان !
کاش ! تنها میتوانستم آن نمود-
های سیاه جوانان کشود رم را
بشما نشان دهم وای کاش میتوان-
نمیشند و خون نشود ؟
آیا کشورم و ملتمن مردا خواهد
پذیرفت ؟ و آیا باز نور امید آن
افق روشن و آن سپیده دم عزیز
وطن چهره اندو هکین و افسر ده
مرا روشن خواهد ساخت ؟
آن همه نازو افتخار و تماشی

کاروان خسته بی در نیمه
روز با مسا فران دل خسته
خود در بیان های پر خشم
و پیچ، درد لکوه ها و در دشت
های بیکران راه می بیمود و بیش
میرفت .

نا له های زنگ این کاروان،
راحت را از مسا فرین می رود
راه بر نشیب و فراز این سفر
چشم همه را بسی افسر ده بود.

ما نند امواج خشمنا که بحر به
من، همیش از محبت تر
ما همچو م آوردن آتش های وحشت
انتظار دیدار تو مملو
انگیز از هر سو زبانه کشید و
در فضایی پا ک و نیلگون میهیم
اوج گرفت، شمشیرها به هم
خوردن و بر ق زدند، آهنگی
خاصی از تیغه شمشیرها بیرون
جهید گویا، هر یک آنها فریاد
آزادی را به او جا میبرد .
اه ! خداوند ! نمی دانم چه
شد و چه مصیبی پدید آمد که من
از دره های سبز و کوه های پر
بر ف مر وا رید ما نند بهشت
خود گذشت، روزها و شبها
راه بیمودم و با مرگ پنجه
نرم کردم .
مو قعی که به هوش آمدم خود
را در یک سر زمین دیگر و دردیار
بیکاره بی فتم .

همان روز چشممان من تاریک
شد و سایه غم بر، هستیم چیره
گشت خود را در بین اشخاص
بیکاره بی حس کردم که نشانه بی
از انسانیت در وجود آنها دیده
نمیشد .

آه ! ای سر زمین دو رافتاده
از منافع فرزند استفاده
و مادرش را پامال .

مسعوده حیا تی

رهن زندگی



عشق و امید

هاو غصه ها و در بحر بیکرا زندگی بر زور ق شکسته حیات در موج خیزی حواله ای ن خدای ذهن تنها یم مکذار آن قدر نیرو یم ده تا در مقابل طوفان قهر آلود و خشمگین چ کوه استوار و پایبر جا بمان با تاریکی ها بجنگم ، آنقدر خوش بخش جاویدن بیان نیم با من بیان نیم ، تا با بشمامان هر گز م تنها مکذار یید مکذا رید که هیولای اندو روز گار با پنجه های سیاه خویش ، بیش ازین گلو یم را بیفشا ردو به سوی نا بود یم بکشاند . آری ، در شب های تارا شک کند .

ای عشق ،
ای امید ،

ای چشمها ر پر فیض زندگی ما در قلب ، خون و تمام ذرات وجود م چون نیروی حیات بخش جاویدن بیان نیم با من بیان نیم ، تا با بشمامان هر گز م تنها مکذار یید مکذا رید که هیولای اندو روز گار با پنجه های سیاه خویش ، بیش ازین گلو یم را بیفشا ردو به سوی نا بود یم بکشاند . آری ، در شب های تارا شک کند .

غروب زندگی

منگا میکه از خواب برخاستم تا زه طلوع نموده بود دیر دیر ها منتظر غروب بودم که دو را دور آفتاب رنگ سرخ را بخود گرفت اشتیاق منتظر نتیجه بودم خواهد شد ؟ غروب نمود و ناید یگردید را به مهتاب سپرد خود زمزمه کرد که : طلوعی دارد و هر طلوع را غروبی در انتظار است سمه زندگی طلوع است م این طلوع غروب خواهد بود و ب زندگی یعنی چه ؟))

بهار را گرامی داریم



محمد شفیع (میا خیل)

پر نقش و نگار جلوه میکنند چنان پر نقش و نگار که گویا ناقا ش با انتها مهاره خویش ای همه را نقشیندی نموده است تا که شراب دلپذیر در دل خویش مضمور دارند . بادهای عطر آگین اند گویا دامن کشان مشک سود در فضامی پاشند ، دشت های پراز لاله چنان به نظر مینمای که لعل را در روی زمین پاشیم .

بهار است ، بهاری که با فر رسیدن خویش تمام موجود را از خواب سرد زمستانی بی ساخته است .

بها ری که هر موجود زنده را سوی زندگی امید بخش داده مینماید .

انسان شاعر و نویسنده از این دعوت بی نصیب نیست

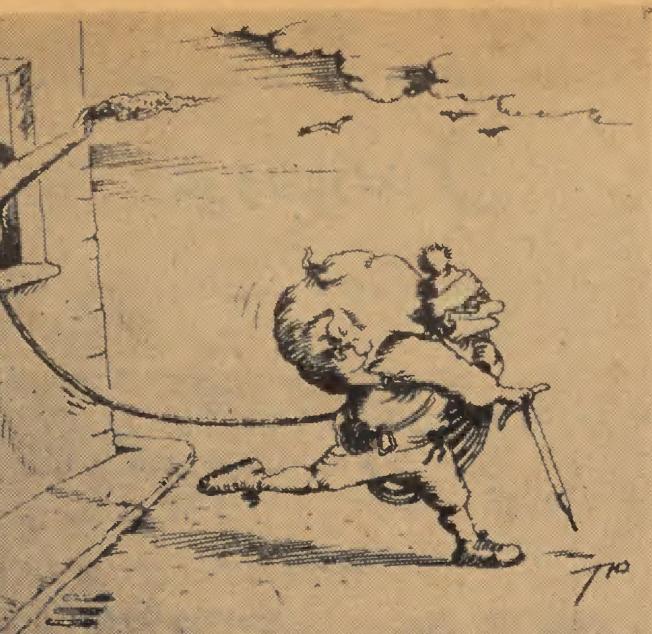
هوای خوشگوار و نسیم ملایم از هر طرف میوزد ، آسمان صاف است کم ، کم با ران هم میباشد . مرغان خوش آواز در با غها و چمنها شور و نوایی دارند و سرودهای بهاری میسر .

رخوا ب میدید در یاندیمی و حشتناک مهما نم ب زندگی بیهم میگوید : نداری از ورودم با که ؟))

ترانه محبت

انه بی دل انگیز شود و هیچ خلایی در زندگی فرین است . آه ! که نداشته باشد ، ولی هر گز های سعادت وابسته گوشها یش به ترانه زیبایه است . ترانه بی که محبت آشنا نباشد و قلبش بانوار تاریک و ازمیان شا - در خشان محبت ندرخشد . زندگی برایش بی ارزش و بی معنو است . زندگی بی محبت پر از ناله ها و اشکها و افسرده گی ریک روشنی می افگند .

)) کلمه بی که در آن این جهان ! تو هر گز و جو د از سعادت است . پس زندگی را بدون آنکه انسانها محونساز و ترانه هستی بخش خود را خفته و خاموش نباشد ادا مه داد ؟ نگاه مکن . زیرا تو یکانه مشعل ایان بدون ((محبت)) مقدس است که قلمای



شوهر عزیز : فقط بر روی جاده مستقیم حرکت کنید و
نبینی



بدون شرح

دراول زاری در اخیر خواب

بعضی از مرد ها قبل از ازدواج سرویس به اینسو و آبرنده !

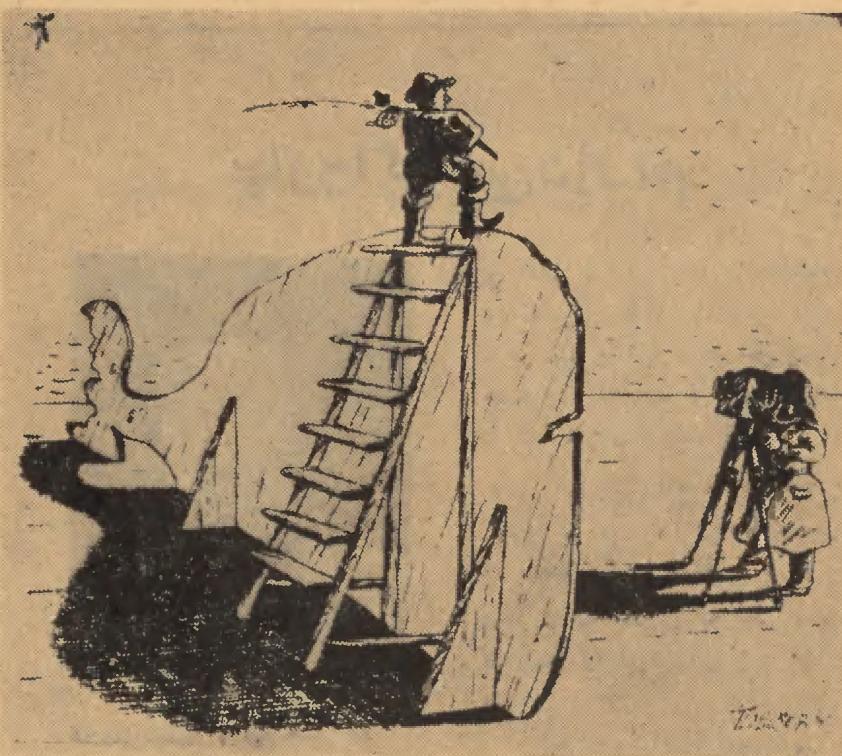
قول مردانه به نا مزد خود می دهند که یک ما و بعد از عروسی، موتور شخصی آخرین سیستم بخوردند اما وقتی که خر شان از پل گذشت و عرو سی تما م شد همسر خود را به عندر نداشتند پول، حتی سوار تکسی هم نمی کنند و با موتور



بر ارشاد انتخاب نموده ایم

در بسته خواب

بلی دوست عزیز ... طیاره بدار تفاه بیست هزار متری رسیده بود که بدون فراشوت سقوط کرد م ...
- معلوم میشود تو بسیار دور غنوه هستی ...
پس چطور حلازنده هستی ؟
آخر قبل از اینکه به زمین برسم از خواب بیدار شدم !



عکاسان همواره به عجله و دست پاچگی کارمی آنند صبر کن که من خوبالا شوم

- آقای محترم رئیس صاحب
بین تهمت نزن ... اصلا من تا حال
ازدواج نکرده ام .

حاضر جوابی

کارگر یک شرکت تقاضای



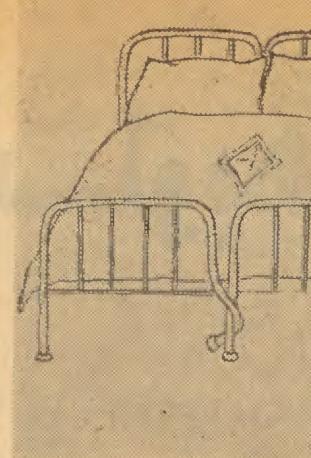
بگذار مطالعه کنم



مادر دختر ! تو باش شوهر عزیز که نامزد دخترم کدام موتر کهنه دا
نیاورده باشد .

زن ، نیمه های شب نا گهان
سرا سیمه از خواب بیدار شد و
آهسته شو هر ش را صدا کرد .
شوهر خواب آلد پر سید .
عزیزم .. عزیزم .. بلند شو ...
چی شده ... چی است ؟
عزیزم ... صدا یی از کتابخانه
میا ید ... فکر میکنم دز دی به
آنجا آمده باشد .
شو هر با خو نسر دی خمیاز های
کشید و گفت :

خوب عزیزم ... برو ببین که می
خواهد کدام کتابی را مطالعه
می کند ؟



بدون شرح

بضم بدل شافعی

نشنا س د رباره حرفه
خود صحبت میکردند ...
آنها ، از همکارش پر -

ستی ، تو در مورد بیما -
چار کمی حافظه باش
کنی ؟
نشنا س دو می بلا فا صله
من همیشه حلق
ام را قبل میگیرم !!

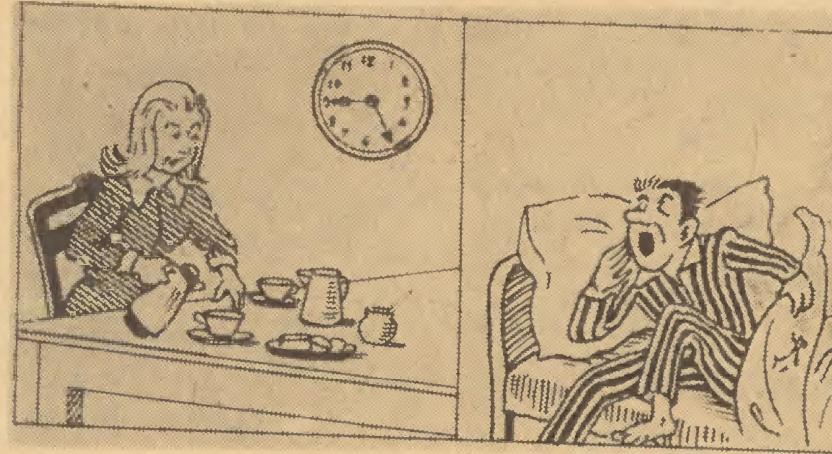
باز لیحه نمایی

شو هر جوان خا نمی زیبا مرده
بود زن در مر گشتو هر سخت
بی تا بی میکرد و مر تب اشک
از دید گاشش جاری بود ... یکی از
دو ستانش برای دلداری او
گفت :

عزیزم ... تا یکماه دیگر با زلبهایت
نخور ... تا یکماه دیگر با زلبهایت

بخنده باز خواهد شد .
در اینموقع گریه زن جوان
شدید تر شد و در همان حال
گفت .

ای خدا ... یکماه دیگر
... نی ... این غیر قابل تحمل
است .



خانم ! ساخت نه نیم شده و تو تا هنوز از خواب نگیستی ! بخی که
چای تیار است ذوق شده غیر حاضر میشی !!
شوهر :- چرت ته خراب نکو کاتب حاضری رفیقم است خانه
حاضری مه قید نمیکند .

حلو اشیو ین است

جوانی پیش مکتب دختران قدم
میزد جوانی دیگر گفت :



بدون شرح

زن هو شیار

شوهر ، با عصبا نیت و ناراحتی

رو به زنش کرد و گفت :

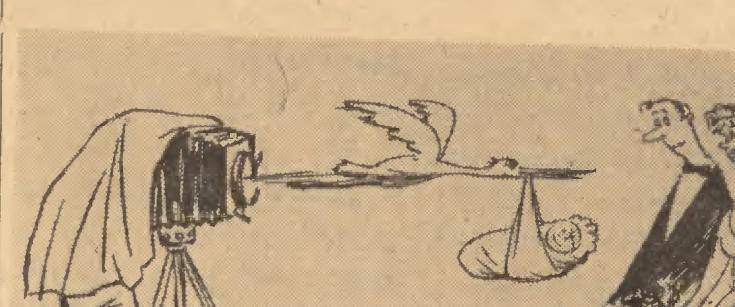
من هیچوقت موافق نمیشوم

میخی را بد یوار بکو بم !

- چرا ... بچی علت ؟



بدون شرح



پايان‌ن‌ها، پوداخته‌ها و اندلوبه‌ها

ويا ر مرا نگهدا رى ميکر
گشتم . خوب به ياد دارم رو ز
زيبا ي خود را تر ك ميگفت
او گر يسته بود ، بسيا
يسته بود و گفته بود ك
بر گر دى ، من در انتظار
نشست .)) و ما با هم
سو گند ياد نموده بود يم
يکد یگر را فراموش نکن
بر ميگشتم نزد او ، نزد
يى كه من از نگاه كردن

سيما هش شاد مى گشتم
غمهاي دنيا را فرا موش
مو تر به راه خود ادا
من يكى از نامه هاي آ
ميما را از جيپ خود بيره
دو باره مي�وا ند م .

او نو شته بود : ((
براييم رسيد ، از اين كه
ميگر دى ، نمياد نى چق
شحال شده ام ، من درا
بودم ، چقدر انتظار كشيم
رنج بدم ، ولی حلا

رنج و شبهاي ظلما نى
رسيده آفتا ب پر شکوه
دو باره برافق زنده گي
گشته است . صبح اميد
ليخند شادي آفر ين ميز
تو بر ميگر دى ، من با
بسته بودم كه اگر هزار
داشته باشم ، اين همه
تو خوا هم نشست ، حا

ميگر دى و همه خوا به
به حقیقت مى پيو ندد .
نا مه اش را دو باره

خواهر عزيز ذ. هيتراء ،
احساس شعر ي شما ستا يش
انگيز است ، باري جهت يا فتن و
شنا ختن وزن شعر بخصوص صشعر
نو باید بيشتر مطا لعه كنيد و شعر
شا عرا ن بر جسته معا صر راز ياد
تر بخوانيد تا راه گرایش به شعر
سرای خو بتر رو شن گر دد ، و
بيش تان نسبت به اين گو نه
شعر پخته تر . اينك پا ر چه شعر
زيبا ي شما را نشر مينما يم ، شاد
و سلامت با شيد .

بي تو

ها ي اى رفته زچشم
ليك
همچنان آتش عشق تو به كا نون
روانم سو زان
بي تو مو جي زتپيشهاي غم
انگيز م

بي تو برجي زدرخت افتاده
بي تو پژمرده تر ين شاخ نهال
هستي
بي تو پا ييز تهيد ستم
همکار گرامي محمد كيير ،
سلام ما را نيز پيد يري . د و
نو شته خوب از شما در يافتيم ،
نخستين نو شته شمارا كه عنواني
هم نداشت با گز ينش يك عنوان
به نشر مى سپاريم ، با رى اين
نو شته شما را اند كي اصلاح نموديم ،
اميده است به همتا ر یهني خود
دوام بد هيد و بر شاد مانى
ما بيفزا ييد .

حالا به شهر خود برو هيگشتم
از روزى كه از شمال كشور و
زاد گاه خود به كابل آمد ، تقریبا

دو سند ا را ن ارجمند صفحه شها مت نشان ميد هد ، خوش
مي آيد ؟ يابين كه غمي در دلداري
پس از عرض سلام فرا وان و
ومي�وا هي گر ه احسا س اعماقت
لب صحتمندي برای همه شما ، را بر روی جها نيان بکشا يى
را رسيدن بهار ، اين خجسته
صل سال را تبر يك ميگو ييم
گر چه بابر ف و بر فباري فرا-
را گناه ميدا نند ، اما تو اى دريا ،
فر ياد سرده ، شور و مستى جوانى
برپاكن تا همر زمى پيدا شود و
همزمانى ، ودر کنار تو با يستند
و ترا يارى رسانند .

اي دريا ،

خوا هش مى كنم غوغا كن ،
فر ياد بزن و رو شن گر دان كه
نمى خوا هي مورد هجو م كسى قرار
گيرى . آری ، با شور و فرياد بى
اما ن خود قلب هجو م آوران را
بلرزان و آگاه گر دان كه تو چه
نيروي عظيمى داري .

اي دريای زيبا ، خروش تسو
سبب ميشود كه قلب قوت بيشترى
گيرد ، چرا كه ترا هم ما ننده قلب
خود مى بيم و احساس ترا نسبت
به همه كس بيشتر در ك ميكنم .

همکار گرامي فريده و زمه ،

پا رچه نشر ي كوتاه اما زيبا
شم را نشر ميكنم ، اميد است
به همکار يهاي صميما نه خو يش
دوام بد هيد .

شعر من

آند م كه در سکوت شبهاي
تا ريك پيش رو شنی چرا غ و زير
سقف اتا قى با تو هستم و آند م
كه در پر تو خا طره ها در صحبت
را با تو باز ميكنم . آن وقت
كه از شادي مى خندم و آند م كه از
مجله رسيده است ، زمانى كه
نوبت نشر ش رسيد ، به نشر
خوا هيم سپرد .

خروش دريا

اي دريای خروشان ، چرا

ش را گرامي پنداريم .

دو سنا ن گرامي ،

ما هما نسان ، كه انتظا ردا -

شتم ، نا مه ها ي فرا وان

شما در يا فتيم ، جا لبتر اين ،

كه دو سنا ن و همکار را ن تازه يى

به يارى ما شتا فته اند و با

نر سنا ن نا مه ها و نو شته هاي

خوب و خوا ند نى خود برشادمانى

ما افزو ده اند . اينك با اظهار

سيما س زياد از شما دو سنا

همکار را ن ديرين و نوين مى

پر دازيم به بررسى و نشر نوشته

ها يتن .

گرامي صفيه صد يقى ،

نو شته شما با عنوان ((خروش

در يا)) به اداره مجله رسيد . اينك

پس از اند ك تعديل به نشر آن

ميپر دازيم ، با ريدو شعر شما

به نا مهای ((تأثير شعر)) و

((زيبا يي سنا ره)) نيز به دفتر

مجله رسيده است ، زمانى كه

نوبت نشر ش رسيد ، به نشر

خوا هيم سپرد .

سوا لات وا بسته به تکا مل
به سوی جا معه نوین در کشو رم
است. د رجا معه ایکه اطفا ل مابشد
سوی فردا خوشبخت و آرا
قدم را به بیش گذارند و نو جوانان
ما در شرایط مساعد مطالعه
آموختن علوم به سوی ایجاد یک
زندگی مر فه برا خود و خدمت
صادقانه و وطن پرستانه برای
مردم و کشور عقب نگهداشت
خود که سالیان متما دی را د
شرایط بد و نامساعد اقتصاد
اجتماعی گذارند است به بیش
روند و استوا را نه به پیش رو ن
تا و طن آباد و او لا د آیند ڈو ط
خوشبخت به دنیا بیا یند و خو
شبخت زندگی کنند.
به امید فرار سیدن هر چ
زود تر چنین رو زی.

از عدم تو جه به برخورد با اطفال
در سنین خوردشان می باشد.
نو جوان کشور ما مثل اکثر یت
قاطع هموطنان ما در شرایط شواری
بسربمی برنند. در آوان نو جوانی
به نو جوانان در کشور ما اعم
از دختران و پسران رهمنمایی های
لازم و سالم صورت نمی گیرد
تا در مقابل پیشامدهای دو ران
نو جوانی آمادگی قبلی داشته
باشند، در وسائل ارتباط جمعی
کشور ما هم ازین قبیل چیز ها
گفته نمیشوند.
چرا نو جوانان ما به همه
چیز محیط و ما حول خود نفهمند؟
چرا نباید در باره خود، جنس
همنوع و مخالف خود معلوم مات
داشته باشد؟
راه حل و ارائه جواب به این

از عدم تو جه به برخورد با اطفال
در سنین خوردشان می باشد.
نو جوان کشور ما مثل اکثر یت
قاطع هموطنان ما در شرایط شواری
بسربمی برنند. در آوان نو جوانی
به نو جوانان در کارهای زرایی و یا
هم اگر پدرشان کسبه کار باشد
در دکان پدرشان که نظر به
سن برای آنها خیلی نامساعد است
سهم بگیرند.
غول بیسواندی، عدم رشد
فرهنگی جا معه و دهه عامل دیگر
آنها را خجول، بی اعتماد به نفس
و در یک محدوده خیلی کوچک علمی
می گذارد از همین سبب باست
و فتی به سن نو جوانی می رستند
عده متغیر و گوشه کیر، عدم
شان شو خ و میست نشانه نو جوانی
و عده دیگر شان را در حالی
که از پدر، مادر و بادیگران نفرت
دارند می یابیم و آرزوی روزی
رادارند تا قدرت و آزادی کا مل
پدست آرنده و از محیط کوچک
و نامساعد فامینی و محیطی
خود به جاهای که مطابق نظر
طبعشان باشد رخت سفر بر
بندند.
نو جوانان کشور می
قسمیکه در اکثر یت خانواده های
کشور ما دیده می شود بالای
نو جوانان فامیل خود قطعاً
حساب نمی کنند در حالیکه در
دو ران نو جوانی که بحرا نمی
ترین دو ران زندگی هر انسان
نمودند آن جلو گیری
اران خود را در عدم
که یکی از فقیر ترین
جهان به شمار می رود
عده استعمار چیان جهانی
و پاسداران منافع
ن در کشور ما که بقا
اران خود را در عدم
داشته اند.

نو جوانان کشور می
ننها نو جوانان ما رادر
پیارز استعداد های شان
که امکان برایشان
از رشد آن جلو گیری
نمودند بلکه
ترین دو ران زندگی هر انسان
نمودند آن جلو گیری
از.

ایست نو جوان خود را به حیث یک
شخصیتی می داند که حق نظر دادن
را در اکثر موارد و مسائل داشته
و خواهان یکسلسله آزادی ها می
دو رسدت با شرایط
باشد. ولی متأسفانه و قتی
بانظر بی ارزشی به سوی او می
نکرند عمیقارنیج برده و این رنج
هاو سبک نظری ها باعث ایجاد
ورده بود.

عقده های روانی و درونی میگردد.
چرا والدین در کشور ما چنین
می کنند؟ با وجود یکه حتی
پدر با سواد که نسبت به پدران بی
و وضع دشوار اقتصاد
سواد که در کشور ما اکثر یت
عدم را عات مقر رات
هستند فهمیده ترند و لی دیده
جه و نگهداری صحی از

و آبروی خویش را پاسداری کردن. ذ نی
مرگ شوهران و پدران و عزیزان خویش
دیدند و بر قاتلان شان با مشت و خشن
حمله ورشدند و لب به نفرین کشودند
به جاست که بگوییم در تاریخ چندین صد سال
اخیر کشور هرگز چنین فشار و مقاومت
برانگیزی را زنان کشور ما ندیده بودند
در دوران سیاه باند امین دیدند و زهر آ
چشیدند.
پس در برابر همه زنان، مادران و خواهر
شیبد خویش سر سپاس و احترام فرو می
آریم و یاد شانرا گرامی میداریم.

یک رویای خوش و زود گذر
برو دختر خوشبخت باشی
دختر چیز کشید اشک ریخت
ولی جوان با رویای از ها
پا شیده اش در تاریکی ها
شد ه بود.

مدیر مسؤول: واحده راسخ خر
معاون: محمد ذ مان نیکرا
آمر چاپ علی محمد عنمان ز
آدرس: انصاصی و ات جواریا
مطابعه دولتی - کابان

وزن را گرایی

مرحله نوین انقلاب تور، این ره آ و دد
ابنایشته های فکری و جدالهای انسانی گذشته
و حال، از مقاومت دلیرانه دختران و زنان
کشور ما یاد گوارهای دارد، چه دوشیزه گان
شرافتمندی که در زیر چکمه های سیاه
فاسیستیای امین جان سپردند و قهرمانانه
به شهادت تن دادند. مادرانی که در سوگ
پسران از دست رفتہ شان، اشک ریختند.

میخواست خودش باشد
و این داشت بیکران، داشتی که
زمانی سراب در آن جلوه داشت.
رویش را از دختر برگ داند
قطرات اشک برگ نه اش لیز
خورد و به سینه سوزان و خشکش
لغز ید میخواست دیگر چشم
بچشم دخت نخورد. و برای آخرین

